



سپه‌ای مصلح جهان

مؤلف: مراد فیضی

سیدمای

مُصلِح جهان

و

ملاقات با امام زمان

مؤلف: مراد فیضی

انتشارات ایزد

فیضی، مراد

سیمای مصلح جهان و ملاقات با امام زمان / مؤلف: مراد فیضی -
تهران: نشر ایزد، ۱۳۷۹

۱۵۲ ص ۴۰۰۰ ریال 0 - 5 - 90240 - 964 ISBN

کتابنامه به صورت ریزنویس

۱. محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۶ ق. ۲. مهدویت.

۳. محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۶ ق. غیبت. ۴. محمدبن

حسن (عج) امام دوازدهم. ۲۵۶ ق. رویت. الف: عنوان.

۹ س ۹ ف / ۴ / ۲۲۴ BP ۲۹۷/۴۶۲ ۱۲۳۶۴ - ۷۹ م

کتابخانه ملی ایران

شناسنامه کتاب

نام کتاب: سیمای مصلح جهان

تهیه و تنظیم: مراد فیضی

ویراستار: محمد دانائی

ناشر: نشر ایزد

چاپ: نمونه

نوبت و تاریخ چاپ: اول / ۱۳۷۹

شمارگان: ۵۰۰۰ جلد

قیمت: ۴۰۰ تومان

شابک: ۰-۵-۹۰۲۴۰-۹۶۴

ISBN: 964 - 90240 - 5 - 0

مرکز پخش:

تهران - صندوق پستی ۱۸۶-۱۶۳۳۵ تلفن ۷۸۱۹۲۱۹

فهرست مطالب

۳	فهرست مطالب
۷	پیشگفتار
۱۲	مقدمه
۱۷	نجوایی با امام
۱۹	پیامی به مسلمین
۲۱	ضرورت وجود حجت خدا در زمین در تمام زمانها
۲۳	بیان اخباری از ناحیه خداوند متعال و ائمه <small>علیهم السلام</small> در مورد تولد
۲۷	سیمای مهدی (عج) در آئینه قرآن
۳۲	خبر ولادت آن حضرت نزدیک زمان تولدش
۳۵	کسانی که در خردسالی آن حضرت را دیده‌اند
۳۷	سیما و قامت آن حضرت
۳۹	منکران آن حضرت و ظهورش
۴۱	فضیلت انتظار فرج در دوران غیبت آن حضرت
۴۴	غیبت صغری، نواب اربعه، غیبت کبری
۴۶	وظائف شیعه در دوره غیبت
۴۹	پاداش کسانی که در دوره غیبت بر اعتقاد به حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> و ولایتش،

- علائم ظهور حضرت مهدی علیه السلام ۵۹
- آثار و میراث همه پیامبران علیهم السلام در اختیار حضرت مهدی علیه السلام است ۷۲
- محل ظهور و دعوت آن حضرت کجاست؟ ۷۴
- ویژگیهای یاران امام قائم علیه السلام ۷۶
- کسانی که در برابر امام صف آرائی می کنند ۷۹
- محل حکومت و سکونت حضرت حجت علیه السلام ۸۰
- وضع زمین و آسمان در دوران ظهور مبارک آن حضرت علیه السلام ۸۲
- نزول حضرت عیسی علیه السلام برای یاری قائم آل محمد علیهم السلام و اقتدابه آن حضرت ۸۴
- شبهت حضرت مهدی به انبیاء علیهم السلام ۸۶
- شبهت امام زمان به حضرت عیسی علیه السلام ۹۵
- شبهت امام زمان به جد بزرگوارشان خاتم انبیاء صلی الله علیه و آله و سلم ۹۶
- حتمی و تخلف ناپذیر بودن رجعت بعد از ظهور مهدی علیه السلام ۹۷
- رجعت پیامبران و امامان دوازده گانه شیعه ۹۹
- اولین امامی که رجعت می کند و بعد از قیام قائم علیه السلام خروج می نماید ۱۰۳
- رجعت امیرالمؤمنین علیه السلام و تعداد دفعات رجعت آن حضرت ۱۰۵
- دابتدالارض و دابةالله، همان علی علیه السلام است ۱۰۸
- مدت عمر پیامبر و ائمه علیهم السلام بعد از رجعتشان ۱۱۲
- مؤمنان و کافرانی که رجعت می کنند ۱۱۴
- اسامی مقدس حضرت مهدی علیه السلام در کتب مذهبی ملل مختلف جهان ۱۱۸

- ۱۲۰ مکانهایی که سفارش شده برای دعا به ولی عصر (ارواحنا فداه).
- ۱۲۳ تعداد یاران حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه).
- ۱۲۴ کمک حضرت ولی عصر (عج) به محتشم کاشانی.
- ۱۲۵ صورت عریضه مشهوره به حضرت صاحب.
- ۱۲۷ چگونگی حکومت امام زمان علیه السلام.
- ۱۳۰ گفتاری از امام مهدی علیه السلام درباره تأخیر وقت نماز.
- ۱۳۱ نماز امام زمان (ارواحنا فداه).
- ۱۳۲ خبرهای غیبی حضرت حجة القائم علیه السلام (ده خبر غیبی).
- ۱۳۹ ملاقات با امام زمان علیه السلام (ده ملاقات).

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا و نبينا
ابى القاسم محمد ﷺ و على اهل بيته الطيبين
الطاهرين المعصومين لاسيما مولانا بقية الله فى
الارضين» عجا الله تعالى فرجه» و لعنة الله على اعدائهم
اجمعين من الان الى قيام يوم الدين»

تقديم به صاحب عصر و زمان (ارواحنا فداه)

آتش عشق تو در سينه نهفتن تا كى

همه شب از غم هجر تو نخفتن تا كى

طعنه زاغيار تو، اى يار شنيدن تا كى

روى نادیده و اوصاف تو گفتن تا كى

« باسمه تعالی »

پیشگفتار

مه من نقاب بگشای ز جمال کبریائی

که بتان فرو گذارند اساس خودنمائی

راستی که انسان، این دردانه آفرینش و نازپرورده خلقت، در طول تاریخ زندگی خود دچار چه بلاها و مشکلاتی که نشده است؟ استثمار و بردگی، استعمار و جنگ و تبعیضات نژادی و فقر... همه و همه از دیرباز گریبانگیر او بوده و لذات زندگی مادی را بر او حرام کرده است. آن هنگام که به ژرفای تاریخ بشریت بنگریم در میان اوراق و اسناد گذشته، برگی را نمی یابیم که آدمی - این اشرف موجودات و خلیفه خدا در زمین - شاهد درد و رنج، ظلم و جور، مشقت و بدبختی نباشد. گوئی که آلام و رنجها تشکیل دهنده و شالوده اساسی صحنه های زندگی بشر بوده است و فراغنه و چنگیزها و حجاجها مسئول برپائی و کارگردانی این صحنه ها. انسان، به عنوان عامل اصلی و درگیر با این مسائل، خود را برای مبارزه با این بلاها آماده نموده و به طور مداوم در ستیز بوده است تا شاید این جدال را پایان بخشد و زندگی خویش را نجات دهد؛ اما نتیجه ای جز یأس و ناامیدی عایدش نگشته است.

مصلحین و اندیشمندان جوامع بشری در جستجوی راهی که پیام آور آینده ای روشن و نویدبخش خوشبختی و شادکامی باشد آرزوهای خویش را در جوامعی ایده آل چون «مدینه فاضله» و «شهر خورشید» مجسم

می‌سازند که متأسفانه جز یک طرح غیرعملی و رویائی بیش جلوه ننموده است.

با گذشت تاریخ کهن، به دوره فرهنگ و تمدن بشری نزدیک می‌شویم تا شاید که با شکوفائی علم و پیشرفتهای شگفت‌آور تکنیک، شاهد از بین رفتن ظلم و تبعیض و گسترش عدل و آزادی باشیم. اما با تأسفی دربار، این آرزو نیز تحقق نمی‌یابد و بشریت بطوری بیش از پیش مورد حمله و تجاوز و ظلم قرار گرفته که گذشته تاریک خویش را از یاد می‌برد. کشتار جنایت‌بار جنگ اول و دوم جهانی با بجای گذاشتن میلیونها کشته و زخمی و جنگهای بین الجزائر و فرانسه، آمریکا و ویتنام، اسرائیل و فلسطین و لبنان و نیز نبردهای دیگر، روی جنایتکاران گذشته تاریخ را سپید نمود و آوارگی و سرگردانی، بیماری و درد، اسارت و گرسنگی و بدبختی و مشقت را برای انسان معاصر به ارمغان آورد که براستی جنایات نابخشودنی عصر ماست.

و همانگونه که در گذشته، مصلحین جوامع بشری جز با بیان آرزوهای خویش برای انسان ره‌آوردی نداشتند؛ روشنفکران و متفکران معاصر و جوامع تشکیل شده از سوی آنان چون سازمان ملل و شورای امنیت و سازمان عفو بین‌الملل و صدها سازمان و گروه و دسته دیگر که با اهداف خیرخواهانه و عقل‌پسندانه آغاز به کار نموده‌اند نیز برای آدمی همچون طبلی توخالی بوده‌اند که هرگز ندائی سر نداده‌اند که مرحمی بر زخمهای پیکر او باشد، به همین دلیل است که آنان را در تأمین خوشبختی و امنیت و آرامش ناتوان می‌بیند.

به هر صورت روز به روز و لحظه به لحظه، که وضع تاریک و مشقت‌بار بشریت تیره‌تر می‌شود بایستی زمینه گسترش نومیدی در پهنه گیتی بیشتر گردد. اما شگفت‌آور آنکه این انسان زجرکشیده و ستم‌دیده زیر بار این همه شکنجه و درد و پایمال شدن حیثیت انسانی‌اش و ملاحظه وخیم‌تر شدن اوضاع هنوز مأیوس نشده و شعله امید را در درون خویش، روشن نگهداشته است.

باید دید که این چه نیروئی است که نمی‌گذارد رشته امید آدمی قطع گردد و مأیوس و ناامید از همه جا خود را تسلیم حوادث روزگار نماید؟ این چه جاذبه‌ای است که با کشش خویش، محرومین و مستضعفین جهان را بسوی خود می‌خواند و آنها را به آینده‌ای نیکو، خوشبین و امیدوار می‌سازد؟ این چه پیام و نویدی است که علیرغم همه ناراحتی‌ها و مشکلات، هنوز در نظر انسانها معتبر و قابل اجراست؟ و در انتظار آن بایستی تمام این لحظات دردآور را تحمل نمود؟ جز نویدی الهی که پیام‌آوری آسمانی و پاک آنرا به بشر بشارت داد. کدام وعده و بشارتی چنین نفوذ و قدرتی خواهد داشت.

بلی، پیام‌آوران الهی در طول تاریخ همواره امت ستم‌کشیده خویش را به فرجامی نیکو و ایده‌آل بشارت داده و سرانجام، پیروزی و سعادت و کامیابی را از آن مستضعفین دانسته‌اند زیرا که این وعده خداست و در وعده خدا خلافی نیست.

آری همانا او آخرین جانشین پیامبر معظم اسلام (ص)، حجت خدا بر مردم، چشم‌بینا و گوش‌شنوا و دست‌توانای حق و یادگار خدا در زمین

است که این بشارت الهی به دست با کفایت او عملی خواهد شد.

بلی او، فرزند پیامبر خداست؛

او، پورِ علی مرتضی است؛

او، پسر فاطمه زهراست؛

.....

.....

او حجة بن الحسن العسگری،

یگانه ولی، زمان ماست.

شیعه، این گروه پیرو علی علیه السلام، در طول این دوازده قرن، با محرومیت از دیدار امامش، یک لحظه از پاننشسته و گوشه عزلت نگزیده و نگذاشته است که شیطان صفتان روزگار، یاد محبوبش را از خاطرش برده و شراره امید به آینده‌ای روشن همراه با سعادت را در دلش خاموش نمایند.

شیعه، هر لحظه چشم براه فرا رسیدن آن آرمان بزرگ الهی و آن روز موعود است؛ روزی که بشریت در محیطی مملو از عدل و برابری، به رهبری حضرت مهدی (عج) حیاتی ایده‌آل را آغاز نماید. و در این مسیر هرگونه حيله فتنه دشمنان را که جهت تحریف و متلاشی نمودن این باور اصیل اسلامی گسترده‌اند، پشت سر نهاده و از هرگونه فداکاری و ایثار دریغ ننموده است.

شیعه، از طرفی با عقیده بر اینکه امام و رهبرش به خاطر عدم شایستگی و نبود وحدت و یکپارچگی بین امت، از آنان رخ برتافته،

خودسازی و تهذیب را پیشه خود ساخته و علیرغم همه کوبندگی حملات دشمن که خواستار برکندن ریشه او و تزلزل اعتقاد اوست؛ بدون هیچگونه اتلاف وقت، تلاش کرده و خود را آماده پذیرای ظهور مهدی (عج) می‌نماید و راستی که در قاموس شیعه اولین قدم در مسیرانتظار حضرتش، جز تلاش و اقدامی برای خودسازی و تربیت خویش نخواهد بود. اما قدم بعدی در این راه، دیگرسازی و بالنتیجه آماده‌سازی جامعه بوده و خلیفه هر انسان مؤمن پس از آنکه آتش انتظار، خرمن وجودش را فراگرفت سرایت دادن این آتش بر پیکر دیگران و جامعه می‌باشد تا این رسالت عظیم به تدریج آیندگان را فراگیرد و زمان ظهور فرارسد.

ان شاء الله

مقدمه

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»

دل بی تو تمنا نکند کوی منی را

زیرا که صفائی نبود بی تو صفا را

باز آی که تا فرش کنم دیده به راهت

حیف است که بر خاک نهی آن کف پارا

مسئله مهدی موعود و مصلح جهان - آنگاه که جامعه انسانی در

سراشیمی بدبختی قرار گیرد و در تاریکیهای فساد اخلاقی و اجتماعی فرو

رود و روزنه‌های امید به روی همگان بسته گردد - باوری نیست که فقط از

ویژگیهای جامعه اسلامی بشمار می‌رود، بلکه اعتقادی است فراگیر، که

همه پیروان ادیان آسمانی را دربرمی‌گیرد، و ریشه‌های آن نه تنها در عهد

عتیق و جدید نمایان است، بلکه نوید ظهور او در آئین هندو و برهمن و

مذاهب رایج در شرق آسیا نیز به چشم می‌خورد.

گسترده‌گی چنین باوری سبب شده است که جهانیان، بالأخص

متفکران بزرگ عالم، به آن توجه کنند و کتابهای فزون از حد پیرامون آن

بنویسند، و کافی است که بدانیم در کتب حدیث و تاریخ اسلام قریب شش

هزار حدیث و اثر، پیرامون مصلح جهان وارد شده که هر یک بیانگر

گوشه‌ای از این حادثه بزرگ است، که در مقطعی از جهان رخ خواهد داد. انسان مادی قرن بیستم که سنگ تکامل به سینه می‌زند، در بررسیهای خود به بن‌بست رسیده است و متوجه شده که تکامل ابزار تولید، تکامل یک رویه است و نمی‌تواند بستر سعادت انسان باشد، تا آنجا که باور کرده که سنگین کردن کفه مادیات و رویگردانی از معنویات، پدیدآورنده جنگهای جهانی و ویرانگر تمدنهای انسانی است، زیرا که چنین تکاملی بسان تکامل کودکی است که قلب او بزرگ شود، ولی مغز و دست و پای او به همان حالت کودکی باقی بماند. بطور مسلم، چنین کودکی سرنوشتی جز مرگ نخواهد داشت.

از این تحلیل می‌توان لزوم طلوع چنین مصلحی را یک اصل کلی دانست که همه انسانها با داشتن مکتبها و روشهای گوناگون به آن اعتقاد راسخ دارند، و اگر هم برخی به زبان نمی‌آورند، ولی اصولی که بر آن تکیه می‌کنند، چنین موضوعی را ایجاب می‌کند.

باتوجه به احادیث صحیحی که در شرایط ظهور این مصلح وارد شده است، می‌توان گفت شرایط تکامل در همه جهات و تعادل مادیات و معنویات، در ظهور آن حضرت تحقق می‌پذیرد و انسانیت به کمال مطلوب خود می‌رسد، و تکامل صنایع نظامی و اقتصادی با تکامل عقول و خرد همراه می‌گردد؛ تا آنجا که پنجمین پیشوای شیعیان، امام محمد باقر علیه السلام، زمان ظهور آن حضرت را چنین توصیف می‌کند:

«اذا قام قائمنا وضع الله يده على رؤس العباد، فجمع بها عقولهم و
 كملت بها احلامهم»

«آنگاه که قائم ما ظهور کند، خداوند دست او را بر سر مردم می‌نهد، در
 چنین شرایط عقل و خرد آنها تکامل می‌پذیرد.»^(۱)

درباره مصلح جهان، مسائل بس فراوانی وجود دارد که بیان و تحلیل
 علمی و فلسفی آن ظرافت و دقت خاصی لازم دارد، و محققان اسلامی در
 این مورد کتابهای فراوان و مقاله‌های متنوع به زبانهای مختلف دنیا
 نوشته‌اند که هر یک گوشه‌های مختلف این حادثه را روشن می‌سازد. در
 میان این مسائل، موضوع غیبت از اهمیت خاصی برخوردار است، زیرا
 مهدی موعود (عج) دارای دو نوع غیبت است: یکی غیبت صغری و
 دیگری غیبت کبری. غیبت نخست از سال ۲۶۰ هجری آغاز شده و در
 اواسط سال ۳۲۹ هجری پایان پذیرفته است، آنگاه غیبت دوم آغاز
 گردیده و تا روزی که مشیت الهی بر ظهور او تعلق خواهد گرفت، ادامه
 خواهد داشت. در بخش نخست، نوع مردم با حضرتش تماس مستقیم
 نداشته، ولی از طریق نایبان خاص آن حضرت تماس برقرار می‌کردند و
 مسائل خود را مطرح کرده و به پاسخهای آن از طریق چهار نایب، نایل
 می‌شدند. اسامی نواب خاص آن حضرت در آن مقطع به قرار زیر است: ۱-

۱- کلینی: اصول کافی، ج ۱، باب عقل و جهل، حدیث ۲۱، ص ۲۵.

عثمان بن سعید، ۲- محمد بن عثمان بن سعید عمری، ۳- حسین بن روح نوبختی، ۴- علی بن محمد بن سمري که همگی از مشایخ شیعه و از بزرگان بغداد و برخی از آنان از یاران امام هادی علیه السلام و حضرت عسکری علیه السلام بودند، و در این مدت هفتاد ساله توانستند خدمت عظیمی به جهان تشیع انجام دهند و کار آنان زمینه‌ساز غیبت کبری گردید که هم اکنون ادامه دارد.

بر خودم لازم می‌دانم از دوستان عزیزم جناب آقای روح‌الگرامی گیلان و جناب آقای ابوالفضل اسدی که مرا در تألیف این کتاب یاری کردند، تشکر و قدردانی کنم.

امید است این تلاش ناچیز مورد قبول حضرت حجت عجل‌الله‌تعالی فرجه قرار گیرد و خداوند، آن را برای خوانندگان و کسانی که اهل دقت و توجه هستند، مفید قرار دهد.

۲۳، بهمن ۱۳۷۸

اسلام آباد غرب، مراد فیضی

نجوایی با امام

اماما، عاشق توئیم و دوستدار دوستداران تو و خاک پای منتظران تو،
امام افسوسا که خود، خانه دل را برای انتظار تو مهیا نساخته‌ایم.

اماما، با مژگان، نرو بیده‌ایم گرد راه راه، با اشک، نشسته‌ایم غبار دل را.
اماما، نرو بیده‌ایم غبار گناه از دل، اما عاشقیم، نمی‌دانیم این
عشق سوزان، در کجای جانمان جای گرفته که بی‌تابمان کرده.

اماما، شرمنده‌ایم که خانه دل را برای حکمرانی تو، پاک نساخته‌ایم.
اماما، از کاروان عاشقان تو، عقب مانده‌ایم، مرکب راهوار نداریم که به
این کاروان شورانگیز، دست یابیم.

اماما، راه، پیچاپیچ است و پر از گردنه‌های هراس‌انگیز، ما، بی‌یافزار و
توشه، سرگردان.

اماما، خمینی آمد و گزید و برد و ما پس مانده‌ها و واژه‌ها، ترسیم که
هیچگاه به آن آستان جلال راه نیابیم و غبار شویم و در هوا معلق و
سرگردان، نه آرامشی، نه قراری، نه پناهی و نه منزلی.

اماما، بیم آن داریم در عمق شب، گم شویم و گرفتار رهنمان.
اماما، می‌دانیم که خود، خود را به وادی هول‌انگیز بلا افکنده‌ایم، اما
هنوز، کورسوئی از چراغ عشق، در جانمان سوسو می‌زند.

اماما، دریا آشنایان، به عمق دریای عشق فرو رفتند و ما در ساحل،

مانده‌ایم، نه چشمی که آن همه زیبایی را ببینیم و نه انسی با امواج که با آنها درآمیزیم و نه پرتوی از عشق که به جان حقیقت راه یابیم.

امام، عشق، رخی نمود و جلوه‌ای کرد، ولی، سرگرم بودیم و از شربت گوارای عشق، ما را بهره‌ای نرسید.

امام، به عشق تو، صفحه صفحه این صحیفه را نگاشته‌ام و با اشک فراق تو آن را آراسته‌ام، امید آن دارم که از سر مهر افکنی و در هنگامه‌ها راهم بنمائی.

پیامی به مسلمین

ای مسلمانان غیور! دوران غفلت سپری شده است از خواب غفلت بیدار شوید، از اختلاف و تشتت احتراز کنید. همه تحت پرچم نیرومند توحید جمع گردید. اختیار خود را به شرق و غرب ندهید و همه جا پیشرو و طلایه‌دار کاروان تمدن بشر باشید. کاخ عظمت و استقلال و پیشرفت خویش را بر پایه‌های محکم اسلام استوار سازید. از روح قرآن مجید الهام بگیرید، در راه عزت و سربلندی اسلام گام بردارید، افکار شوم و خطرناک شرق و غرب را مهار کنید، قافله تمدن بشری را رهبری نمائید، و شخصیت و بزرگی و حریت خویش را بدست آورید. با جهل و بی‌سوادی و جمود افکار و خرافات مبارزه کنید. جوانان خود را با حقائق اسلام آشنا سازید تا دیو استعمار از شما مأیوس گردد و از مرز و بومتان فرار کند.

ای مسلمانان عزیز! عزت و بزرگی و اقتدار مخصوص رجال شایسته و صلاحیتدار است، شما شایستگی خویش را به اثبات رسانید، منابع گرانبهای علوم اجتماعی و اقتصادی و اخلاقی قرآن را استخراج کنید، برنامه‌های اصلاحی متین اسلام را به جهانیان عرضه بدارید و عملاً به آنان بفهمانید که دین اسلام نیامده تا در معابد گوشه‌نشین گردد یا در درون دلها لانه بسازد، بلکه آمده است تا سعادت و ترقی بشر را تأمین کند. شما خیراندیشان جهان را امیدوار سازید و در این پیکار مقدس به همکاری دعوتشان نمائید و قافله تمدن و خیرخواهی جهان انسانیت را رهبری کنید.

ای جوانان رشید اسلام! شما در این پیکار مقدس مسئولیت و سهم

بیشتری دارید، باید بجوشید و بکوشید و برای عظمت اسلام و ترقی مسلمین و پیشبرد هدف مقدس امام زمان جدیت نمائید. شما باید از اصحاب و یاران مهدی دادگستر باشید که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «اصحاب و یاران مهدی موعود همه جوان می‌باشند و افراد پیر در بین آنها کمیاب است.»^(۱)

ضرورت وجود حجت خدا در زمین در تمام زمانها

۱- از امیرالمؤمنین علیه السلام در بخشی از یک حدیث طولانی چنین نقل شده است: «زمین - هیچگاه - از حجتی که به اقامه امر خدا قیام کند خالی نیست. آشکار است و مردم او را می‌شناسند - و یا در شدت و سختی و مخفی از دیدگان، مردم نگران اداره اهل زمین است؛ تا حجت‌های الهی و آیات پروردگار در مسیر حق دوام یابد - و نتیجه زحمات ایشان هدر نرود.»^(۱)

۲- از امام جعفر صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش از علی علیه السلام در خطبه‌ای که بر منبر کوفه ایراد فرمودند، نقل شده است: «پروردگارا - تو خود گواهی - که اهل زمین را از داشتن حجتی از ناحیه تو که آنان را به دین تو هدایت کند و علم الهی را به ایشان بیاموزد، و حجتت از تمامیت نیفتد و پیروان اولیائت بعد از اینکه - به وسیله پیامبران - هدایتشان کردی گمراه نشوند، گریزی نیست؛ این حجت تو یا در میان مردم ظاهر و برای آنان آشناست اما از او اطاعت نمی‌کنند؛ یا از دید مردم پنهان و منتظر زمان ظهور است. زمانی که مردم در صلح و آرامش هستند اگر وجود حجت از نظر آنان غایب باشد دانش و منش او به دل‌های مؤمنین می‌رسد و ایشان به آن عمل می‌کنند.»^(۲)

۳- از امام حسن عسکری علیه السلام در مورد - صحت یا کیفیت - این خبر که به نقل از پدران بزرگوارش رسیده است که: «زمین هیچگاه از حجت خدا بر

۱- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۲۶۲، روایت ۱۰۹

۲- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۲۶۳، روایت ۱۱۲

خلقش خالی نیست، هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است.» سؤال شد، پس امام علیه السلام فرمود: «این مطلب حق است همانطور که وجود آتش - و جهنم - حق است» پس، از آن حضرت سؤال شد که: «یابن رسول الله، حجّت و امام بعد از شما کیست؟» فرمود: «فرزندم م.ح.م.د، او امام و حجّت بعد از من است، هر که بمیرد و او را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است.»^(۱)

۴- امام صادق علیه السلام از امیرالمؤمنین نقل می فرماید که فرمود: «بدانید که زمین از حجّت خدای عزوجل خالی نیست، اما به واسطه ستمگریها و جهالت‌های مردم، خداوند دیدگان‌شان را از مشاهده او فرو بسته است و اگر زمین لحظه‌ای از حجّت خدا خالی باشد نظامش در هم ریخته و اهلش را در خود فرو خواهد برد، اما حجّت خدا مردم را می شناسد ولی مردم او را نمی شناسند همانگونه که حضرت یوسف مردم - برادرانش - را می شناخت و آنها او را نمی شناختند.»^(۲)

۱- اثبات الهداة ج ۳، ص ۴۸۲، روایت ۱۸۹

۲- اثبات الهداة ج ۳، ص ۵۳۲، روایت ۳۶۳

بیان اخباری از ناحیه خداوند متعال و ائمه علیهم السلام در مورد تولد، بعضی از ویژگیها و آنچه امام زمان علیه السلام بعد از ظهور انجام می دهد.

۱- در حدیث لوح از امام صادق علیه السلام آمده است:
«بسم الله الرحمن الرحيم ، این پیامی است که از سوی خدای مقتدر شکستناپذیر که در ساخته و پرداخته اش هیچ عیب و نقصی نیست، خطاب به محمد؛ پیامبر، نور، نماینده و پرده دار و راهنمای بندگانش به سوی خدا، که روح الامین - جبرئیل علیه السلام - آن را از جانب پروردگار بر او نازل کرد.» آنگاه رشته کلام به بیان نام ائمه علیهم السلام کشانده شده تا به حسن بن علی علیه السلام رسیده و حدیث قدسی چنین ادامه می یابد: «سرانجام سلسله امامت را به فرزندش محمد که مایه رحمت برای جهان و اهل آن است کامل فرمود، او کمال موسی، درخشش عیسی و پایداری و استقامت ایوب، همه را داراست، اولیاء من در زمان - غیبت - او - نزد جهال و ستمگران عالم - خوار و بی ارزشند، سرشان از پیکر جدا شده و گوئی سرهای کفار ترک و دیلم است که پادشاهان به یکدیگر پیشکش می کنند، کشته می شوند، به آتش سوزانده می شوند، ترسان و هراسان - از ترس جان و دینشان - لرزانند،

زمین از خونشان رنگین می شود، ناله سوزناک و فریاد - و امظلوما - در بین

همسران و خانواده‌شان به آسمان می‌رود. اینان به حق و بی‌شک اولیاء
من هستند....»^(۱)

۲- از امام باقر علیه السلام نقل شده است: «موسی علیه السلام در سفر^(۲) اول نگاه کرد و آنچه را به قائم آل محمد داده می‌شود دید. عرض کرد: «پروردگارا مرا قائم آل محمد قرار بده»، پیام آمد: «او از نسل احمد است.» آنگاه موسی در سفر دوم نظر انداخت و درست همان چیزی را که در سفر اول دیده بود در آن نیز همان را یافت و همان درخواست را کرد و همان جواب را شنید، سپس در سفر سوم نیز همان دید، و همان گفت و شنود تکرار شد.»^(۳)

۳- از امام صادق علیه السلام به نقل از امام باقر علیه السلام به نقل از جدش علیه السلام به نقل از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم آمده است: «امام قائم از فرزندان من است، نامش نام من، کنیه‌اش کنیه من، سیما و قامتش چون سیما و قامت من و سیره و روشش، سیره و روش من است، مردم را بر دین و آئین من استوار نماید و به کتاب خدای عزوجل فراخواند، هر که او را اطاعت کند، مرا اطاعت کرده است و هر که از او سرپیچی کند مرا سرپیچی کرده است. آن کسی که در غیبتش او را منکر شود مرا منکر شده و دروغ پندارنده او مرا به دروغ

۱- الجواهر السنیه، ص ۲۰۳، ۲۰۴

۲- سفر به معنی کتاب و سفرهای تورات نظیر جزءهای قرآن است.

۳- اثبات الهداة ج ۳، ص ۵۴۱، روایت ۵۱۱

نسبت داده، پذیرنده او به راستی، مرا به راستی باور داشته است. من از کسانی که سخن مرا درباره - وجود و غیبت و فرج و قیام - او تکذیب می‌کنند و امتم را از راه منحرف می‌نمایند به خدا شکایت می‌برم، «و سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ»^(۱)،^(۲)

۴- از امام صادق علیه السلام به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است که به علی علیه السلام فرمود: «بدان که فرزندانم از ستمکاران در حق تو و حق شیعیانت، در دنیا انتقام خواهد کشید و در آخرت خداوند آنها را عذاب خواهد کرد» سلمان سؤال کرد: «یا رسول الله او کیست؟» پیامبر فرمود: «نهمین فرزند از نسل پسرم حسین است که بعد از غیبتی طولانی ظاهر خواهد شد و دین و فرمان خدا را به صدای رسا به جهانیان خواهد رساند و از دشمنان خدا انتقام.

خواهد کشید و زمین را همانطور که از ظلم و ستم پر شده است از عدل و داد سرشار خواهد کرد.»^(۳)

۵- ابی سعید عقیصاء می‌گوید: هنگامی که امام مجتبی علی السلام با معاویه صلح کرد مردم به حضرتش شرفیاب شده و عده‌ای از آنها به خاطر این مصالحه، آن بزرگوار را سرزنش می‌کردند. حضرت فرمود: «وای بر شما!

۱- سوره شعراء، آیه ۲۲۷

۲- اثبات الهداة ج ۳، ص ۴۸۲، روایت ۱۹۰

۳- اثبات الهداة ج ۳، ص ۵۶۹، روایت ۶۷۹

شما نمی‌دانید من چه کاری انجام دادم. به خدا قسم آنچه من کردم برای شیعیانم از تمام عالم و آنچه خورشید بر آن می‌تابد بهتر و پرسودتر است.» تا جایی که فرمود: «آیا نمی‌دانید هیچیک از ما اهل بیت از تن دادن به نوعی بیعت با جبار زمانش خلاصی ندارد مگر قائم که عیسی روح‌الله نمازش را به او اقتدا خواهد کرد. خداوند عزوجل زمان ولادت او و نیز خودش را از دیده مردم پنهان می‌کند تا در زمان ظهور، در گرو بیعت با کسی نباشد، او نهمین فرزند برادرم حسین است، پسر سرور کنیزان عالم، خداوند در دوره غیبت عمرش را طولانی می‌کند آنگاه به قدرت خویش در سیمای رشیدی جوانتر از چهل ساله، بر خلق، آشکارش خواهد فرمود تا مردم بدانند که خداوند بر انجام هر کاری تواناست.»^(۱)

سیمای مهدی (عج) در آئینه قرآن

۱- «الْم، ذَلِكَ الْكِتَابُ لَازِيْبٌ فِيْهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِيْنَ الَّذِيْنَ يُؤْمِنُوْنَ

بِالْغَيْبِ»^(۱)

«این همان کتابی است که در آن تردیدی نیست، و وسیله هدایت برای

پرهیزگاران است.»

از امام صادق علیه السلام درباره «الَّذِيْنَ يُؤْمِنُوْنَ بِالْغَيْبِ» نقل شده که فرمود:

«آنها کسانی هستند که ایمان به حقانیت قیام قائم دارند.»^(۲)

۲- «وَ نُرِيْدُ اَنْ نَّمُنَّ عَلٰى الَّذِيْنَ اسْتَضَعِفُوْا فِى الْاَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ اٰيْمَةً

وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِيْنَ»^(۳)

«اراده ما بر این قرار گرفته که بر مستضعفین در زمین، منت نهاده و

آنان را پیشوایان و وارثین روی زمین قرار دهیم.»

شیخ طوسی مسنداً از امیرالمؤمنین علیه السلام در تأویل آیه فوق روایت کرده

که فرمود: «کسانی که ضعیف شده‌اند در روی زمین آل محمداند؛ و خداوند

مهدی ایشان را مبعوث می‌کند. پس ایشان را عزیز و دشمنانشان را ذلیل

می‌گرداند.»^(۴)

۳- «اِعْلَمُوْا اَنَّ اللّٰهَ يُحْيِى الْاَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا»^(۵)

«بدانید خداوند، زمین را بعد از مرگ آن زنده می‌کند.»

شیخ طوسی در کتاب «الغیبة» با اسناد از ابن عباس روایت کرده که:

۲- تفسیر المیزان ج ۱، ص ۴۴

۴- بحار الانوار، ج ۱، ص ۵۴

۱- سوره بقره، آیه ۳-۱

۳- سوره قصص، آیه ۵

«یعنی: خدا با قائم آل محمد علیهم السلام زمین را بعد از مردنش، یعنی: بعد از ظلم به اهالی مملکتها - احیا می‌کند و زنده می‌گرداند.»^(۱)

۴- «وَعَدَاللّٰهُ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْاَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِيْنَهُمُ الَّذِي ارْتَضٰى لَهُمْ وَ لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ اٰمَنًا يَّعْبُدُوْنَ رَبِّيْ لَآ يَشْرِكُوْنَ بِىْ شَيْئًا»^(۲)

«خداوند به کسانی که از شما ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند، وعده می‌دهد که آنها را قطعاً خلیفه روی زمین خواهد کرد، همانگونه که پیشینیان را خلافت روی زمین بخشید. و دین و آئینی را که برای آنها پسندیده پابرجا و ریشه‌دار خواهد ساخت و خوف و ترس آنها را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند، آنچنانکه تنها مرا می‌پرستند و چیزی برای من شریک نخواهند ساخت.»

در همان کتاب آمده که: این آیه در شأن مهدی علیه السلام است.^(۳)

۵- «اٰمَنٌ يُجِيبُ الْمَضْطَرَّ اِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوْءَ وَ يَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْاَرْضِ»^(۴)

«(آیا معبودهای بی‌ارزش شما بهترند) یا کسی که دعای مضطر و درمانده را به اجابت می‌رساند و گرفتاری و بلا را برطرف می‌سازد و شما را خلفای زمین قرار می‌دهد؟!»

از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: «این آیه درباره قائم آل محمد است. به خدا قسم «مضطر» اوست، که دو رکعت نماز در مقام

۲- سوره نوره، آیه ۵۵

۴- سوره نمل، آیه ۶۲

۱- غیبه شیخ طوسی، ص ۱۱۰

۳- غیبه شیخ طوسی، ص ۱۱۰

حضرت ابراهیم بگزارد. و خدا را بخواند، پروردگار نیز اجابت کند و گرفتاری او را برطرف و آنها را در زمین خلیفه خود گرداند.»^(۱)

۶- «هَلْ أَتَيْكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ»^(۲)

«آیا داستان آن فرد گیرنده به تو رسیده است؟»

شیخ صدوق در کتاب «ثواب الاعمال» از «محمد بن سلیمان» از پدرش روایت کرده که گفت: از حضرت صادق علیه السلام پرسیدم «هَلْ أَتَيْكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ» یعنی چه؟

فرمود: مقصود، قائم ماست، که اهل باطل را با شمشیر فرو می‌گیرد. گفتم: «وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ» (صورت‌های آنها در آن روز، وحشتناک است) یعنی چه؟ فرمود: از ترس قدرت او گریز ندارند، گفتم: «غَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ» (عمل کننده رنج دیده) چیست؟

فرمود: «آنها برخلاف دستور خدا عمل می‌کنند و والیان جور منصوب دارند.»

گفتم: «تَصْلَى نَاراً حَامِيَةً» (در آتش سوزنده بیفتند) یعنی: چه؟ فرمود: به روزگار قائم ما، در آتش جنگ بسوزند؛ و در سرای دیگر به دوزخ درافتند.»^(۳)

۷- «يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَأَيِّنْفَعُنَّ أَنْفُسَ إِيْمَانِهَا لَمْ تَكُنْ أَمْنَتْ مِنْ قَبْلُ»^(۴)

«روزی که بعضی از آیات پروردگار فرارسد، ایمان کسانی که قبلاً ایمان

۲- سوره غاشیه، آیه ۱
۴- سوره انعام، آیه ۱۵۸

۱- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۴۸
۳- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۵۰

نیاورده‌اند سودی نبخشد.»

شیخ صدوق در کتاب «کمال‌الدین و ثواب‌الاعمال» از حضرت صادق علیه السلام روایت نموده که فرمود: «آیات، ائمه هستند و بعض آیات، قائم آل محمد است.»^(۱)

۸- «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ»^(۲)

(ای پیامبر به مردم) «بگو: به من خبر دهید اگر آبهای (سرزمین) شما در زمین فرو رود چه کسی می‌تواند آب جاری در دسترس شما قرار دهد.» شیخ صدوق در «کمال‌الدین» از امام محمد باقر علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: «مراد از این آیه، قائم آل محمد است. و معنی آیه این است که: اگر ببینید امام شما غائب شود و نمی‌دانید کجاست، کیست که او را ظاهر گرداند تا اخبار آسمانها و زمین و حلال و حرام خدا را به شما بدهد؟ آنگاه فرمود: به خدا قسم، تاویل این آیه هنوز نیامده و البته خواهد آمد.»^(۳) در این آیه از امام زمان، تعبیر به آب شده (که موجب حیات همه اشیاست).

«لو خلت الارض طرفة عين من حجة لساخت باهلها»^(۴)

یعنی اگر روز زمین یک چشم بهم زدن از حجت خالی باشد، زمین تمام اهل خود را درون خود فرو می‌برد و می‌بلعد.

۹- «الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا

۱- بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۵۱ - ۲- سوره ملک، آیه ۳۰

۳- بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۵۰ و تفسیر قمی، ص ۳۷۹

۴- بحارالانوار، ج ۲۳، ص ۲۹. عیون اخبار الرضا، ص ۱۵۰ - علل الشرایع، ص ۷۷

بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ»^(۱)

«یاران خدا کسانی هستند که هرگاه در زمین به آنها قدرت بخشیم نماز را برپا می‌دارند و زکات را ادا می‌کنند و امر به معروف و نهی از منکر می‌نمایند و پایان همه کارها از آن خداست.»

حضرت باقر علیه السلام فرمود: «این آیه درباره مهدی - عج - و یاران آن حضرت نازل شده است، که خداوند مشرقها و مغربها زمین را به تصرف آنان درآورد و دین اسلام به دست آنان بر تمامی ادیان غالب شود. و عدالت، عالم را فراگیر شود، بنحوی که اثری از ظلمها و بدعتها هرگز دیده نشود.»^(۲)

خبر ولادت آن حضرت نزدیک زمان تولدش

موسی بن محمد بن قاسم بن حمزه فرزند امام موسی کاظم علیه السلام می‌گوید: «حکیمه دختر امام جواد علیه السلام گفت: امام حسن عسکری علیه السلام کسی را به دنبال من فرستاد - وقتی خدمتش رسیدم - فرمود: عمّه! امشب افطار نزد ما بمان، امشب شب نیمه شعبان است و خداوند امشب حجتش را ظاهر خواهد فرمود، او حجت خدا در زمین است.» حکیمه گفت: عرض کردم: «مادرش کیست؟» حضرت فرمود: «نرجس» گفتم: «قربانت شوم، اثری از حمل در او نمی‌بینم.» فرمود: «همان است که گفتم.»

حکیمه گفت: «به منزل مولا وارد شدم، سلام کردم و نشستم، نرجس جلو آمد تا پاپوش مرا از پا درآورد، به من گفت: «سرورم حالت چطور است؟» من گفتم: «به عکس، تو سرور من و سرور خاندانم هستی»، نرجس حرف مرا رد کرد و گفت: «این چه حرفی است عمّه؟!» به او گفتم: «دختر عزیزم! خداوند امشب به تو پسری عطا خواهد کرد که آقا و سرور دنیا و آخرت است.» نرجس با اظهار حیا و خجالت نشست. حکیمه گفت: «وقتی نماز عشا را خواندم افطار کردم و به رختخواب رفتم، خوابم برد، نیمه شب برای نماز برخاستم، نمازم تمام شد، دیدم نرجس خوابیده و هیچ تغییری در وضع او ایجاد نشده است، نشستم و به تعقیبات مشغول شدم، باز دراز کشیدم و دوباره با نگرانی بیدار شدم، نرجس خوابیده بود، بلند شد و نماز خواند.»

حکیمه گفت: «دچار تردید شدم، ناگهان صدای امام عسکری علیه السلام از همان محلی که نشسته بود بلند شد که فرمود: «عمّه! شتاب

مکن، نزدیک است.» حکیمه گفت: سوره سجده و یس را خواندم، در همین اثنا نرجس با نگرانی بیدار شد، به سوی او از جا پریدم و گفتم: «اسم الله علیک» و سپس گفتم: «آیا چیزی احساس می‌کنی؟» نرجس گفت: «آری عمه»، گفتم: «خیالت راحت و دلت آرام باشد، همان است که گفتم.»

حکیمه گفت: «مرا رخوت و آرامشی فراگرفت و به نرجس حالت ولادت دست داد، با احساس وجود مولایم (مهدی) علیه السلام به خود آمدم، پارچه را از رویش کنار زدم، دیدم اعضاء هفتگانه را بر زمین گذاشته و سجده می‌کند، او را در بغل گرفته، به خود چسباندم، پاک و پاکیزه بود، بلافاصله امام عسکری علیه السلام صدایم زد: «عمه! پسر مرا بیاور» او را نزدش بردم. امام علیه السلام دو دست خود را زیر بدن و پشت نوزاد نهاد و دو پای نوزاد را روی سینه خویش گذاشت، زبانش را در دهان طفل فرو برد، دست خود را بر چشم و گوش و اعضای فرزند کشید، سپس فرمود: فرزندم! سخن بگو. «نوزاد گفت: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ» آن گاه بر امیرالمؤمنین علیه السلام و سایر امامان درود فرستاد و بعد از سلام بر پدرش، سکوت کرد.» امام عسکری علیه السلام فرمود: طفل را نزد مادرش ببر تا به او سلام کند، آن گاه نزد من برگردان. حکیمه گفت: «طفل را نزد مادرش بردم، سلام کرد، او را برگرداندم و همان جا که پدرش نشسته بود گذاشتم»، سپس امام فرمود: «عمه! روز هفتم باز نزد ما بیا.»

حکیمه گفت: «صبح شد، آمدم به امام عسکری علیه السلام سلام عرض کنم، پارچه را برداشتم و دنبال مولایم (مهدی) علیه السلام گشتم، او را ندیدم، به امام عسکری عرض کردم، فدایت شوم، مولایم چه شد؟ فرمود: «عمه! او را به

همان کسی سپردیم که مادر موسی علیه السلام، فرزندش را به او سپرد. «حکیمه گفت: «روز هفتم که شد به منزل امام شرفیاب شدم، سلام کردم و نشستم. فرمود: «پسرم را بیاور»، مولایم را که پارچه‌ای به دورش پیچیده شده بود نزد امام آورد، مثل دفعه پیش او را گرفت، زبانش را در دهان او فرو برد مثل اینکه شیر و عسل به او می‌خوراند، سپس فرمود: «پسرم! سخن بگو.» طفل علیه السلام گفت: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» و بر پیامبر، امیرالمؤمنین و امامان صلوات الله علیهم اجمعین تا پدرش درود فرستاد و مدح نمود، پس این آیه را تلاوت فرمود:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ وَ نَمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ نُرِيَ فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَ جُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ»^(۱)»^(۲)

۱- قصص: آیه ۵ و ۶، اراده ما بر این است که بر ضعیف نگاهداشته شدگان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان زمین قرار دهیم و در زمین توانائی و اقتدارشان بخشیم و به فرعون و هامان و لشکریانشان همانچه را که از آن بیمناک بودند به دست ایشان بنمایانیم و به ایشان بیچشانیم.

۲- بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۲، روایت ۳

کسانی که در خردسالی آن حضرت را دیده‌اند

۱- غیاث ابن اسد می‌گوید: از محمد بن عثمان عمری (قدس سرّه) شنیدم که می‌گفت: هنگامی که حضرت مهدی صلوات‌الله علیه به دنیا آمد، از سر مبارکش نوری به سمت آسمان اوج گرفت، آنگاه حضرت به سجده افتاد در برابر پروردگار جبین به خاک سائید سپس سر برداشت و چنین فرمود: «شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَ الْمَلٰئِكَةُ وَ أُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ»^(۱) محمد بن عثمان اضافه کرد: ولادت آن بزرگوار در شب جمعه بود.^(۲)

۲- احمد بن اسحق اشعری در یک حدیث طولانی از امام عسکری علیه السلام نقل می‌کند که از ایشان سؤال کردم: «یابن رسول الله! امام و خلیفه بعد از شما چه کسی است؟» امام علیه السلام به سرعت از جا برخاست و وارد خانه شد، پس در حالی که پسر می‌ماهر و سه ساله را بر دوش خود نشانده بود خارج شد و فرمود: «ای احمد بن اسحق! اگر تو در نزد خدا و ائمه احترام نداشتی این پسر را به تو نشان نمی‌دادم، او هم نام و هم کنیه رسول الله است و زمین مالامال از ستم را از عدل و داد سرشار خواهد کرد.»^(۳)

۳- یعقوب بن منقوش می‌گوید: «بر امام حسن عسکری علیه السلام وارد شدم، ایشان بر روی سکوئی در خانه نشسته بودند، در سمت راست آن حضرت اتاقی بود که پرده‌ای جلوی در آن آویزان بود. عرض کردم: «مولای من، صاحب الامر کیست؟» فرمود: «این پرده را بالا بزن»، پرده را بالا زدم، پسر می‌

۲- بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۵، روایت ۱۹

۱- آل عمران، آیه ۱۸ و ۱۹

۳- اثبات الهداة ج ۳، ص ۴۷۹، روایت ۱۸۰

هشت ساله با قدی در حدود یک متر و اندی - پنج و جب - با پیشانی بلند، چهره‌ای نورانی، چشمانی درشت و درخشنده، دستانی قوی و گوشت آلود و زانوانی برجسته که خالی بر گونه راست و پارچه‌ای بر سر داشت خارج شد، روی پای امام عسکری علیه السلام نشست، امام فرمود: «این صاحب‌الامر شماست» سپس به سرعت از جا بلند شد و فرمود: «پسرم! به داخل خانه برو تا زمان مقرر.» در حالی که من به سیما و قد و قامتش نگاه می‌کردم داخل خانه شد. امام عسکری علیه السلام فرمود: «یعقوب! نگاه بکن بین در خانه کیست؟» من وارد اتاق شدم اما هیچ کس را ندیدم. (۱)

۴- محمد بن علی بن حمزه علوی می‌گوید: از امام عسکری علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: «ولتی خدا و حجت او بر بندگانش و جانشین من، پاک و پاکیزه و مختون در هنگام طلوع فجر در شب نیمه شعبان سال دویست و پنجاه و پنج متولد شد.» (۲)

۱- اثبات الهداة ج ۳، ص ۴۸۰، روایت ۱۸۳

۲- اثبات الهداة ج ۳، ص ۵۷۰، روایت ۶۸۳

سیما و قامت آن حضرت

۱- حسن بن محبوب از امام رضا علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: «پدر و مادرم فدای آن که هم نام جدم، شبیه من و شبیه موسی بن عمران علیه السلام است، هاله‌ای از نور او را فرا گرفته که از اشعه انوار الهی روشن است.»^(۱)

۲- یعقوب بن منقوش می‌گوید: بر امام حسن عسکری علیه السلام وارد شدم، ایشان بر روی سکوئی در خانه نشسته بودند، در سمت راست آن حضرت اتاقی بود که جلوی در آن پرده‌ای آویزان بود. عرض کردم: «مولای من، صاحب الامر کیست؟» فرمود: «این پرده را بالا بزن، پرده را بالا زدم، پسری هفت، هشت ساله با قدی در حدود یک متر و اندی با پیشانی بلند، چهره‌ای نورانی، چشمانی درشت و درخشنده، دستانی قوی و گوشت آلود و زانوانی برجسته که خالی بر گونه راست و پارچه‌ای بر سر داشت - خارج شد -»^(۲)

۳- احمد بن اسحق بن سعد می‌گوید: از امام حسن عسکری علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: «حمد خدائی را که مرا از دنیا نبرد تا اینکه جانشین خودم را به من نمایاند. او از نظر قیافه ظاهری و رفتار و اخلاق بیش از همه مردم به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شباهت دارد.....»^(۳)

۴- امام باقر از قول پدرش از جدش علیه السلام نقل می‌فرماید که امیرالمؤمنین علیه السلام بالای منبر فرمود: «در آخر الزمان از نسل من فرزندی

۱- اثبات الهداة ج ۳، ص ۴۵۶، روایت ۸۶

۲- اثبات الهداة ج ۳، ص ۴۸۰، روایت ۱۸۳

۳- اثبات الهداة ج ۳، ص ۴۸۱، روایت ۱۸۷

متولد می‌شود که دارای چهره‌ای درخشانده، سینه‌ای ستبر، پاهائی قوی،
شانه‌هائی پهن و تناور، است که در پشتش دو علامت دارد، یکی هم‌رنگ
پوست خودش و دیگری هم‌رنگ علامتی که پیامبر ﷺ داشت...»^(۱)

۵- جابر جعفی می‌گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که فرمود: «عمر بن
خطاب در راهی با امیرالمؤمنین علیه السلام در حرکت بود، از امام علیه السلام خواست -
حضرت مهدی علیه السلام - را برایش توصیف کند. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:
«جوانی میان قامت، خوشرو و نیکو موی است که مویش بر شانه‌هایش
ریخته و نور چهره‌اش بر سیاهی محاسن و موی سرش غلبه کرده است،
پدرم فدای پسر بهترین کنیزان باد!»^(۲)

۶- امام باقر علیه السلام فرمودند: «مهدی مردی گندمگون از فرزندان فاطمه
علیها السلام است.»^(۳)

۱- بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۳۵، روایت ۴ - ۲- بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۳۶، روایت ۶

۳- اثبات الهداة ج ۳، ص ۵۰۴، روایت ۳۰۳

منکران آن حضرت و ظهورش

سدیر صیرفی می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: «صاحب الامر با یوسف علیه السلام شباهتی دارد» گفتم: «زندگی آن حضرت را می فرمائید یا غیبتش را؟» فرمود: «خوک منشان این امت چه چیزی را درباره آن حضرت انکار می نمایند؟ برادران یوسف که نوادگان و فرزندان پیامبر بودند یوسف را فروختند، آنگاه - بعد از مدتی - با او همکلام شدند و با وجود اینکه برادرشان بود او را نشناختند تا اینکه حضرت یوسف، خود را به آنها معرفی کرد و فرمود: «أَنَا يُوسُفُ وَ هَذَا أَخِي»^(۱) این امت دور از رحمت الهی چه چیزی را انکار می کنند؟ آیا اینکه خداوند مدتی با حجت خودش همان کاری را انجام دهد که با یوسف انجام داد - قابل انکار است-؟»^(۲)

۲- ابو حمزه ثمالی می گوید: روزی خدمت امام باقر علیه السلام بودم، وقتی مردم از حضورش مرخص و پراکنده شدند خطاب به من فرمود: «ای اباحمزه، از مسائل مسلم و حتمی در نزد خداوند که به هیچ رو قابل تغییر نیست قیام قائم ماست، پس هر که در آنچه می گویم شک کند در حالی خدا را ملاقات خواهد کرد که به او کفر ورزیده و او را انکار کرده باشد...»^(۳)

۳- ابوبصیر می گوید: امام صادق علیه السلام فرمودند: «وقتی امام قائم علیه السلام ظهور کند عده زیادی از مردم، او را انکار خواهند کرد، زیرا در سیمای جوانی رشید ظاهر خواهد شد، و جزء مؤمنینی که خداوند در عالم ذر از

۲- اثبات الهداة ج ۳، ص ۴۴۲، روایت ۱۷

۱- یوسف: ۹۰

۳- اثبات الهداة ج ۳، ص ۵۳۲، روایت ۴۶۰

آنها پیمان گرفته است کسی بر اعتقاد به او باقی نخواهد ماند.»^(۱)

۴- در حدیث هشام بن سالم از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام از پدران بزرگوارش آمده است که فرمود: رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «قائم از نسل من است... هر کس از او اطاعت کند از من اطاعت کرده و هر کس از او سرپیچی کند از من سرپیچی کرده است، هر کس غیبت او را انکار کند مرا انکار کرده است و هر که او را دروغ پندارد، مرا دروغ پنداشته است، هر که او را به راستی قبول کند و بپذیرد، مرا تصدیق کرده است، از آنان که سخن مرا درباره او دروغ می‌پندارند و سختم را انکار می‌کنند و اتم را از اعتقاد به او و راهش گمراه می‌نمایند به خدا شکایت می‌برم، «و سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ»^(۲)»^(۳)

۱- اثبات الهداة ج ۳، ص ۵۸۳، روایت ۷۷۸

۲- شعرا: ۲۲۷، ستمکاران بزودی خواهند فهمید که به کدام جایگاه برخواهند گشت.

۳- اثبات الهداة ج ۳، ص ۵۲۶، روایت ۴۲۶

فضیلت انتظار فرج در دوران غیبت آن حضرت

- ۱- مفضل بن عمر می گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «بهترین سبب نزدیکی بندگان به خداوند و برترین چیزی که موجب خشنودی او از ایشان می شود این است که در ایام غیبت حجت خدا که مردم، مکان او را نمی دانند، معتقد باشند که حجت خدا بر حق است و روی زمین وجود دارد، در آن هنگام، هر صبح و شب منتظر فرج آن حضرت باشید...»^(۱)
- ۲- مفضل بن عمر می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: «کسی که در حال انتظار فرج صاحب الامر از دنیا برود، نه تنها مثل کسی است که همراه با امام قائم، در کنار او و در اردوگاهش است، بلکه همچون جنگاور مجاهدی است که در رکاب رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم شمشیر می زند.»^(۲)
- ۳- علی ابن ابی حمزه از قول ابوبصیر نقل می کند: امام صادق علیه السلام فرمود: «... ای ابابصیر! خوشا به حال شیعیان امام قائم ما، که در ایام غیبت منتظر ظهور آن حضرت هستند و در دوران ظهور آن حضرت از او اطاعت می کنند، آنها همان اولیاء خدا هستند که ترس و اندوهی ندارند.»^(۳)
- ۴- علی بن مهزیار می گوید: به امام هادی علیه السلام نامه نوشتم و در مورد فرج از آن حضرت سؤال کردم حضرت در پاسخ من مرقوم فرمود: «هرگاه صاحب شما از دید ستمگران پنهان شد، منتظر فرج باشید.»^(۴)
- ۵- علاء بن سیابه می گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس از شما در

۱- اثبات الهداة ج ۳، ص ۴۷۰، روایت ۱۴۲

۲- اثبات الهداة ج ۳، ص ۴۷۱، روایت ۱۴۳

۳- اثبات الهداة ج ۳، ص ۴۷۶، روایت ۱۶۳

۴- اثبات الهداة ج ۳، ص ۴۷۹، روایت ۱۷۷

حال انتظار امر فرج از دنیا برود مثل کسی است که در خیمه و اردوگاه امام قائم علیه السلام جای و مقام دارد.»^(۱)

۶- عبدالحمید واسطی می گوید: امام باقر علیه السلام فرمود: «هر کس از شما که بگوید: «اگر من قائم آل محمد صلی الله علیه و آله را درک می کردم او را یاری می نمودم. مثل کسی است که در کنار او شمشیر می زند، بلکه بالاتر، مثل کسی است که همراه او شهید شده است.»^(۲)

۷- مفضل بن عمر می گوید: در باره قائم علیه السلام و آن عده از دوستانمان که در انتظار آن حضرت از دنیا رفته اند گفتگو می کردیم، امام صادق علیه السلام فرمود: «وقتی قائم قیام کند در قبر مؤمن ندا داده می شود «فلانی! صاحب تو ظهور کرده است اگر می خواهی به او ملحق شوی، ملحق شو و اگر می خواهی، در ضیافت و بزرگداشت پروردگارت باقی بمانی، باقی بمان.»^(۳)

۸- ابوبصیر می گوید: امام صادق علیه السلام روزی فرمود: «آیا بگوییم که چه چیزی است که خداوند هیچ عملی را بدون آن قبول نمی کند؟» عرض کردم: آری بفرمائید، فرمود: «شهادت به یگانگی خدا.» تا اینکه فرمود: «و نیز انتظار قائم ما» و سپس فرمود: «ما دولتی داریم که هر موقع خدا بخواهد آن را مستقر خواهد کرد» و سپس فرمود: «هر کس خشنود است به اینکه از اصحاب قائم باشد، باید منتظر آن حضرت باشد و اهل پرهیز از محرمات الهی و عمل به بهترین اخلاق باشد، در آن صورت او منتظر

۱- اثبات الهداة ج ۳، ص ۴۸۹، روایت ۲۲۵

۲- اثبات الهداة ج ۳، ص ۴۹۰، روایت ۲۲۶

۳- اثبات الهداة ج ۳، ص ۵۱۵، روایت ۳۵۸

خواهد بود، و اگر قبل از قیام بمیرد مثل کسی که امام را درک کرده پاداش خواهد دید...»^(۱)

۹- امام رضا علیه السلام به نقل از پدران بزرگوارش فرمود: رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «بهترین اعمال امت من انتظار فرج از طرف خداوند عزوجل است.»^(۲)

۱۰- ابوبصیر می گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «فرج به هنگام ظهور هفتمین^(۳) از ماست.»^(۴)

۱۱- عبدالله بن زراره می گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «شما باید تسلیم ما باشید و امور - مربوط به دین و حکومت - را از ما بگیرید و امر ما و امر خودتان و فرج ما و فرج خودتان را انتظار بکشید...»^(۵)

۱۲- اسحق بن سعد اشعری از امام عسکری علیه السلام نقل می کند که فرمود: «... ای احمد بن اسحق! مثل حجت خدا در این امت مثل خضر و ذوالقرنین است، به خدا قسم آنچنان غیبتی خواهد داشت که هیچکس جز کسی که خدا او را در اعتقاد به امامتش استوار و در دعا برای تعجیل فرجش موفق کرده است از هلاکت و گمراهی رهائی نخواهد یافت...»^(۶)

۱- اثبات الهداة ج ۳، ص ۵۳۶، روایت ۴۸۸

۲- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲، روایت ۲

۳- ظاهراً منظور این است که امام صادق اولین آنها و حضرت حجت هفتمین آنها خواهد بود. مؤلف

۴- اثبات الهداة ج ۳، ص ۴۹۹، روایت ۲۷۴

۵- اثبات الهداة ج ۳، ص ۵۶۰، روایت ۶۲۸

۶- اثبات الهداة ج ۳، ص ۴۷۹، روایت ۱۸۰

غیبت صغری، نواب اربعه، غیبت کبری

۱- اسحق بن عمار می گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «امام قائم دو غیبت دارد، یکی کوتاه و دیگری بلند، در غیبت اول غیر از شیعیان خاص او کسی از محلش اطلاعی ندارد و در غیبت دوم، غیر از دوستان نزدیک و خاص او کسی جایش را نمی داند.»^(۱)

۲- عبدالسلام هروی از امام رضا علیه السلام از پدران بزرگوار آن حضرت از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل می کند که فرمود: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «به حق آن کسی که مرا به پیامبری فرستاد، امام قائم از نسل من، بعد از اینکه ولایت من به او می رسد، غایب خواهد شد تا جائی که بیشتر مردم می گویند «خداوند به آل محمد نیازی ندارد» و برخی در اصل ولادت آن حضرت تردید می نمایند. کسی که زمان آن امام را درک کند باید به دین او چنگ زند و به شیطان اجازه ندهد که او را به شک اندازد و از دین و آئین من بیرون برد، شیطان سابقاً پدر و مادر شما را از بهشت بیرون کرد^(۲)، و خداوند شیاطین را اولیاء و دوستدار غیرمؤمنین قرار داده است.»^(۳)

۳- محمد بن اسماعیل حسنی و علی بن عبدالله حسنی از امام عسکری علیه السلام نقل می کنند که به گروهی از شیعیان فرمود: «گواه باشید که عثمان بن سعید عمری وکیل و نماینده من است و پسرش محمد بن

۱- اثبات الهداة ج ۳، ص ۴۴۵، روایت ۲۹

۲- ظاهراً منظور این است که شیطان همچنانکه پدر و مادر شما را از بهشت بیرون کرد، شما را هم از دین بیرون خواهد کرد زیرا او کاری غیر از این ندارد و شما هم اگر به امام پناهنده و متمسک نشوید از پدر و مادرتان قویتر نیستید و یارای ایستادگی در برابر شیطان را نخواهید

داشت. مؤلف ۳- اثبات الهداة ج ۳، ص ۴۵۹، روایت ۹۷

عثمان، نماینده پسر مهدی است.»^(۱)

۴- از گروهی از شیعیان از امام عسکری علیه السلام نقل شده است که به ایشان فرمود: «آمده‌اید تا درباره حجت بعد از من، از من سؤال کنید؟» عرض کردند «آری»، ناگاه پسری چون پاره ماه که بیش از همه مردم به امام عسگری شبیه بود حاضر شد. امام فرمود: این امام شما و جانشین من است، از او پیروی کنید، و پس از من - در امر دین و امامت - پراکنده نشوید که دینتان از دست خواهد رفت. بدانید که از امروز به بعد، تا عمری طولانی بر او بگذرد، او را نخواهید دید، هر چه عثمان بن سعید به شما گفت بپذیرید و امر او را ملتزم شوید، او نماینده امام شما و کار به دست اوست.»^(۲)

۱- اثبات الهداة ج ۳، ص ۵۱۱، روایت ۳۳۶

۲- اثبات الهداة ج ۳، ص ۵۱۱، روایت ۳۳۷

وظائف شیعه در دوره غیبت

۱- یمان تمار می‌گوید: نزد امام صادق علیه السلام نشسته بودیم که به ما فرمود: «صاحب الامر غیبتی خواهد داشت که کسی که بخواهد در آن دوره دیندار بماند سخت در مشقت و در معرض مشکلات است.» و سپس فرمود: «صاحب الامر غیبتی دارد و بنده خدا - برای حفظ دینش - باید تقوای الهی را پیشه کند و دو دستی به دین خود بچسبد.»^(۱)

۲- یونس بن یعقوب از معتمدانش از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: «در چه حالی به سر خواهید برد در روزگاری که امامتان را شناسید؟» به آن حضرت عرض شد: «اگر چنین شد چه باید کرد؟» فرمود: «از دستورات امام سابق پیروی کنید تا وقتی خداوند او را ظاهر کند.»^(۲)

۳- عبدالله بن سنان می‌گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: شبهه‌ای دامن‌تان را خواهد گرفت و به حیرتی دچار خواهید شد، نشانه هدایت و امام راهبرتان دیده نخواهد شد، و در آن هنگام جز کسی که مانند غریق ناامید از همه جا، دست دعا به درگاه پروردگار بردارد، کس دیگری نجات نخواهد یافت. «عرض کردم: «دعای غریق چگونه است؟» فرمود: غریق می‌گوید: «یا الله! یا رحمن! یا رحیم! یا مقلب القلوب! ثبت قلبی علی دینک...»^(۳)

۴- یونس بن عبدالرحمن می‌گوید: حضرت موسی بن جعفر علیه السلام فرمود: «خوشا به حال آن عده از شیعیان ما که در دوره غیبت قائم ما به

۱- اثبات الهداة ج ۳، ص ۴۴۲، روایت ۱۴

۲- اثبات الهداة ج ۳، ص ۴۷۴، روایت ۱۵۷

۳- اثبات الهداة ج ۳، ص ۴۷۸، روایت ۱۷۴

محبّت ما چنگ انداخته‌اند و بر ولایت ما و بیزاری از دشمنانمان استوارند! آنها از ما هستند و ما از آنها هستیم، آنها به امامت ما خشنودند و ما از شیعه بودن آنها خشنودیم، خوشا به حالشان و بهشت گوارایشان باد، به خدا قسم، اینان در روز قیامت هم درجه ما هستند.»^(۱)

۵- عبدالعظیم حسنی می‌گوید: امام جواد علیه السلام فرمود: «قائم ما، همان مهدی است که باید در دوره غیبت، انتظارش را کشید و پس از ظهور، از او اطاعت کرد».... سپس فرمود: «برترین اعمال شیعه ما انتظار فرج است.»^(۲)

۶- حازم بن حبیب می‌گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس ادعا کرد که صاحب‌الامر را غسل داده، کفن کرده و خاک بر قبرش پاشیده است، حرفش را قبول نکن.»^(۳)

۷- ابو‌خالد کابلی نقل کرده است که امام زین العابدین فرمود: «غیبت دوازدهمین ولی از امامان و جانشینان پیامبر طولانی می‌شود. ای اباخالد! مردم دوره غیبت که به امامت امام غایب معتقد و منتظر ظهور آن حضرت هستند برترین مردم همه زمانها هستند زیرا خدای تعالی به ایشان عقل و معرفتی داده است که برای آنها غیبت، مثل مشاهده است، و خداوند آنها را مثل کسانی که در کنار رسول الله شمشیر زده‌اند قرار داده است، آنها جداً دینداران ناب و پیروان راستین ما در آشکار و نهان، خواننده به دین خدا هستند.» و فرمود: «انتظار فرج، بزرگترین فرج است.»^(۴)

۱- اثبات الهداة ج ۳، ص ۴۲۷، روایت ۱۶۸

۲- اثبات الهداة ج ۳، ص ۴۷۸، روایت ۱۷۴

۳- اثبات الهداة ج ۳، ص ۴۹۹، روایت ۲۷۵

۴- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲، روایت ۴۰۰

۸- رفاعه بن موسی و معاویه بن وهب از امام صادق علیه السلام نقل می‌کنند که فرمود: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «خوشا به حال کسی که قائم اهل بیت مرا درک کند و قبل از قیامش از او تبعیت کند، دوستانش را دوست بدارد و از دشمنانش بیزار می‌جوید، و ولایت امامان قبل از او را گردن نهد! آنها، یاران، دوستداران و علاقمندان به من و گرامی‌ترین افراد امت نزد من هستند.»

۹- زراره از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که در بخشی از آن آمده است: «... گفتم: فدایت شوم! اگر من آن دوره (غیبت) را درک کردم چه بکنم؟» فرمود: ای زراره، اگر آن دوره را درک کردی، همیشه این دعا و درخواست را داشته باش: «اللهم عرفنی نفسک، فانک ان لم تعرفنی نفسک لم اعرف نبیک، اللهم عرفنی رسولک، فانک ان لم تعرفنی رسولک لم اعرف حجّک اللهم عرفنی حجّک، فانک ان لم تعرفنی حجّک ضللت عن دینی»، «خدایا خودت را به من بشناسان، اگر خودت را به من شناسانی پیامبرت را نخواهم شناخت، خدایا رسولت را به من بشناسان که اگر او را به من شناسانی حجّت و ولایت را نخواهم شناخت، خدایا حجّت را به من بشناسان، اگر حجّت را به من شناسانی، در دینم به گمراهی خواهم افتاد.»^(۱)

پاداش کسانی که در دوره غیبت بر اعتقاد به حضرت مهدی علیه السلام و ولایتش، استوارند

- ۱- امام صادق علیه السلام فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «خوشا به حال - بهشت، گوارا باد بر - آنکه قائم اهل بیت مرا درک کند و در دوره غیبت و قبل از قیامت، از او تبعیت کند، دوستانش را دوست بدارد و با دشمنانش دشمنی ورزد، او از یاران و دوستداران من و گرامی ترین افراد امتم نزد من است.»^(۱)
- ۲- علی علیه السلام فرمود: «..... بدانید! هر که از شیعیان، بر دینش محکم باقی بماند، و از به درازا کشیدن غیبت امام، دلش به زنگار شک، تیره و سخت نگردد، روز قیامت او با من و در رتبه من است.»^(۲)
- ۳- امام سجاده علیه السلام فرمود: «هر کس در دوره غیبت قائم ما، بر ولایت ما، استوار باقی بماند خداوند اجر هزار شهید از شهدای بدر و احد به او عطا می فرماید.»^(۳)
- ۴- امام صادق علیه السلام فرمود: «بهترین سبب نزدیکی بندگان به خداوند و برترین چیزی که موجب خشنودی او از ایشان می شود، این است که در ایام غیبت حجت خدا که مردم، مکان او را نمی دانند، معتقد باشند که حجت خدا بر حق است و روی زمین وجود دارد....»^(۴)
- ۵- مفضل بن عمر می گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام می فرمود: «کسی که در حال انتظار فرج صاحب الامر از دنیا برود، نه تنها مثل کسی است که با

۱- اثبات الهداة ج ۳، ص ۴۶۰، روایت ۱۰۴

۲- اثبات الهداة ج ۳، ص ۴۶۴، روایت ۱۱۵

۳- اثبات الهداة ج ۳، ص ۴۶۶، روایت ۱۲۷

۴- اثبات الهداة ج ۳، ص ۴۷۰، روایت ۱۴۲

امام قائم، در کنار او و در اردوگاهش است، بلکه همچون مجاهد جنگاوری است که در رکاب پیامبر ﷺ شمشیر می‌زند.»^(۱)

۶- امام صادق علیه السلام فرمود: «هر یک از شما که بر اعتقاد به صاحب الامر و غیبتش بمیرد، مثل کسی است که در راه خدا شمشیر می‌زند.»^(۲)

۷- حکم بن عینیه می‌گوید: هنگامی که امیرالمؤمنین علیه السلام در نهر روان، با خوارج می‌جنگید، مردی برخاست و عرض کرد: ای امیرالمؤمنین! خوشا به حال ما که در کنار تو در این میدان هستیم و در رکاب تو با این خوارج می‌جنگیم، امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «به آن خدائی سوگند که دانه را شکاف و موجودات را خلق کرد، مردمی هستند که هنوز خداوند پدران و اجدادشان را هم خلق نکرده است اما در این میدان، با ما هستند.» آن مرد گفت: چگونه ممکن است گروهی که هنوز به دنیا نیامده‌اند با ما باشند؟ حضرت فرمود: «آری، گروهی در آخرالزمان هستند که در آنچه ما انجام می‌دهیم با ما شریکند و دلشان تسلیم امر ماست، براستی و جداً که آنها در آنچه ما انجام می‌دهیم با ما شریک هستند.»^(۳)

۱- اثبات الهداة ج ۳، ص ۴۷۱، روایت ۱۴۳

۲- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۶، روایت ۱۷

۳- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۱، روایت ۳۲

ویژگیهای حسنی، یمانی، سفیانی و دجال

الف - حسنی

مفضل بن عمر می گوید: امام صادق علیه السلام می فرمود: «... سپس حسنی، جوان خوش چهره و نورانی از طرف دیلم خروج می کند و با صدائی رسا فریاد می کند: «ای آل احمد به ندای مظلوم که از جانب حرم، بلند است پاسخ دهید.»، آنگاه گنجهای طالقان، او را پاسخ می گویند، چه گنجهایی! از طلا و نقره نیستند، بلکه مردانی چون پاره های آهن بر اسبهای ابلق سوار و سلاحی در دست دارند، پیوسته ستمکاران را می کشند تا اینکه بیشتر زمین را پاک کنند و وارد کوفه می شوند و آن را خیمه گاه و محل استقرار خود قرار می دهند. بعد از آن، خبر آمدن حضرت مهدی علیه السلام به او و یارانش می رسد و یارانش به او می گویند: «ای پسر رسول خدا! این کیست که به محل ما آمده است؟، آنگاه حسنی می گوید: برویم او را ببینیم و خواسته اش را بدانیم، و البته او خود می داند که آن حضرت، مهدی علیه السلام است و ایشان را می شناسد ولی مقصودش این است که آن حضرت را به اصحابش معرفی نماید.

سپس حسنی خارج می شود و خطاب به آن حضرت می گوید: «اگر تو مهدی آل محمد علیهم السلام هستی پس عصای جدت، انگشتر، ردا، زره، عمامه، اسب بلند قامت، شتر دُذُل، استر آن حضرت، یعفرور، چارپای آن بزرگوار، براق، اسب حضرت و قرآن امیرالمؤمنین کجاست؟ حضرت مهدی سلام الله علیه آنها را نشان می دهد، حسنی عصا را می گیرد و در سنگ سخت فرو می برد و آن را می شکافد و مقصودش آن است که فضل حضرت

مهدی را به یارانش نشان دهد بعد از آن که سنگ از هم شکافت حسنی می‌گوید: «الله اکبر، یابن رسول الله، دستت را دراز کن تا با تو بیعت کنیم.» آن حضرت دستش را دراز می‌کند، حسنی و بقیه لشگریانش با آن حضرت بیعت می‌کنند فقط چهل هزار نفر که به زیدیه معروفند بیعت نمی‌کنند و می‌گویند: «این جز یک سحر بزرگ، چیز دیگری نیست.»^(۱)

ب - یمانی

ابوبصیر از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند: «خروج سفیانی و یمانی و خراسانی، در یک سال، یک ماه و یک روز، بطور منظم مثل رشته تسبیح و دنبال هم انجام می‌گیرد. از هر جهت قوی و شجاعند، وای بر کسی که به قصد دشمنی با آنها روبرو شود.» در میان بیرقها، ره یافته‌تر از بیرق یمانی، بیرقی نیست، آن، بیرق هدایت است زیرا مردم را به صاحب شما فرا می‌خواند. وقتی یمانی خروج کند فروختن سلاح به مردم و تمام مسلمانان حرام است؛ هرگاه یمانی خروج کرد به آنان پیوند که بیرقشان، بیرق هدایت است و بر هیچ مسلمانی جایز نیست که با آن مقابله و از آن ممانعت کند و اگر چنین کند اهل جهنم خواهد بود زیرا یمانی، به حق و راه راست دعوت می‌کند...»^(۲)

ج - سفیانی

۱- ابن اذینه از امام صادق علیه السلام از پدر بزرگوارش علیه السلام نقل می‌کند که امیرالمؤمنین - صلوات الله علیه - فرمود: پسر آكلة الاکباد - زن خورنده

۱- بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۴-۱۳، بخشی از روایت ۱

۲- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۲، روایت ۹۶

جگرها - از سرزمین خشک خروج می‌کند، مردی میان قامت، بد شکل، کله‌گنده، که در صورتش زخمهای چرکین دارد که وقتی نگاهش می‌کنی خیال می‌کنی یک چشم است، نامش عثمان و نام پدرش عنبسه و از نسل ابوسفیان است، خروج می‌کند تا اینکه به زمین (قَرَارٍ وَ مَعِينٍ) ^(۱) می‌رسد و بر منبر بالا می‌رود. ^(۲)

۲- عمر بن یزید می‌گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود: «اگر سفیانی را ببینی پلیدترین مردم با چهره‌ای قرمز مایل به کبودی، را دیده‌ای، پناه بر خدا، پناه بر خدا، پناه بر خدا از آتش. سفیانی در پلیدی به آنجا رسیده است که همسرش را، از ترس اینکه او را معرفی کند، زنده به گور می‌نماید.» ^(۳)

۳- امام صادق علیه السلام فرمود: «موضوع خروج سفیانی از امور حتمی و وقوع آن در ماه رجب است.» ^(۴)

۴- عبدالله بن ابی منصور می‌گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد نام سفیانی سؤال کردم، فرمود: «به اسمش چه کار داری؟ وقتی پنج شهر شام، دمشق، حمص، فلسطین، اردن و قنسرین را به تصرف در می‌آورد، آن موقع، منتظر فرج باشید.» گفتم: آیا نه ماه مالک آنهاست؟ فرمود: «نه، بلکه فقط هشت ماه، حتی یک روز هم بیشتر نمی‌شود.» ^(۵)

۵- عمر بن ابان کلبی از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: گویا

۱- مؤمنون: ۵۰ ۲- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۵، روایت ۳۶

۳- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۵، روایت ۳۷

۴- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۴، روایت ۲۲

۵- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۶، روایت ۳۸

سفیانی، یا رفیق سفیانی، را می بینم که در محله رحبه در کوفه، بار انداخته و منادی، از طرف او، ندا می دهد که: هر کس سر شیعه ای را برای من بیاورد هزار درهم جایزه دارد، بعد از آن، همسایه به همسایه اش یورش می برد و می گوید این شیعه است، گردنش را می زند و هزار درهم می گیرد...»^(۱)

۶- فضل بن شاذان از امام صادق علیه السلام نقل می کند: «امام قائم علیه السلام، تشریف می آورد تا اینکه وارد نجف می شود. در یک روز چهارشنبه لشکر سفیانی و یارانش در حالی که مردم هم با او هستند از کوفه به سوی امام علیه السلام روان می شوند. امام علیه السلام آنها را مخاطب قرار داده به حق خودش ایشان را سوگند می دهد - که حق را بشناسد و جانب حق را نگه دارند - و مظلومیت خود را به آنان اعلام می کند و می فرماید: «هر کس مجادله و نزاعش با من، در راه خداست بداند که من نزدیکترین و مقربترین مردم در پیشگاه خدا هستم...» آنها می گویند: «از هر جا آمدی به همان جا برگرد، ما به تو نیازی نداریم، ما شما را آزموده و تجربه کرده ایم - و دیگر به شما میلی نداریم -» آنگاه بدون جنگیدن پراکنده می شوند و روز جمعه برمی گردند. در آن روز تیری رها شده و یکی از مسلمانان کشته می شود، فریاد می شود که فلانی کشته شد، آنگاه امام علیه السلام بیریق رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم را به اهتزاز در می آورد و ملائکه ای که در جنک بدر به یاری مسلمانان شتافتند فرود می آیند؛ هنگام ظهر، بادی موافق می وزد، امام علیه السلام و یارانش بر آنان حمله می برند و بر آنها غالب می شوند، آنها فرار می کنند، امام و یارانش

ایشان را می‌کشند تا اینکه به خانه‌های کوفه وارد می‌شوند و منادی از طرف امام فریاد برمی‌آورد که: «هر کس را که فرار کرده و دست از مقاومت کشیده است نکشید، مجروحان را آسیبی نرسانید.» و با آنان همان گونه عمل می‌کند که علی علیه السلام در جنگ بصره با دشمنانش رفتار کرد.»^(۱)

۷- جابر بن یزید از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: «وقتی به سفیانی خبر برسد که امام قائم علیه السلام از کوفه به سوی او روان است، با عده‌ای از سوارانش به دیدار حضرت قائم می‌رود. امام علیه السلام می‌فرماید: «پسر عمویم را به سوی من بفرستید»، سفیانی از بین سواران خارج می‌شود، امام علیه السلام با او صحبت می‌فرماید، سفیانی با امام بیعت می‌کند، آنگاه نزد یارانش برمی‌گردد. دوستانش از او می‌پرسند: چه کردی؟ می‌گوید اسلام آورده و بیعت کردم، دوستانش می‌گویند: رویت سیاه باد، تو خلیفه‌ای بودی که از تو اطاعت و پیروی می‌شد اینک دنباله‌رو شدی.» سفیانی برای جنگ با امام آماده می‌شود، شب را صبح می‌کنند و فردای آن روز به جنگ با امام قائم برمی‌خیزند.

خداوند امام قائم و اصحابش را بر آنان مسلط می‌کند تا ریشه آنها را می‌کنند بطوری که کسی از آنها در پشت یا درون درختی یا سنگی مخفی می‌شود و سنگ و درخت فریاد می‌زنند: «ای مؤمن، این کافر اینجاست، او را بکش.» پس آن مؤمن او را می‌کشد. و فرمود: «درندگان و پرندگان از گوشتشان سیر می‌شوند، پس امام قائم آنچه اراده دارد انجام

می دهد...» (۱)

۸- عبدالاعلی حلی از امام باقر علیه السلام نقل می کند: «... آنگاه (امام قائم علیه السلام) وارد کوفه می شود، به هیچ مؤمنی نیست مگر اینکه یا در کوفه است یا مشتاق کوفه است، و این مطلبی است که امیرالمؤمنین علیه السلام از آن خبر داده است، سپس (امام) به اصحابش می فرماید: به سمت این ستمگر کوچ کنید، و مردم را به کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله دعوت می کند، سفیانی با او بیعت می کند، عده‌ای از دایی‌هایش به او می گویند: «این چه کاری بود انجام دادی، به خدا قسم ما در این کار از تو اطاعت نمی کنیم.» سفیانی می گوید: «چه کنم؟» به او می گویند: «با او مقابله کن.» بعد به مقابله با امام برمی خیزد. امام علیه السلام می فرماید: «آماده باش که من تو را می کشم.» جنگ در می گیرد. خداوند امام را بر آنان مسلط می کند، سفیانی اسیر و کشته می شود.» (۲)

۹- امام باقر علیه السلام می فرماید: «ظهور سفیانی و قائم در یک سال واقع می شود.» (۳)

د - دجال

۱- نزال بن سبره می گوید: علی بن ابی طالب علیه السلام برای ما خطبه‌ای ایراد فرمود، خدا را حمد و ثنا گفت و فرمود: «مردم، قبل از اینکه مرا نیابید، هر چه می خواهید، از من بپرسید.» - سه بار این مطلب را فرمود - آنگاه اسبغ

۱- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۸، روایت ۲۰۶

۲- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۴، روایت ۹۱

۳- اثبات الهداة ج ۳، ص ۷۳۷، روایت ۱۰۵

بن نباته بلند شد و گفت: «ای امیرالمؤمنین! دجال کیست؟» فرمود: «بدانید که دجال، صائد بن صید (صائد) است، بدبخت کسی است که او را تصدیق کند و بپذیرد، و خوشبخت کسی است که او را تکذیب کند و دروغگو بشمارد. او از شهری بنام اصبهان - اصفهان - از روستائی یهودی، خروج می‌کند، چشم راستش از حدقه صاف است - حدقه ندارد - و چشم چپش در پیشانی است که مثل ستاره صبح می‌درخشد، درون آن پاره گوشت خون آلوده‌ای است، بین دو چشمش طوری نوشته است: «کافر» که هر با سواد و بیسوادی می‌تواند آن را بخواند.

در دریاها فرو می‌رود و خورشید هم با او حرکت می‌کند، پیشاپیش او کوهی از دود و پشت سرش کوهی سفید است که مردم آن را غذا می‌پندارند، در زمانی که قحطی شدید است خروج می‌کند، چهارپای سفید رنگی دارد که هر قدمش یک میل است و راهها را منزل به منزل طی می‌کند، از کنار هیچ آبی نمی‌گذرد مگر اینکه آن آب، تاقیامت به زمین فرو می‌رود.

با فریاد بلندی که جنّ و انس و شیطانها، بین مشرق و مغرب عالم، آن را می‌شوند می‌گویند: «دوستان من، نزد من بیائید، من آن خدائی هستم که موجودات را خلق کرد و نظام داد و همه چیز را به میزان معین کرد و هدایت نمود، من پروردگار بلند مرتبه شما هستم.» او دشمن خداست و دروغ می‌گوید، یک چشم است، شکم دارد، و چیزی می‌خورد و در بازارها راه می‌رود، در حالی که خداوند و پروردگار شما، یک چشم نیست، غذا نمی‌خورد، راه نمی‌رود و از بین رفتنی نیست - او برتر و بلند مرتبه‌تر از این

حرفهاست -

بیشتر پیروان دجال، حرامزادگانی هستند که طیلسان^(۱) سبز می پوشند، خداوند، قبل از نیمروز روز جمعه، در دره‌ای به نام افیق در شام، به دست کسی که حضرت مسیح در نماز به او اقتدا می کند، دجال را می کشد...»^(۲)

۲- مردی از اهل بلخ بر امام باقر^{علیه السلام} وارد شد، آن حضرت به وی فرمود: «ای خراسانی! آیا منطقه فلان و فلان منطقه را می شناسی؟ عرض کرد: «آری»، امام به او فرمود: «آیا در فلان منطقه، دره‌ای با این خصوصیات می شناسی؟» گفت: «آری»، امام^{علیه السلام} فرمود: «دجال از آن جا خروج می کند.»^(۳)

۱- طیلسان جامه بلندی است که تمام بدن را می پوشاند و فاقد دوخت و برش است. مجمع البحرین.

۲- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۲-۱۹۴، روایت ۲۶

۳- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۲، روایت ۱۹

علائم ظهور حضرت مهدی علیه السلام

در زمینه علائم ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام روایات متعددی وارد شده است که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱- صیحه‌ای در نیمه ماه رمضان

نعیم، به سند خود از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود: «زمانی که در ماه رمضان صیحه و صدائی ایجاد شود، پس همانا آن علامت که ماه شوال، به وقوع پیوندد، آواز دلیران در معرکه و کارزار بلند شود. و در ماه ذی‌القعدة فتنه و خونریزی واقع شود؛ و خونها در ماه ذی‌الحجه ریخته شود. و محرم چه محرمی! - سه مرتبه تکرار فرمود - چقدر دور است، چقدر دور است، کشته می‌شوند در آن جنگ و فتنه، چه کشته شدنی، چه کشته شدنی.»

راوی می‌گوید عرض کردم: یا رسول الله صیحه کدام است؟ فرمود: آن فریاد (صیحه) در نیمه ماه رمضان است؛ در روز جمعه وقت چاشتگاه، و این واقع می‌شود در ماه رضائی که اول آن جمعه باشد. پس این صدا که واقع می‌شود؛ خوابیده را بیدار میکند، و ایستاده را می‌نشاند. و دختران را در شب جمعه از سرا پرده‌های خود بیرون می‌آورد. پس هرگاه روز جمعه نماز فجر را خواندید، داخل شوید به خانه‌های خودتان و درها و روزنه‌ها و پنجره‌های خانه خود را ببندید و قفل کنید و مسدود نمائید. و نفسهای خود را بپیچید و حفظ کنید و گوشهای خود را بگیرید.

پس چون احساس صیحه کردید برای خدا به سجده بیفتید و بگوئید:
 «سبحان القدوس، ربنا القدوس» پس کسی که این کارها را بنماید نجات
 یابد و هر کس نکند هلاک شود.»^(۱)

۲- بیهوش و کر شدن هزاران نفر از صدای صیحه

نویسنده مجمع الزوائد در جزو هفتم، صفحه ۳۱۰، باب «مایکون من
 الفتن» از پیامبر ﷺ به سند خود روایت کرده که فرمود:
 «در ماه رمضان صدائی شنیده خواهد شد.

عرض کردند: ای پیامبر! در اول آن یا وسط و یا آخر آن؟

فرمود: نه، بلکه در نیمه آن ماه؛ زمانی که شب نیمه ماه، شب جمعه
 باشد، صدائی از آسمان بلند می شود که هفتاد هزار نفر از ترس آن بیهوش
 و هفتاد هزار نفر کر می شوند.

عرض کردند: «یا رسول الله! پس از امت شما چه کسی سالم می ماند؟
 فرمود: کسی که ملازم خانه اش باشد و پناه ببرد به خدا با سجده کردن، و
 صدای خود را برای خدا به تکبیر بلند کند.

پس صدای اول صدای جبرئیل است و صدای دوم از شیطان است.
 پس صدا در ماه رمضان بلند شود و در ماه شوال صدای اسلحه و درگیری
 سخت به گوش رسد و در ماه ذی القعدة قبیله ها و دستجات از یکدیگر
 تمیز داده شوند، و در ماه ذی الحجّه، حاجیان غارت شوند.

و در ماه محرم چه محرمی! در اول آن بلا بر امت من روی دهد و در آخر

آن فرج است برای امت من. در آن وقت مرکب سواری پالان کرده که مؤمن بر آن سوار شود و نجات یابد، بهتر است از برای او قصری که صد هزار دینار طلا قیمت آن باشد.» اعاذنا الله من شرور آخر الزمان.

نبی مکرم اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «نزدیک است که به سوی اهل عراق نه قفیزی بیاید و نه درهمی.

گفته شد: یا رسول الله! از طرف چه کسی؟

فرمود: از طرف عجم (غیر عرب) آنها منع می کنند.

پس فرمود: نزدیک است که به سوی اهل شام دیناری و نه مدی^(۱) نیاید.

عرض شد: از کجا؟ فرمود: از طرف روم. آنگاه حضرت کمی سکوت نمود.»^(۲)

۳- خراب شدن بعضی از شهرها در آخرالزمان

«حذیفه» از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روایت کرده که فرمود:

«انّ مصر، امنت من الخراب حتی تخرّب البصرة یعنی: همانا مصر، ایمن است از خراب شدن تا اینکه بصره خراب شود.

ثم ذکر رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: ان خراب البصرة من العراق و خراب مصر من جفاف النيل. سپس حضرت فرمود که خراب شدن بصره از عراق است. و خراب شدن مصر از خشک شدن رود نیل است.

۱- «مدی» پیمانه مصری است معادل ۷۵ کیلو. (منجیل الطلاب)

۲- کنز العمال: ج ۱۱، ص ۱۸۸، خ ۳۱۱۶۳. نوائب الدهور ج ۱، ص ۲۶۱

و خراب مکه من الحبشه. و ویرانی مکه از حبشه است.
و خراب المدینه من سیل. و ویرانی مدینه از سیل است.
و خراب الیمن من الجراد. و ویرانی یمن به خاطر ملخ است.
و خراب الأبله من الحصار. و ویرانی ابله^(۱) از حصار^(۲) است.
و خراب الفارس من الصعاليك من الديلم. و خراب شدن فارس، از فقرا و گدایان و بینوایان دیلم است.
و خراب الديلم من الارض. و خراب شدن دیلم از ارمنستان است.
و خراب الارض من الجرز. و خراب شدن ارمنستان از جرز^(۳) است.
و خراب الجرز من الترك. و خراب شدن جرز از ترکستان است.
و خراب الترك من الصواعق. و خراب شدن ترکستان از صواعق^(۴) است.
و خراب السند من الهند. و خراب شدن سند از هند است.
و خراب الهند من الصين. و خراب شدن هند از چین است.
و خراب الصين من الرمل. و خراب شدن چین از رمل است.
و خراب الحبشه من الرجفه. و خراب شدن حبشه از زمین لرزه است.
و خراب الزوراء من السفیانی. و خراب شدن بغداد از سفیانی است.
و خراب الروحاء من الخسف. و خراب شدن «روحاء»^(۵) به فرو ریختن است.

۱- موضعی است در نزدیکی بصره.

۲- حصار مرکز ناحیه‌ای است از بخارا که ساکنین آن ترکهای مغول و ازبکستان هستند که در آخرالزمان به بصره خواهند آمد.

۳- جزیره‌ای است بین دجله و فرات.

۴- صاعقه‌ای آسمانی و با صاعقه‌ای که از وسائل تخریبی روز باشد.

۵- «روحاء»، موضعی است میان مکه و مدینه که سی یا چهل میل با مدینه فاصله دارد. و یا محلی است از مضافات رجه و یا نام شهری است.

و خراب العراق من القحط»^(۱) و خراب شدن عراق از قحطی خواهد بود.

۴- بیرون آمدن یاران امام زمان از قم

امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب کسی که پرسید: «در زمان نزول فتنه، سالمترین و بهترین شهرها کدام است.

فرمود: «سالمترین جاها در آن روز، «زمین جبل» است. پس چون مضطرب شد خراسان. و وقتی در میان اهل گرگان و طبرستان جنگ واقع شد و سیستان خراب شد، پس سالمترین مواضع در آن هنگام شهر «قم» است. و آن شهری است که بیرون می آید از آن، یاران کسی که بهترین مردم است از جهت پدر و مادر و جد و جدّه و عمو و عمه، و آن شهری است که زهرا نامیده شده، و در آنجاست جای پای جبرئیل. و آنجاست جایی که می جوشد از آن، آبی که هر کس بنوشد از آن، ایمن می شود از هر دردی، و از آن آب سرشته شده گلی که از آن ساخته شده هیئت و شکل ^(۲) مرغ. و از آن، غسل کند رضاع علیه السلام و از آنجا بیرون می آید قوچ ابراهیم و عصای موسی و انگشتر سلیمان علیه السلام....^(۳)

۵- ظاهر شدن آب بر روی زمین در شهر قم

حضرت عسکری علیه السلام جریان شب معراج رسول اکرم صلی الله علیه و آله و نظر کردن

۱- سامرة الابرار، جزء اول، ص ۱۴۳، به نقل از نوائب الدهور، ج ۱، ص ۳۰۳
 ۲- اشاره به داستان حضرت عیسی (ع) است که از «گل» شکل مرغ درست می کرد و در آن می دمید و بصورت مرغ در می آمده.
 ۳- نوائب الدهور، ج ۱، ص ۳۵۷. مهدی منتظر، ص ۱۶۶، و تاریخ قم ص ۹۱.

آن حضرت را به سرزمین قم و پرسش از جبرئیل را ذکر نمود و فرمودند:
«..... جبرئیل گفت: اینجا شهری بنا خواهد شد و بندگان مؤمن خدا در
آنجا جمع شوند و امیدوار به محمد ﷺ و شفاعت او در قیامت باشند. بر
ایشان هم و غم و حزنها و مکاره وارد شود.

راوی پرسید: پس چه وقت انتظار فرج خواهند داشت؟

امام فرمود: هرگاه آب بر روی زمین ظاهر شود.»

علامه مجلسی فرموده: «در این زمان، هنوز آبی جاری نشده است.»^(۱)

۶- دعوت مردم، توسط مردی از اهل قم

از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مردی از
اهل قم، مردم را دعوت به حق خواهد کرد. جمعی با او جمع خواهند شد
که در استحکام روح، مانند پاره‌های آهن باشند که نه بادهای وزنده ایشان
را بلرزاند و نه از جنگ ملول خواهند شد و نه در ایشان ترسی هست؛ و بر
خدا توکل می‌کنند و عاقبت برای متقین است.»^(۲)

۷- اختلاف دو گروه از عجم در کلمه عدل

عبدالله بن بشار ضیع، از امام حسین علیه السلام نقل کرده که فرمود: «در
اختلاف دو صنف از عجم در لفظ کلمه «عدل» هزاران نفر کشته خواهند
شد. و شیخ طبرسی به دار آویخته خواهد شد.»^(۳) (شاید اشاره به جریان

۱- مهدی منتظر، ص ۱۱۳

۲- مهدی منتظر، ص ۱۱۳

۳- مهدی منتظر، ص ۱۱۵، به نقل از الزام الناصب

مشروطه و دار زدن عالم بزرگوار شیخ فضل الله نوری است).

۸- قومی که در مشرق خروج می کنند

حضرت باقر علیه السلام به ابو خالد کابلی فرمود: «گویا می بینم قومی را که در مشرق خروج کرده اند، حق را مطالبه می کنند. و به آنان نمی دهند، باز مطالبه می کنند و از دادن حق به آنان امتناع می ورزند؛ چون چنین ببینند، شمشیرهای خود را بر دوش خود گذارند و آنگاه، آنچه می خواستند، به ایشان داده می شود و ایشان قبول نکنند. تا اینکه قیام کنند. و نخواهند داد دولت را مگر به صاحب شما.

کشته های اینان شهیدایند، آگاه باشید! اگر من آن زمان را درک می کردم خود را برای صاحب این امر مهیا می نمودم.»^(۱)

۹- قم شهر ما و شهر شیعیان ما

از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود: «شهر قم، شهر ما و شهر شیعیان ماست. شهری است پاکیزه و مقدس و مطهر، که ولایت و دوستی ما و اهل بیت ما را قبول کرده است. هیچ جبار و ظالم و سرکشی به ایشان قصد بد نکند و به ایشان بد نخواهد، مگر آنکه خداوند در عقوبت وی تعجیل نماید؛ مادامی که به یکدیگر خیانت نکنند، و چون در حق یکدیگر خیانت کنند خداوند جباران و گردنکشان را بر ایشان مسلط گرداند.

سپس فرمود: اهل قم انصار و یاران قائم ما و رعایت کنندگان حقوق ما

هستند.»

آنگاه سر مبارک خود را به سوی آسمان کرد و فرمود: «خداوند! نگهدار اهل قم را از هر فتنه و بلا، و از هلاکت رستگاری ده.»^(۱)

۱۰- قم و کوفه جای امن

ابوعبدالله علیه السلام فرمود: «چون امنیت در بلاد از بین برود و مردمان بر پشت اسبان نشینند و از زنان و بوی خوش دوری گزینند فالهرب، الهرب، الهرب، بگریزند و سخت فرار کنند.

راوی عرض کرد: جان و مال و تنم فدایت، کجا پناه می‌برند؟ فرمود: کوفه و دور تا دور آن و قم و حوالی آن، از این دو شهر بلا دور است.»^(۲)

۱۱- عجم «شیرمدانی شجاع»

در ملاحم به سند خود از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود: «در آینده انبوهی از عجم در مقابل شما قرار گیرند؛ پس خدا قرار می‌دهد آنان را شیرهایی که فرار نمی‌کنند. پس جنگ سختی با شما خواهند کرد و در غنیمت‌های شما هم تصرف نمی‌کنند.»^(۳)

۱۲- وضع زنها در آخرالزمان

«اذا رأیتِ اللَّاتِیَ الْقَبْنَ عَلَی رُؤْسِهِنَّ مِثْلَ اسْتِمَةِ الْبَعْرِ، فاعلموهنَّ انه

۱- تاریخ قم، صفحه ۹۳

۲- تاریخ قم، صفحه ۹۳

۳- ملاحم، ص ۱۱۰، کنز العمال، ج ۱۱، خ ۳۱۱۶۵

لاتقبل لهنّ صلوة»^(۱)

یعنی: «هرگاه دیدید زنان را که بالای سرشان را مانند کوهان شتر ساخته‌اند، پس به آنها اعلام کنید که نمازشان پذیرفته نیست.»

«سیکون فی امتی رجال یرکب نساءهم علی سروج، کاشباه الرجال»^(۲)

یعنی: «زود است بیاید در امت من مردانی که زنهایشان سوار شوند بر زین اسبها در حالی که خود را شبیه به مردان کرده‌اند.»

۱۳- آرزوی مرگ

«لیأتین علی الناس زمان یأتی الرّجل القبر فیقول: یا لیتنی مکان هذا، لیس به حبّ الله - تعالی - و لکن من شدّة ما یری من البلاء»^(۳) یعنی: «هر آینه می‌آید زمانی که مرد کنار قبر می‌آید و می‌گوید: کاش من به جای این مرده بودم. البته این حرف را نه از باب دوستی به خدا می‌گوید، بلکه از شدت بلائی است که به او رو آورده.»

۱۴- سختی دینداری

«جامع الاخبار» در فصل «ذکر زمان سوء» از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده: «یأتی علی الناس زمان، الصّابر علی دینه کالقابض علی الجهرة»

یعنی: «زمانی بر مردم می‌آید که صبر کننده بر دین خود، مانند کسی است که آتش سرخ شده را در دست خود گرفته - کنایه از شدت سختی است -»

۲- نوائب الدهور، ج ۱، ص ۱۴۰

۱- نوائب الدهور، ج ۱، ص ۱۴۱

۳- نوائب الدهور، ج ۱، ص ۱۶۵

۱۵- جمع شدن در مساجد برای حرف دنیا

در همان کتاب و همان باب از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود: «یأتی فی آخر الزمان اناس من امتی، یأتون المساجد یقعدون فیها حلقاً ذکرهم الدنیا و حب الدنیا لاتجالسوهم فلیس لله بهم حاجة» یعنی: «در آخر الزمان افرادی می آیند که از امت من هستند، در مساجد می نشینند و حلقه می زنند. لیکن ذکر ایشان دنیا و محبت دنیاست، با ایشان ننشینید، زیرا خدا به اینها احتیاج ندارد - یعنی: جلسات اینها مورد رضایت خدا نیست -»

۱۶- کم شدن فقهاء

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «به زودی زمانی بر امت من می آید که قاریان و خوانندگان قرآن، زیاد شوند لیکن فقهاء کم شوند و علما گرفته شوند. و کشتار و خونریزی زیاد شود. پس بعد از آن دورانی بیاید که مردانی از امت من قرآن را قرائت کنند لیکن از گلوی آنها تجاوز نکند. پس بعد از آن زمانی می آید که مشرک به خدا با مؤمن در آن چیزی که می گوید مجادله می کند.»^(۱)

۱۷- پیروی خواهشهای نفسانی و خواندن قرآن با ساز و آواز

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «بر امت من زمانی می آید که رأیها بسیار می شود. و از خواهشهای نفسانی پیروی می کنند، و قرآن بصورت سرود و ترانه و با

۱- کنز العمال، ج ۱۴، ص ۲۱۷، خ ۳۸۴۵۷ و نوائب الدهور ج ۱، ص ۱۵۸

آهنگ و آواز غنا خوانده می شود، و قرائت قرآن موجب ترس آنان نمی شود (در روحیه آنان اثر نمی کند) و خداوند بر قرائت آنان پاداش و اجر نمی دهد؛ بلکه آنانرا لعنت می کند.

پس در چنین زمانی مردم از شنیدن آواز و آهنگهای خوش، به نشاط می آیند و حلاوت و شیرینی قرائت قرآن را نمی چشند، و برای اینها هیچ بهره‌ای از ثواب عالم آخرت نیست.

و مردم گرفتار هرج و مرج و فتنه و قتل و آشوب می شوند و عرب مطلق العنان و سرخود می گردد. مردها به مردها و زنهارها به زنهارها در فجور اکتفا می کنند ساز و آواز در میان آنان نواخته می شود و کسی از آن نهی نمی کند بلکه به آن خشنود هم می شوند؛ و حال آنکه او یکی از گناهان بزرگ مخفی و پنهان است. پس وای به حال آنان، از خداوند دیان و حسابرس روز قیامت؛ در حالی که من از آنان بیزار هستم. و در چنین زمانی زنهارها مجلسهائی می گیرند. و دسته‌بندیها زیاد می شود، تا این اندازه که زن در مجالس، مانند مرد، سخنرانی می کند و اجتماعاتشان برای لهو و لعب است نه برای رضای خدا!! و این از عجائب آن زمان است. اگر آنان را دیدید با آنها قطع رابطه کنید و برای رضای خدا از آنان دوری کنید. زیرا که ایشان با خدا و پیغمبرش در حال جنگ هستند و خدا و رسول او از آنها بیزارند.»^(۱)

۱۸- تزلزل مردم در ایمان و اعتقادات

قال رسول الله ﷺ: «تكون بين يدي الساعة فتن كقطع الليل المظلم

يُصْبِحُ الرَّجُلُ مُؤْمِنًا وَيَمْسِي كَافِرًا وَيَمْسِي مُؤْمِنًا وَيُصْبِحُ كَافِرًا يَبِيعُ
اقوام دينهم بعرض الدنيا»^(۱) پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «در نزدیکی
قیامت، فتنه‌ها و گرفتاری‌هایی پیدا می‌شود چون قطعه‌های شب تاریک، و
در اثر آن فتنه‌ها و آشوبها، انسان در صبح مؤمن و اول شب کافر است. و یا
اول شب مؤمن است و چون صبح شد کافر شود. و در آن موقع، جمعی
دین خود را در مقابل متاع دنیوی از دست می‌دهند.»

۱۹- گرفتاریهای متعدد

«معاذبن جبل» نقل می‌کند: ای مردم! «چهار نوع گرفتاری و اختلال
پیش خواهد آمد، و اگر بتوانید که آنها به شما نرسد، البته دوری از آنها لازم
است.»

گفتند: آنها چیست؟

گفت: زمانی خواهد آمد که باطل جلوه پیدا کرده و بر حق غلبه نماید. و
هوسرانی و ضعف مردم به جایی که صبح به آئینی وابسته شوند شب به
آئین دیگری می‌پیوندند. به اندازه‌ای در تزلزل و تحیر و تردید باشند که
نمی‌فهمند که در چه روش و طریقه‌ای هستند. نه زندگی آنها روی بصیرت
و اطمینان است و نه مرگ آنها؛ و مردی را از بیت‌المال مال می‌دهند که
برخلاف رضا و حکم پروردگار - متعال - سخن گوید.»^(۲)

۲۰- عرب و فتنه‌های آخرالزمان

پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «وای به حال عرب از شری که نزدیک است؛

فتنه‌هایی است مانند قطعه‌های تیره شب تاریک، مرد در صبح به حال ایمان و شب کافر است. و جمعی از مردم دین خودشان را به متاع ناچیزی می‌فروشند. و کسی که در آن روز، دین خود را محکم بگیرد مانند کسی باشد که آتش به دست گرفته باشد.»

آثار و میراث همه پیامبران علیهم السلام در اختیار حضرت مهدی (ع) است

۱- امام باقر علیه السلام فرمود: «عصای موسی از آن آدم بود، بعد به شعیب رسید و سپس به دست موسی بن عمران افتاد، هم اکنون نزد ماست، چندی قبل آن را دیدم، مثل وقتی که از درخت کنده شده بود تر و تازه است، اگر از آن سؤال بشود جواب می‌دهد، آماده استفاده قائم ماست، با آن همان کاری را خواهد کرد که موسی بن عمران انجام می‌داد...»^(۱)

۲- ابوسعید از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند: امام باقر علیه السلام فرمود: «هنگامی که قائم، در مکه قیام کند و قصد رفتن به کوفه را داشته باشد، منادی آن حضرت ندا می‌دهد: «ای مردم! کسی با خود، غذا و نوشیدنی نیاورد» و سنگ حضرت موسی، که بار شتری است، همراه اوست، به هر جا می‌رسند، چشمه‌ای از وسط آن سنگ می‌جوشد، که هر گرسنه‌ای از آن بخورد سیر می‌شود و هر تشنه‌ای را سیر آب می‌نماید، توشه آنها همین است تا اینکه از طرف کوفه وارد نجف شوند.»^(۲)

۳- امام باقر از پدران بزرگوارش از علی علیه السلام نقل می‌کند: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «مهدی از نسل من است، او غیبت و گمگشتگی دارد که مردم، در آن دوره به گمراهی می‌افتند، ذخیره و گنجینه پیامبران را با خود دارد، زمین را همان طور که از ستم و بیداد پر شده است از عدل و داد سرشار خواهد نمود.»^(۳)

۴- مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام در روایت پیراهن یوسف، نقل

۱- اثبات الهداة ج ۳، ص ۴۳۹، روایت ۲ - ۲. اثبات الهداة ج ۳، ص ۴۴۰، روایت ۳

۳. اثبات الهداة ج ۳، ص ۴۶۱، روایت ۱۰۵

می‌کند: عرض کردم: «پیراهن یوسف به چه کسی رسید؟» فرمود: «به اهلش، وقتی قائم ما خروج کند، پیراهن پیش اوست.» سپس فرمود: «هر پیامبری، علم یا هر چیز دیگری به ارث گذاشته باشد به حضرت محمد ﷺ رسیده است.»^(۱)

۵- عبدالله بن سنان می‌گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: «عصای موسی از چوب آس، درخت بهشتی بود که وقتی به سمت مدین رفت جبرئیل برایش آورد، و آن عصا و تابوت آدم در دریاچه طبرستان است، نه می‌پوسند و نه تغییر حالت پیدا می‌کنند تا اینکه وقتی قائم قیام کند، آنها را بیرون آورد.»^(۲)

۶- زیاد بن منذر می‌گوید: امام باقر علیه السلام به من فرمود: «وقتی ظهور کند، بیریق رسول الله ﷺ، انگشتر سلیمان، و سنگ و عصای موسی را به همراه خود آشکار می‌سازد.»^(۳)

۱- اثبات الهداة ج ۳، ص ۴۹۴، روایت ۲۵۱

۲- اثبات الهداة ج ۳، ص ۵۴۰، روایت ۵۰۸

۳- اثبات الهداة ج ۳، ص ۵۴۱، روایت ۵۰۹

محل ظهور و دعوت آن حضرت کجاست؟

۱- امام باقر علیه السلام فرمود: «قائم از راه گردنه ذی طوی فرود می آید، سیصد و سیزده نفر - به تعداد مجاهدان بدر - همراه او هستند، تا اینکه پشتش را به حجرالاسود تکیه می دهد و بیرق پیروزی را به اهتزاز در می آورد.»^(۱)

۲- صالح بن عقبه از قول امام صادق علیه السلام در مورد آیه «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ وَ يَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ»^(۲) نقل می کند که فرمود: «درباره قائم آل محمد نازل شده است که در مقام ابراهیم، دو رکعت نماز می گزارد، و خداوند را می خواند، خدا او را پاسخ می گوید و ناراحتی او را برطرف می نماید و او را خلیفه و جانشین خود در روی زمین قرار می دهد.»^(۳)

۳- مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود: «مولای قائم ما به کعبه تکیه می زند و می گوید: «ای مردم! بدانید! که هر کس می خواهد به آدم و شیث بنگرد، همانا من، آدم و شیث هستم، هر که می خواهد نوح و فرزندش سام را ببیند، بداند که من نوح و سام هستم، هر که می خواهد ابراهیم و اسماعیل را نظاره کند، من ابراهیم و اسماعیل هستم، هر که میل نگاه به چهره موسی و یوشع دارد، بدانید که من موسی و یوشع هستم، هر که جمال و کمال عیسی و شمعون را طالب است، من عیسی و شمعون هستم، هر که می خواهد به محمد و امیرالمؤمنین صلوات الله علیهما بنگرد - و معنی حسن و کمال را دریابد - من محمد و امیرالمؤمنین هستم، هر که می خواهد جلوه حسن و حسین علیهما السلام را درک کند، من حسن

۱- اثبات الهداة ج ۳، ص ۵۴۷، روایت ۵۴۱

۲- اثبات الهداة ج ۳، ص ۵۵۳، روایت ۵۷۶

۳- نمل: ۶۲

و حسین هستم و هر که می خواهد امامان سلاله حسین علیهم السلام را بنگرد، من آن امامان هستم، درخواست و دعوت مرا پاسخ مثبت گوئید، من به شما از همان چیزی خبر می دهم که به شما خبر داده شده است و شما گوش نگرفته اید. هر کس اهل خواندن کتابها و صحف آسمانی و فهم آنهاست، پس به من گوش بسپارد.»

سپس شروع به خواندن صحفی که خداوند بر آدم و شیث علیهم السلام نازل کرده، می نماید. امت صفوة الله و شیث هبة الله می گویند: «به خدا قسم که بی هیچ تردیدی، این همان صحف است، به ما چیزی نمایاند که از آن بیخبر بودیم و بر ما پوشیده بود، هیچ چیز از آن کم نشده، عوض نشده و تحریف نگشته است.» پس صحف نوح و ابراهیم و تورات و انجیل و زبور را می خواند، آنگاه، اهل انجیل و تورات و زبور می گویند: به خدا قسم که بی هیچ تردیدی، این همان صحف نوح و ابراهیم علیهم السلام است و چیزی از آن کم نشده، عوض نشده و تحریف نگشته است. و به خدا قسم این همان تورات و زبور و انجیل کامل و دست نخورده است و بیش از آن چیزی است که به دست ما رسیده بود. سپس، آن حضرت قرآن را تلاوت می فرماید، آنگاه مسلمانان می گویند: «به خدا قسم، بدون هیچ تردیدی، این همان قرآن است که خداوند بر محمد صلی الله علیه و آله و سلم نازل کرده است و هیچ چیز از آن کاسته نشده، عوض نشده و تحریف نگشته است.»^(۱)

ویژگیهای یاران امام قائم علیه السلام

۱- امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «یاران مهدی جوان هستند و پیر در میان آنها وجود ندارد مگر به مقدار سرمه در چشم و نمک در غذا، و کمترین چیز در میان غذا نمک است.»^(۱)

۲- امام صادق علیه السلام فرمود: «گویا قائم علیه السلام را بر منبر کوفه می بینم که سیصد و سیزده تن از یارانش، به عدد مجاهدان بدر، گرداگردش را گرفته اند، آنها یاران بیرقها^(۲) و حکام خدا در روی زمین هستند...»^(۳)

۳- امام باقر علیه السلام فرمود: «گویا اصحاب و یاران امام قائم علیه السلام را می بینم که شرق و غرب را پر کرده اند، هیچ چیز در عالم پیدا نمی شود مگر اینکه از آنها اطاعت می کند، و حتی درندگان و پرندگان وحشی نیز مطیع آنها هستند، همه چیز در روی زمین خواهان بدست آوردن رضایت آنهاست تا جایی که قطعه ای از زمین بر قطعه ای دیگر افتخار می کند و می گوید: «امروز مردی از یاران قائم علیه السلام از روی من عبور کرد.»^(۴)

۴- ابوبصیر می گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «اینکه به قومش گفت: «لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةً أَوْ آوِي إِلَى رُكْنٍ شَدِيدٍ»^(۵)، چیزی جز آرزوی داشتن نیروی حضرت قائم، و تکیه به قدرت یاران آن حضرت نبود، به هر فردی از

۱- اثبات الهداة ج ۳، ص ۵۱۷، روایت ۳۷۷

۲- در متن روایت، عبارت اصحاب الولاية است که، یاران بیرقها ترجمه شده است البته در ریاب دیگر «اصحاب الولاية» ترجمه شده «دارای ولایت» این معنی با قسمتهای دیگر روایت سازگارتر است. مترجم

۳- اثبات الهداة ج ۳، ص ۴۹۴، روایت ۲۴۷

۴- اثبات الهداة ج ۳، ص ۴۹۴، روایت ۲۴۸

۵- هود: ۸۰، «ای کاش در برابر شما نیروئی داشتم یا به شخص قابل اعتماد و قدرتمندی پناه می بردم.»

یاران امام علیه السلام، نیروی چهل مرد داده شده و دلش از پاره‌های آهن محکمتر و قویتر است، اگر از کوهها عبور کنند، کوهها از هم می‌پاشند، تا خداوند عزوجل راضی نشود شمشیرهایشان را غلاف نخواهند کرد.^(۱)

۵- مفضل بن عمر می‌گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: آیه «أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً»^(۲) درباره آن عده از اصحاب امام قائم علیه السلام، که غایب هستند نازل شده است که ناگاه شب هنگام از بسترهایشان غایب می‌شوند و صبح در مکه هستند، بعضی از آنها در میان ابر حرکت می‌کنند، اسم آنها، نام پدرشان و سیما و قیافه و نسبشان شناخته می‌شود. مفضل می‌گوید: عرض کردم: فدایت شوم، ایمان کدامیک از آنها قویتر است؛ فرمود: «آنکه روز در میان ابر حرکت می‌کند.»^(۳)

۶- جابر جعفی می‌گوید: امام باقر علیه السلام فرمود: «در بین رکن و مقام، سیصد و چند نفر، به تعداد مجاهدان بدر، با امام بیعت می‌کنند، که برگزیدگان مصر، شایستگان اهل شام، و نیکان عراق در میان آنها وجود دارند، آنگاه آنچه خداوند اراده کند به دست امام قائم برپا می‌شود.»^(۴)

۷- ابان بن تغلب می‌گوید: با امام محمد باقر علیه السلام در مسجد مکه - مسجد الحرام - بودم، آن حضرت در حالی که دستم را گرفته بود فرمود: «ای ابان سیصد و سیزده نفر به این مسجد خواهند آمد، مردم مکه می‌دانند که هنوز پدران و اجداد آن افراد هم به دنیا نیامده‌اند،

۱- اثبات الهداة ج ۳، ص ۴۹۴، روایت ۲۴۱

۲- بقره: ۱۴۸ «هر جا که باشید خدا همه شما را گرد هم می‌آورد.»

۳- اثبات الهداة ج ۳، ص ۴۹۳، روایت ۲۴۶

۴- اثبات الهداة ج ۳، ص ۵۱۷، روایت ۳۷۸

شمشیرهائی با خود دارند که روی هر کدام، نام صاحب شمشیر و نام پدرش و حسب و نسبش نوشته شده است، آنگاه منادی ندا می‌دهد که: «این مهدی است که چون داوود و سلیمان قضاوت می‌کند، و در قضاوت کردن احتیاجی به دلیل و شاهد ندارد.»^(۱)

۸- امام باقر علیه السلام فرمود: «... شمشیرهائی بر خود بسته‌اند که بر روی هر کدام هزار کلمه نوشته شده و هر کلمه کلید هزار کلمه است، باد از هر ناحیه‌ای وزیدن می‌گیرد ندا می‌دهد که: «این مهدی است که همچون داوود قضاوت می‌کند و به شاهد و مدرک احتیاج ندارد.»^(۲)

۹- امام باقر علیه السلام فرمود: «یاران قائم، سبب و سیزده نفر از فرزندان عجم هستند، بعضی از آنها به هنگام روز در میان ابر حرکت می‌کنند، به اسم خودشان و نام پدرشان و حسب و نسب شناخته می‌شوند، بعضی از آنها بر بستر خوابیده‌اند ولی ناگهان بدون قرار قبلی در مکه گرد هم می‌آیند.»^(۳)

۱- اثبات الهداة ج ۳، ص ۵۴۶، روایت ۵۳۷

۲- اثبات الهداة ج ۳، ص ۵۴۶، روایت ۵۳۹

۳- اثبات الهداة ج ۳، ص ۵۴۷، روایت ۵۴۰

کسانی که در برابر امام صف آرائی می‌کنند

- ۱- امام صادق علیه السلام فرمود: «اهل سیزده شهر و طائفه با امام قائم نبرد می‌کنند: اهل مکه، اهل مدینه، اهل شام، بنی‌امیه، اهل بصره، اهل دشت میشان، کردها، عربها، ضبه، غنی، باهله، ازدبصره، و اهل ری.»^(۱)
- ۲- محمد بن مسلم می‌گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که فرمود: «اگر مردم می‌دانستند که قائم علیه السلام وقتی خروج کند چه کشتاری از مردم به راه می‌اندازد بیشتر آنها دوست می‌داشتند که او را نبینند، بدانید که او از قریش شروع می‌کند و جز با شمشیر با آنها معامله نمی‌کند.»^(۲)

۱- اثبات الهداة ج ۳، ص ۵۴۴، روایت ۵۳۰

۲- اثبات الهداة ج ۳، ص ۵۳۹، روایت ۵۰۰

محل حکومت و سکونت حضرت حجت علیه السلام

۱- در سئوالی که مفضل بن عمر درباره حضرت مهدی منتظر علیه السلام، از امام صادق علیه السلام پرسیده چنین آمده است: «... عرض کردم آقای من! خانه حضرت مهدی علیه السلام و محل گردهمائی مؤمنان کجاست؟ امام علیه السلام فرمود: محل حکومتش کوفه و محل قضاوتش، مسجد کوفه است، بیت‌المال و محل تقسیم غنائم مسلمانان، مسجد سهله و محل خلوت و عبادتش شنزارهای اطراف کوفه است.»

مفضل می‌گوید: «آقای من آیا همه مؤمنان در کوفه خواهند بود؟ امام علیه السلام پاسخ می‌فرماید: آری به خدا قسم! هیچ مؤمنی نیست مگر اینکه یا در کوفه است یا در اطراف آن، بهای مختصر زمینی از آن که اسبی در آن جا می‌گیرد به دو هزار درهم می‌رسد و بیشتر مردم دوست دارند که یک وجب از زمین منطقه سبع از ناحیه همدان در نزدیکی کوفه را به یک وجب طلا بخرند، گستردگی کوفه به پنجاه و چهار هزار میل رسیده و خانه‌های آن به کربلا وصل می‌شود و کربلا اردوگاه و محل رفت و آمد فرشتگان و مؤمنان می‌شود و دارای مقامی بلند و برکاتی زیاد است که اگر مؤمنی در آن جا اقامت کند و خدا را بخواند، با یک بار دعا کردن، خداوند، چیزی به قدر هزار برابر ملک دنیا به او عطا می‌فرماید...»^(۱)

۲- ابوبصیر می‌گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود: «ای ابامحمد! گویا که ساکن شدن قائم و اهل و عیالش در مسجد کوفه را می‌بینم.» عرض کردم: فدایت شوم خاندانش آن جا است؟ فرمود: آری، خانه ادریس و ابراهیم

خلیل الرحمن هم آن جا بود و خداوند پیامبری را مبعوث نکرد مگر اینکه در آن مسجد نماز خواند، و خانه خضر در آن جا است و کسی که در آن مسجد اقامت کند مثل کسی است که در خیمه پیامبر ﷺ اقامت کرده است و هیچ مرد و زن مؤمنی یافت نمی شود مگر اینکه دلش برای آن می تپد.» عرض کردم، فدایت شوم آیا هیچ وقت قائم، از میان نمی رود؟ فرمود: «آری می رود.» پس بعد از او چه می شود؟ فرمود: «بعد از او هم همین طور است تا زمانی که عالم خلق کاملاً به پایان برسد...»^(۱)

۳- حبه عرنی می گوید: امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «گویا شیعیانمان را در مسجد کوفه می بینم که خیمه زده اند و قرآن را همان گونه که نازل شده است به مردم یاد می دهند؛ بدانید که وقتی قائم قیام کند، مسجد را خراب کرده و قبله اش را درست می نمایند.»^(۲)

۴- حسن بن محبوب از بعضی روایات که آنها را نقل می کند از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود: قائم را می بینم که بر منبر کوفه نشسته است، از جیب قبایش نامه ای که به طلا مهر شده است بیرون می آورد، باز می کند و برای مردم می خواند و مردم مثل گله گوسفندانی که بگریزند از دور او پراکنده می شوند و غیر از نقباء و برگزیدگان، کسی باقی نمی ماند، آنگاه سخنی می فرماید که قبل از اینکه به جایی پناه ببرند به سوی او برمی گردند، و من می دانم که آن سخن چیست.»^(۳)

۱- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۱، روایت ۱۹۱

۲- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۴، روایت ۱۳۹

۳- اثبات الهداة ج ۳، ص ۴۵۰، روایت ۵۵

وضع زمین و آسمان در دوران ظهور مبارک آن حضرت علیه السلام

۱- یحیی بن علاء رازی می‌گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: «خداوند، در این امت مردی را، که من از اویم و او از من است، ظاهر خواهد کرد، که برکات زمین و آسمانها را به واسطه او بر مردم فرو می‌ریزد، آسمان بارانش را فرو می‌فرستد و زمین حاصلش را بروز می‌دهد، درندگان و جانوران در امان هستند، زمین از عدل و داد سرشار می‌شود همان طور که پیش از آن از ستم و بیداد پر شده است.»^(۱)

۲- ابوبصیر از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: «وقتی قائم قیام کند...، خداوند به فلک فرمان می‌دهد که گردش زمانش را کند کند تا اینکه یک روز معادل ده روز می‌شود و یک ماه برابر ده ماه و یک سال برابر ده سال.»^(۲)

۳- زید بن وهب جهنی از قول امام حسن علیه السلام نقل می‌کند که امیرالمؤمنین فرمود: «در آخر الزمان و در دوران سختی روزگار و نادانی مردم، مردی برانگیخته می‌شود... و درندگان در حکومت او در آرامش و صلح بسر می‌برند، زمین برکاتش را بیرون می‌ریزد و آسمان نعمتهایش را فرو می‌فرستد، گنجها برای او آشکار می‌شوند، چهل سال بر شرق و غرب مالک است، خوشا به حال کسی که دوران او را دریابد و سخنش را بشنود.»^(۳)

۱- اثبات الهداة ج ۳، ص ۵۰۴، روایت ۳۰۵

۲- اثبات الهداة ج ۳، ص ۵۱۷، روایت ۳۷۴

۳- اثبات الهداة ج ۳، ص ۵۲۴، روایت ۴۱۴

۴- ابوبصیر از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: «وقتی قائم قیام کند یک سال در زمان او برابر ده سال خواهد بود.» ابوبصیر می‌گوید عرض کردم: «فدایت شوم سالها چگونه طولانی می‌شود؟» امام علیه السلام فرمود: «خداوند به فلک فرمان می‌دهد که آرامتر حرکت کند و در نتیجه، روزها و سالها طولانی می‌شود.» عرض کردم: «بعضی می‌گویند اگر در فلک و حرکت آن تغییری ایجاد شود همه چیز از بین می‌رود.» فرمود: «این اعتقاد بی‌دینهاست، اما مسلمانان چنین چیزی نمی‌گویند، خداوند ماه را برای پیامبرش صلی الله علیه و آله و سلم دو نیمه کرد، قبل از آن، خورشید را برای یوشع بن نون برگرداند و از طولانی بودن روز قیامت خبر داد که برابر هزار سال از سالهای معمولی است.» (۱) (۲)

۵- در حدیث جابر از قول امام باقر علیه السلام آمده است که امام حسین علیه السلام قبل از اینکه کشته شود در مورد زمان حضرت قائم علیه السلام و حوادث آن زمان، به یارانش چنین فرمود: برکت از آسمان به زمین فرو می‌بارد، بطوری که به اراده خداوند، درختان همیشه میوه دارند و میوه زمستان در تابستان و میوه تابستان، در زمستان خورده می‌شود و این مصداق آیه شریفه است که می‌فرماید: (وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ.) (۳)

۱- به سوره حج، آیه ۴۷ مراجعه شود. ۲- اثبات الهداة ج ۳، ص ۵۲۸، روایت ۴۴۰

۳- اعراف: ۹۶

نزول حضرت عیسیٰ علیه السلام برای یاری قائم آل محمد علیه السلام و اقتدابه آن حضرت

۱- معمر بن راشد از امام صادق علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند که فرمود: «مهدی از نسل من است، وقتی خروج کند عیسی بن مریم برای یاریش فرود می آید، او را پیش رو قرار داده و پشت سرش اقتدا می کند.»^(۱)

۲- ابوبصیر می گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «آنچه از سنتهای الهی در مورد غیبتهای آنان جریان پیدا کرده است درباره قائم ما اهل بیت نیز جاری می شود... سپس خداوند عزوجل او را ظاهر می کند و شرق و غرب عالم را به دست او فتح می نماید، عیسی بن مریم روح الله نازل می شود و پشت سر او نماز می خواند...»^(۲)

۳- شهر بن حوشب می گوید: حجاج به من گفت: «آیه ای در قرآن هست که مرا عاجز کرده است.» گفتم: ای امیر! کدام آیه است؟ حجاج گفت: «وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لِيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ»^(۳) به خدا قسم من دستور می دهم که یهودی و نصرانی را بکشند: وقتی آنها گردن زده می شوند با دقت به آنها می نگریم نمی بینم لبهایشان تکان بخورد - و شهادتین بگویند - تا اینکه خاموش می شوند.» گفتم: «خدا امیر را سلامت بدارد تاویل این آیه این طور نیست.» حجاج گفت: تاویل آیه چیست؟ گفتم: «عیسی علیه السلام

۱- اثبات الهداة ج ۳، ص ۴۹۵، روایت ۲۵۵

۲- اثبات الهداة ج ۳، ص ۴۷۳، روایت ۱۵۲

۳- نساء: ۱۵۹

قبل از روز قیامت به دنیا فرود می آید و هیچیک از یهودیان و مسیحیان باقی نمی ماند مگر اینکه قبل از مرگش به او ایمان آورد، و پشت سر حضرت مهدی نماز می خواند.» حجاج گفت: وای بر تو! از کجا چنین تأویلی آوردی؟ گفتم: «محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام این را به من فرمود.» حجاج گفت: «به خدا قسم از چشمه ای زلال، آن را گرفته ای.»^(۱)

شباهت حضرت مهدی به انبیاء علیهم السلام

طبق روایات زیاد، امام زمان - ارواحنا فداه - از جهاتی به آدم، هابیل، شیث، نوح، ادریس، هود، صالح، ابراهیم، اسماعیل، اسحاق، لوط، یعقوب، یوسف، خضر، الیاس، ذوالقرنین، شعیب، موسی، هارون، یوشع، حزقیل، داوود، سلیمان، آصف، دانیال، عزیز، جرجیس، ایوب، یونس، زکریا، یحیی، عیسی و جدش خاتم الانبیا شباهت دارد که این نکته را مؤلف کتاب مکیال المکارم بیان کرده است.^(۱)

ما در اینجا فقط نام انبیای اولوالعزم را می‌بریم و شباهت آن حضرت را به نوح، ابراهیم، موسی، عیسی علیهم السلام و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم ذکر می‌کنیم.

۱- شباهت امام زمان به حضرت نوح

الف) نوح شیخ الأنبیا و حضرتش شیخ الأوصیاست.

از حضرت صادق و حضرت هادی علیهم السلام روایت شده که: «نوح دو هزار و پانصد سال عمر کرد.»^(۲) (به همین جهت او را شیخ الأنبیا لقب داده‌اند) امام عصر علیه السلام نیز شیخ الأوصیاست؛ زیرا این حضرت در نیمه شعبان المعظم سال ۲۵۵ هجری قمری به دنیا آمده و تا امسال که سال ۱۴۲۱ می‌باشد. ۱۱۶۶ سال از عمر حضرتش (هزار و صد و شصت و شش سال) می‌گذرد.

از امام چهارم علی بن الحسین علیه السلام رسیده که فرمود: «قائم سنتی است

۱- مکیال المکارم، ج ۱، ص ۱۶۸

۲- بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۲۸۵ و ۲۸۷، و مکیال المکارم ج ۱، ص ۱۷۱

از هفت پیامبر: از آدم، نوح، ابراهیم، موسی، عیسی، ایوب و حضرت محمد صلوات الله علیهم»

سپس فرمود: «اما از آدم و نوح (فطول العمر) طول عمر می باشد.»^(۱)
 ب) شبهات دوم آن حضرت به نوح آن است که: «نوح زمین را از کافران پاک کرد» چنانچه قرآن می فرماید: «رَبِّ لَأَنْتَزِعَ عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ دِيَارًا»^(۲) خدایا بر روی زمین از کافران هیچ را زنده مگذار.

و امام زمان علیه السلام نیز زمین را از لوث وجود کفار پاک می نماید.
 ج) حضرت نوح، نهصد و پنجاه سال صبر پیشه کرد. «فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا، فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ وَ هُمْ ظَالِمُونَ»^(۳) یعنی: «حضرت نوح، در میان قوم خود ۹۵۰ سال درنگ نمود و به تبلیغ و دعوت آنان پرداخت؛ ولی سرانجام گرفتار طوفان عظیم شده در حالیکه ظالم و ستمگر بودند.»

و امام عصر نیز از آغاز امامتش تا کنون صبر کرده و این صبر تا ظهور آن حضرت ادامه دارد.

د) هر کس از نوح و کشتی نجات او دوری گزید هلاک شد، همچنین هر کس از ولی عصر دوری گزیند هلاک می شود. چنانکه در بحارالانوار از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است: «لا تقوم الساعة حتى يقوم القائم الحق منا و ذلك حين يأذن الله - عزوجل - له و من تبعه بخاء من تخلف عنه هلك»^(۴)

۲- شبهات امام زمان به حضرت ابراهیم علیه السلام

الف) همانطور که حمل و ولادت حضرت ابراهیم علیه السلام مخفی بود؛ حمل

۱- مکیال المکارم، ج ۱، ص ۸۷ ح ۱۸۶ ۲- سوره نوح آیه ۲۶
 ۳- عنکبوت، آیه ۱۴ ۴- بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۴۵، ح ۲

و ولادت امام زمان علیه السلام نیز مخفی بوده است.

ب) مفضل از حضرت صادق علیه السلام نقل می کند که: «ابراهیم علیه السلام هنگامی که او را به آتش افکندند پیراهن مخصوص را که جبرئیل از بهشت آورد پوشید. امام عصر علیه السلام نیز این پیراهن را در وقت خروج و ظهورش می پوشد. در پایان مفضل می پرسد: این پیراهن کجاست؟ امام صادق فرمود: «آن پیراهن با قائم ماست هرگاه خروج نماید.»^(۱)

ج) حضرت ابراهیم را خداوند از آتش نجات داد: «قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَ سَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ»^(۲) یعنی: «به آتش دستور دادیم بر ابراهیم سرد و سالم باش!»

و چنین معجزه‌ای برای قائم علیه السلام نیز ظاهر می شود.

در روایت است که: حضرت صادق فرمود: «وقتی که قائم علیه السلام ظاهر شود، شخصی از اصفهان به سوی آن حضرت می آید و معجزه ابراهیم خلیل الرحمن را از او می طلبد. سپس حضرت امر می کند که: آتشی بزرگ روشن کنند، و این آیه را می خواند «فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ»^(۳) یعنی: «پس منزّه است خداوندی که مالکیت و حاکمیت همه چیز در دست اوست.»

پس داخل آتش می شود و سالم از آتش بیرون می آید و آن مرد منکر می شود و می گوید: این سحر است. پس حضرت به آتش امر می کند تا او را بگیرد و بسوزاند، پس سوخته می شود. و می فرماید:

۲- سوره انبیاء: آیه ۶۹

۱- کمال الدین، ص ۶۷۴، ح ۲۸

۳- یس، آیه ۸۳

این است جزای کسی که انکار کند صاحب الزمان و حجة الرحمان را
(صلوات الله و سلامه علیه) (۱)

۳- شبهات امام زمان به حضرت موسی

الف) حمل موسی مخفی بود، همچنین حمل قائم علیه السلام مخفی بود.
ب) خدا ولادت موسی را مخفی کرد و نیز خداوند ولادت قائم را مخفی
قرار داد.

ج) حضرت موسی از قومش دوبار غیبت کرد و غایب شد که یکی
طولانی تر از دیگری بود؛ یعنی: غیبت اول او از مصر به مدین و دومی
رفتنش به سوی میقات پروردگارش بود. مدت غیبت اول طولانی بیست و
هشت سال طول کشید و غیبت دوم او چهل شب.

چنانچه خداوند می فرماید: «فَتَمَّ مِيقَاتُ رَبِّهِ اَرْبَعِينَ لَيْلَةً» (۲)

چنانکه مرحوم شیخ صدوق به اسناد خودش از عبدالله بن سنان از
امام صادق علیه السلام روایت کرده که گفت: شنیدم می فرمود: «در قائم علیه السلام سنتی
است از موسی بن عمران عرض کردم: آن سنت موسی بن عمران چیست؟
فرمود: «مخفی بودن مَولِد او و غیبت او از قومش. عرض کردم: چه مدت
موسی بن عمران از قومش غائب بود؟ فرمود: ۲۸ سال» (۳)

همچنین حضرت مهدی از امت غایب شد به دو غیبت که یکی از آنها
طولانی تر از دیگری است؛ و روایات در این باب زیاد رسیده است.

۱- مکیال المکارم، ج ۱، ص ۱۸۱ ح ۴۲۵ ۲- اعراف، آیه ۱۴۲

۳- کمال الدین، ج ۲، ص ۳۴۰

د) خداوند با حضرت موسی تکلم فرمود: «يَا مُوسَى إِنِّي اصْطَفَيْتُكَ عَلَى النَّاسِ بِرِسَالَاتِي وَ بِكَلَامِي فَخُذْ مَا آتَيْتُكَ وَ كُنْ مِنَ الشَّاكِرِينَ»^(۱) یعنی: «ای موسی! من ترا برگزیدم و رسالات خود را به تو دادم و ترا به موهبت سخن گفتن با خودم نائل کردم و آنچه به تو دستور داده‌ام بگیر و در برابر این همه موهبت، از شکرگزاران باش!»

همچنین خداوند با قائم علیه السلام در وقتی که بالا برده شد به سوی سُرَادِقَاتِ عرش سخن فرمود.

امام یازدهم فرمود: «آنگاه که خداوند مهدی را به من بخشید دو مَلِک را فرستاد، پس او را به سوی سُرَادِقِ عرش بردند تا رساندند او را به پیشگاه الهی «مقصود قرب معنوی است.» پس خداوند خطاب به او فرمود: مَرْحَبَا بِرِ تُو بِنْدَه مِن! برای یاری کردن دین من و اظهار نمودن امر من و هدایت کننده بندگان من، من تو را عطیه نمودم؛ همانا من به خاطر تو گیرنده و عطا کننده‌ام و به تو می‌بخشم و عذاب می‌کنم.»^(۲)

ه) حضرت موسی از مردم غایب شد به خاطر ترس از دشمنان چنانکه خدا فرمود: «فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ»^(۳) یعنی: «حضرت موسی از شهر خارج شد در حالی که ترسان بود، و هر لحظه در انتظار حادثه‌ای!». حضرت مهدی علیه السلام نیز از مردم غایب شد (خوفاً من اعدائه) از ترس دشمنان. چنانچه در روایت است: مرحوم کلینی در کافی به اسناد خودش از زراره روایت کرده که گفت: «شنیدم امام صادق علیه السلام می‌فرمود: همانا برای قائم علیه السلام

قبل از آمدنش غیبتی است. پرسیدم؛ این غیبت برای چیست؟ فرمود: می ترسد و بادست خود به شکم مبارکش اشاره کرد؛ یعنی از قتل و کشتن می ترسد.^(۱)

و) در غیبت حضرت موسی قوم او در نهایت سختی و مشقت و ذلت بسر می بردند؛ زیرا دشمنان آنها فرزندانشان را سر می بریدند «يُذَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَ يَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ»^(۲) یعنی: «پسران شما را سر می بریدند و زنان شما را (برای کنیزی) زنده نگه می داشتند.»

همچنین شیعیان و محبتین امام زمان علیه السلام در دوران غیبت آن حضرت در نهایت سختی و مشقت و ذلت اند. «و ليمحص الله الذين امنوا و يمحق الكافرين»^(۳) یعنی: «تا خداوند افراد با ایمان را خالص گرداند و کافران را تدریجاً نابود سازد.»

از سیره و آثار حضرت موسی در حضرت ولی عصر علیه السلام همانا: دوام ترس حضرت از دشمنان، طولانی بودن غیبت، مخفی بودن ولادت حضرت و مشکلات و گرفتاریهای شیعیان حضرت، در دوران غیبت است؛ تا روزی که خداوند عالم او را امضا نموده و لباس فرج بر اندام ملکوتی حضرت بپوشاند و او را از امداد و نصرت خود بهره مند ساخته و بر دشمنان چیره گرداند.^(۴)

ز) چنانکه قوم بنی اسرائیل به انتظار قیام حضرت موسی بودند؛ زیرا به آنها خبر داده بودند به اینکه: فرج و نجات آنها بدست حضرت موسی است

۱- کافی، ج ۱، ص ۳۳۸، باب فی الغیبة ح ۹

۲- بقره، آیه ۱۴۱

۳- بقره، آیه ۴۹

۴- کمال الدین، ج ۱، ص ۳۲۷

همچنین شیعیان امام زمان به انتظار ولی عصر (عج) هستند؛ زیرا به آنها نیز خبر داده شده است که: نجات آنها به دست مبارک آن امام معصوم است. چنانکه در این زمینه روایات زیادی وجود دارد که صاحب کتاب «مکیال المکارم» قسمتی از آن را آورده است.^(۱)

نکته‌ای که این مطلب را تأیید می‌کند؛ جمله‌ای است که در زیارت آن حضرت در روز جمعه رسیده است: «هذا يوم الجمعة، و هو يومك المتوقع فيه ظهورك و الفرج فيه للمؤمنين على يدك، و قتل الكافرين بسيفك...»^(۲) یعنی: «امروز، روز جمعه است و متعلق به تو است که توقع و انتظار ظهور تو می‌رود. و در آن روز، فرج و خلاصی مؤمنین به دست تو و نابودی دشمنان بوسیله شمشیر تو است.»

ح) همانطور که خداوند عصا را مخصوص موسی قرار داد و آن را معجزه او قرار داد همچنین همان عصا را مخصوص امام زمان عليه السلام قرار داده و روایاتی در این مورد هست که از جمله مواردی است که به امام زمان رسیده و با آن ظاهر می‌شود عصای حضرت موسی بن عمران است.

ط) خداوند زمین را برای دشمن حضرت موسی شکافت، یعنی قارون را از بین برد. «فَحَسَفْنَا بِهِ وَ بِذَارِهِ الْأَرْضَ»^(۳) همچنین امام زمان می‌شکافت زمین را برای دشمن و آن لشکر سفیانی است؛ چنانکه روایتش در بحار الانوار، آمده است.^(۴)

۱- مکیال المکارم، ج ۱، ص ۱۴۱. حروف «فاء»

۲- بحار الانوار، ج ۱۰۲، ص ۲۱۶ و مفاتیح الجنان دعای روز جمعه

۳- سوره قصص، آیه ۸۱ ۴- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۸

ی) همانگونه که موسی وقتی دست در جیب و گریبان خود می نمود و بیرون می آورد درخشان می شد که قرآن می فرماید: «وَنَزَعَ يَدَهُ فَإِذَا هِيَ بَيْضَاءُ لِلنَّاطِرِينَ»^(۱) یعنی: «و موسی دستش را از گریبان بیرون کشید، پس در آن هنگام آن دست تابنده شد.» همچنین نور می دهد و روشن می سازد نور وجود امام زمان تا اندازه ای که مردم از نور خورشید و ماه بی نیاز می شوند.

چنانکه روایات زیادی این حقیقت را تأیید می نماید.

مفضل گوید: شنیدم از امام صادق علیه السلام که فرمود: «همانا هرگاه قائم ما قیام کند زمین را به نور پروردگارش نورانی کند و بندگان را از نور خورشید بی نیاز سازد، و تاریکی را از بین ببرد.»^(۲)

ک) برای حضرت موسی سنگ شکافته شد و دوازده چشمه آب جاری شد.

از امام باقر علیه السلام روایت است که فرمود: «هرگاه ظهور کند قائم ما، بدست او پرچم رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و انگشتر سلیمان و سنگ و عصای موسی هست؛ سپس امر می فرماید تا منادی ندا کند، هیچ کس از شما با خود غذا و آبی برندارد و آذوقه ای حمل نکند، بعضی از اصحاب با خود گویند که: با این کار اراده کشتن ما و مرکب ما را دارد. سپس به مسیر خود ادامه می دهند پس اول منزلی که پیاده می شوند؛ (عصا را) بر سنگی می زند و از آن، آب و غذا و آذوقه می جوشد. و از آنها استفاده می کنند تا وارد نجف می شوند.»^(۳)

۲- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۷

۱- سوره اعراف، آیه ۱۰۸

۳- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۷

ل) همانگونه که خداوند امر حضرت موسی را در یک شب اصلاح فرمود همچنین امر ظهور ولی عصر - ارواحنا فداه - را در یک شب اصلاح فرماید. از امام نهم علیه السلام در حدیثی که وصف قائم را نموده روایت شده است که فرمود: «همانا خداوند برای آن حضرت در یک شب امر او را اصلاح کند، چنانکه امر کلیم خودش موسی را اصلاح نمود.»^(۱)

شبهات امام زمان به حضرت عیسی علیه السلام

الف) عیسی علیه السلام فرزند سیده نساء در زمان خودش بود. و امام زمان علیه السلام نیز فرزند سیده زنان در زمان خودش است.

ب) عیسی علیه السلام در شکم مادرش تکلم نمود و تسبیح خدا کرد و امام زمان علیه السلام نیز در شکم مادر حرف زد و سوره مبارکه قدر را تلاوت فرمود.

ج) حضرت عیسی در گهواره تکلم نمود و امام زمان علیه السلام نیز در کودکی در گهواره سخن گفت. و دلیل بر این ادعا روایتی است که از حکیمه دختر امام جواد علیه السلام نقل شده^(۱) که حضرت حجت بعد از ولادت سخن گفت و

فرمود: «اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و ان محمداً رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و سپس درود فرستاد بر امیرالمؤمنین و بر ائمه علیهم السلام. تا رسید به نام پدر بزرگوارش، و این آیه را خواند: «بسم الله الرحمن الرحیم وَ نُرِيدُ اَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِینَ اسْتَضَعُوا فِی الْاَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ اَیْمَةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِینَ»^(۲)

د) حضرت عیسی، مردگان را به اذن خداوند زنده می کرد که قرآن می فرماید: «وَ اُخِی الْقَوْتِ بِاِذْنِ اللّٰهِ»^(۳) همچنین امام زمان زنده می کند مردگان را به اذن خداوند، که روایات در این باره زیاد است.

۱- کمال الدین، ج ۲، ص ۴۲۵، باب ۴۲، ح ۱

۲- سوره قصص، آیه ۵ - ۳- سوره آل عمران، آیه ۴۹

شباهت امام زمان به جد بزرگوارشان خاتم انبیا ﷺ

در این باره به کلمه جامعی که از پیامبر اسلام رسیده اکتفا می‌شود که فرمود: «مهدی از فرزندان من، نام او نام من، کنیه‌اش کنیه من، از جهت سیمای ظاهر (خَلق) و صفات باطن (خُلُق) شبیه‌ترین مردم به من است.»^(۱)

و از این کلام پیامبر ﷺ مطالب زیادی استفاده می‌شود که برای خردمندان روشن و بدیهی است.

حتمی و تخلف ناپذیر بودن رجعت بعد از ظهور مهدی علیه السلام

۱- امیرالمؤمنین علیه السلام خطاب به کمیل می فرماید: «... ای کمیل! گذشتگان شما بی تردید به این عالم باز می گردند و آیندگان شما بدون شک - در کنار مهدی علیه السلام - بر دشمنان پیروز خواهند شد.»^(۱)

۲- زراره می گوید: از امام صادق علیه السلام درباره امور مهمی مثل رجعت و شبیه آن سؤال کردم. حضرت فرمودند: «آنچه سؤال می کنی هنوز وقتش نرسیده است و خداوند تعالی فرموده است: (بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ وَلَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ)»^(۲)»^(۳)

۳- ابوبصیر می گوید: امام باقر علیه السلام به من فرمود: «آیا مردم عراق رجعت را انکار می کنند؟ عرض کردم: آری، فرمود: آیا قرآن نمی خوانند که می فرماید: (وَ يَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا)»^(۴)»^(۵)

۴- ابوبصیر و محمد بن مسلم، در تفسیر آیه «وَ حَرَامٌ عَلَى قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا أَنَّهُمْ لَا يَرْجِعُونَ»^(۶) از امام صادق و امام باقر علیه السلام نقل می کنند که فرمودند: «هر قریه ای که خداوند مردمش را با عذاب نابود سازد، مردم آن قریه در رجعت بر نمی گردند». و این آیه محکمترین دلیل بر رجعت است، زیرا هیچ مسلمانی بازگشت و رجعت همه مردم در قیامت را انکار نمی کند،

۱- اثبات الهداة ج ۳، ص ۵۲۹، روایت ۴۴۷

۲- یونس: ۳۹، بلکه آنچه را به آن دانش ندارند دروغ شمردند و هنوز باطن آن برای آنها روشن نشده است.

۳- بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۴۰، روایت ۴

۴- نمل: ۸۳، روزی که از هر امتی گروهی را محشور نمایم.

۵- بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۴۰، روایت ۶

۶- انبیاء: ۹۵، در هر قریه ای که آنها را نابود ساختیم حرام است و آنها رجعت نمی کنند.

چه آنها که هلاک شده باشند و چه آنها که هلاک نشده باشند. بنابراین «لا یرجعون» یعنی در رجعت بر نمی گردند اما در قیامت برمی گردند تا اینکه وارد جهنم شوند.»^(۱)

۵- حسن بن جهم می گوید: مأمون به امام رضا علیه السلام گفت: «ای ابالحسن درباره رجعت چه می فرمائید؟» امام علیه السلام فرمودند: «رجعت حق است، در ادیان گذشته هم بوده و قرآن از آن یاد کرده است...»^(۲)

۶- احمد بن عقبه از پدرش نقل می کند که از امام صادق علیه السلام سؤال شد که آیا رجعت حق است؟ امام علیه السلام فرمودند: «آری...»^(۳)

۷- احمد بن ابی عبدالله برقی از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود: «هر کس به هفت چیز اعتراف کند مؤمن است» و از جمله آنها ایمان به رجعت را نام برد.^(۴)

۸- فضل بن شاذان از امام رضا علیه السلام نقل می کند که فرمود: «هر کس... به رجعت اعتراف کند... او واقعاً مؤمن و از شیعیان ما اهل بیت است.»^(۵)

۱- بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۵۲، روایت ۲۹
 ۲- بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۵۹، روایت ۴۵
 ۳- بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۰۳، روایت ۱۳۰
 ۴- بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۲۱، روایت ۱۶۱
 ۵- بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۲۱، روایت ۱۶۱

رجعت پیامبران و امامان دوازده گانه شیعه

۱- محمد بن مسلم می گوید: قبل از اینکه ابوالخطاب از مرام حق منحرف شود.^(۱) از حمران بن اعین و ابوالخطاب شنیدم که هر دو می گفتند که از امام صادق علیه السلام شنیده اند که فرمود: «... رجعت، عمومی نیست بلکه مربوط به عده خاصی است، جز آنها که دارای ایمان ناب و غیر از آنها که کافر خالص هستند کسی رجعت نمی کند.»^(۲)

۲- فیض بن ابی شیبه می گوید: امام صادق علیه السلام در حالی که آیه (وَ إِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ) ^(۳) را تلاوت می کرد فرمود: «تا به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ایمان آورند و امیرالمؤمنین علی علیه السلام را یاری کنند» فیض می گوید: عرض کردم: «تا اینکه امیرالمؤمنین را یاری کنند؟» امام علیه السلام فرمود: «آری»، به خدا قسم، از زمان آدم گرفته تا آخر، خداوند پیامبری را بر نیانگیخته مگر اینکه همه را به دنیا برمی گرداند تا تحت فرماندهی امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام با دشمنان جنگ کنند.»^(۴)

۳- جمیل بن دراج می گوید: در خدمت امام صادق علیه السلام، آیه (إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ) ^(۵) را تلاوت کردم، امام علیه السلام فرمود: به خدا قسم، این به رجعت مربوط است، آیا

۱. ابوالخطاب، ابتدا در مسیر صحیح بوده و بعدها منحرف شده و جزء غالبان شده است،

آنچه از او و دیگر منحرفین، قبل از انحرافشان نقل می شود، پذیرفته است، به تلخیص از

بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۳۹ - بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۳۹، روایت ۱

۳. آل عمران: ۸۱، وقتی خدا از پیامبران پیمان گرفت.

۴. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۴۱، روایت ۹

۵. مؤمن: ۵۱، ما پیامبرانمان و کسانی را که در دنیا ایمان آورند یاری می کنیم، و روزی که شاهدان، قیام کنند.

نمی‌دانی که بیشتر پیامبران در دنیا یاری نشده و کشته شدند و امامان همه یاری نشده و کشته شدند؛ پس، این به رجعت مربوط است.» جمیل می‌گوید: آیه (وَ اسْتَمِعَ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادِ مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ) ^(۱) را قرائت کردم. باز امام علیه السلام فرمود: «آن مربوط به رجعت است.» ^(۲)

۴- بکیر بن اعین می‌گوید: کسی که هیچ تردید در او و درستی سخنش ندارم؛ یعنی امام باقر علیه السلام به من فرمود: «پیامبر و علی رجعت می‌کنند.» ^(۳)

۵- جابر بن یزید، درباره آیه (يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ قُمْ فَأَنْذِرْ) ^(۴) از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که فرمود، مقصود آیه، محمد صلی الله علیه و آله و سلم و قیامش در هنگام رجعت است که مردم را می‌ترساند و مقصود از (إِنَّهَا لِيَأْخُذِي الْكُبْرَ تَذِيْرًا) ^(۵) یعنی محمد صلی الله علیه و آله و سلم و (تَذِيْرًا لِلْبَشَرِ) ^(۶) به رجعت مربوط است و (وَ مَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِلنَّاسِ) ^(۷) نیز به رجعت مربوط است.» ^(۸)

۶- ابو خالد کابلی از امام زین العابدین علیه السلام درباره آیه (إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَأْدَكَ إِلَى مَعَادٍ) ^(۹) نقل می‌کند که فرمود: «پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شما

۱- ق: ۴۱ و ۴۲، گوش فرادار روزی که فریادگر، از جایی نزدیک، صدا می‌کند، روزی که فریاد دعوت به حق را می‌شنوند، آن روز، روز خروج است.

۲- بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۶۵، روایت ۵۷

۳- بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۳۹، روایت ۲

۴- مدثر: ۱ و ۲، ای در لباس پیچیده برخیز و بیم ده.

۵- مدثر: آیه ۳۵

۶- مدثر: ۳۴ و ۳۵، آن یکی از امور بزرگ است که ترساننده بشر است.

۷- سباء: ۲۸، ما تو را برای هدایت تمام بشر فرستادیم.

۸- بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۴۲، روایت ۱۰

۹- قصص: ۸۵، آنکه قرآن را بر تو فرض گردانید تو را به جایگاه برگشت برمی‌گرداند.

به سوی شما برمی گردد.»^(۱)

۷- سلام بن مستنیر از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود: «اسمی بر خود نهادند، که خداوند، جز علی بن ابی طالب کسی را به این اسم ننامید»^(۲) و حقیقت آن هنوز روشن نشده است. «عرض کردم: «فدایت شوم! حقیقت آن چه موقع معلوم می شود؟» امام علیه السلام فرمود: «وقتی که موقع آن برسد، خداوند، پیامبران و مؤمنان را در رکابش گرد می آورد تا او را یاری کنند، و خدا فرموده است: (وَ إِذَا أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَ حِكْمَةٍ) تا آنجا که می فرماید: (أَنَا مَعَكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ)^(۳) در آن روز، پیامبر، پرچم را به علی بن ابی طالب علیه السلام می سپارد و او امیر تمام مخلوقات خواهد بود، همه مخلوقات، زیر پرچم او هستند و او امیر آنهاست پس این حقیقت آیه خواهد بود.»^(۴)

۸- یونس بن خلبیان از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود: «کسی که قبل از روز قیامت به حساب مردم می رسد حسین بن علی علیه السلام است، اما روز قیامت، هنگامه برانگیخته شدن به سوی بهشت و جهنم است.»^(۵)

۹- محمد بن سلیمان دیلمی از پدرش نقل می کند که گفت: «از امام صادق علیه السلام در مورد آیه (إِذْ جَعَلْ فِيكُمْ أَنْبِيَاءَ وَ جَعَلَكُمْ مُلُوكًا)^(۶) سؤال

۱- بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۵۶، روایت ۳۳

۲- خلفای ناحق و ستمکار بنی امیه و بنی عباس، خود را امیرالمؤمنین نامیدند امامان معصوم، علیرغم داشتن ولایت الهی، هیچکدام خود را امیرالمؤمنین ننامیده اند و فرموده اند که این لقب، مخصوص علی بن ابی طالب علیه السلام است.

۳- آل عمران: ۸۱ ۴- بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۷۰، روایت ۶۷

۵- بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۴۳، روایت ۱۳

۶- مائده: ۲۰، شما را پیامبران و پادشاهان قرار داد.

کردم، امام علیه السلام فرمود: پیامبران، رسول الله، ابراهیم، اسماعیل و فرزندانش هستند و ملوک و پادشاهان، ما هستیم، عرض کردم: «کدام ملک و پادشاهی به شما داده شده است؟» فرمود: «ملک بهشت و ملک رجعت.»^(۱)

۱۰- صالح بن میثم از امام باقر علیه السلام درباره آیه: (وَلَهُ اسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعاً وَكَرْهاً)^(۲) نقل می کند که فرمود: «آن مربوط به وقتی است که علی علیه السلام بفرماید: من از تمام مردم به آیه (وَ اقْسَمُوا بِاللهِ جَهْدَ اِيْمَانِهِمْ لِايْتَبَعْتُ اللهَ مَنْ يَمُوتُ بَلِي وَعَدَا عَلَيْهِ حَقًّا وَ لَكِنَّ اَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ... كاذِبِينَ)^(۳) اولی و مقدم هستم.»^(۴)

۱۱- در دعای عرفه امام سجاده علیه السلام می خوانیم «پروردگارا بر اولیاء آنها که به مقامشان معترفند... و ایام (رجعت) آنها را انتظار می کشند و به سوی آنها چشم دوخته اند درود بفرست.»^(۵)

۱- بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۴۵، روایت ۱۸

۲- آل عمران: ۸۳

۳- نحل: ۳۸ و ۳۹

۴- بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۵۰، روایت ۲۱

۵- صحیفه سجادیه دعای ۴۵

اولین امامی که رجعت می‌کند و بعد از قیام قائم علیه السلام خروج می‌نماید

۱- در حدیث محمد بن مسلم از حمران و ابوالخطاب، از قول امام صادق آمده است که فرمود: «اولین کسی که زمین به رویش شکافته می‌شود و به دنیا برمی‌گردد حسین بن علی علیه السلام است.» (۱)....

۲- از رفاعه بن موسی نقل شده که امام صادق علیه السلام فرمود: «اولین کسانی که به دنیا برمی‌گردند حسین بن علی علیه السلام و یارانش و یزید بن معاویه و یارانش هستند، و همه آنها را از اول تا آخر می‌کشد.» سپس امام صادق علیه السلام تلاوت فرمود: (ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَ أَمَدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَ بَنِينَ وَ جَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا) (۲) (۳)

۳- احمد بن عقبه از پدرش نقل می‌کند که از امام صادق علیه السلام درباره حق بودن رجعت سؤال شد. حضرت فرمود: «آری حق است.» سؤال شد: «اولین کسی که خروج می‌کند کیست؟» فرمود: «حسین (ع) بعد از قائم علیه السلام خروج می‌کند.» عرض کردم: «آیا همه مردم با او هستند؟» فرمود، «نه، بلکه همان طوری که خدای تعالی فرموده است: (يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا) (۴) گروهی بعد از گروه دیگر خروج خواهند کرد. (۵)

۴- جابر جعفی می‌گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که فرمود: «.... آنگاه منتصر - یاری شده - به دنیا برمی‌گردد و او حسین علیه السلام است که به

۱- بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۳۹، روایت ۱

۲- اسراء: ۶، سپس شما را بار دیگر به آنها مسلط کنیم و با مال و فرزندان یاری رسانیم و تعدادتان را افزونتر کنیم.

۳- بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۷۶، روایت ۷۸

۴- نبا: ۱۸، روزی که در صور دمیده شود گروه گروه خواهید آمد.

۵- بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۰۳، روایت ۱۳۰

خونخواهی خود و یارانش قیام می‌کند، می‌کشد و به اسارت می‌گیرد تا اینکه سفاح، از زمین خارج شود، و او امیرالمؤمنین علیه السلام است.»^(۱)

۵- در دعای روز سوم شعبان، ولادت امام حسین علیه السلام، که از ناحیه مقدسه امام زمان علیه السلام رسیده چنین آمده است: «پروردگارا به حق آن کسی که در این روز متولد شده... آقای خاندان، که روز رجعت با نصرت الهی یاری می‌شود و در برابر کشته شدنش، امامان از نسل او هستند و در تربتش شفای امراض قرار داده شده و در رجعت - عده‌ای - با او رستگار می‌شوند، و جانشینان پیغمبر بعد از قائم و غیبتش، از خاندان اویند تا خونهای ناحق ریخته شده را طلب کنند و پروردگار جبار را خشنود سازند و بهترین یاوران - حق و امامان - باشند، و درود خدا در گذر شب و روز بر آنان باد.»^(۲)

۱- بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۰۳، روایت ۱۳۰

۲- اقبال الاعمال، ص ۶۸۹

رجعت امیرالمؤمنین علیه السلام و تعداد دفعات رجعت آن حضرت

۱- عبدالکریم بن عمرو خثعمی می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: «ابلیس گفت: (أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ) ^(۱) خداوند، آن را ناخوش داشت و فرمود: (فَأِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ) ^(۲) وقتی آن روز معین فرا رسد، ابلیس با تمام پیروانش که از زمان خلقت آدم تا آن روز به دنیا آمده اند ظهور می کند، و آن آخرین باری است که امیرالمؤمنین علیه السلام رجعت می کند.» عرض کردم: «آن حضرت بیش از یک بار رجعت می کند؟» امام علیه السلام فرمود: «آری، بارها و بارها، هیچ امامی نیست که در زمانی آمده باشد، مگر اینکه نیکوکار و بدکار زمانش رجعت می کنند تا خدا مؤمنانشان را بر کافران مسلط کند.»

وقتی روز معین برسد، امیرالمؤمنین با اصحابش و ابلیس هم با یارانش رجعت می کنند و محل برخوردشان زمینی از اطراف فرات است که «روحا» نامیده می شود و نزدیک کوفه است. جنگ سختی بین آنها درمی گیرد که تا آن روز در عالم، سابقه نداشته است، گوئی یاران امیرالمؤمنین علیه السلام را می بینم که صد قدم به عقب برگشته و بعضی از آنها پایشان در آب فرات فرو رفته است.

در این هنگام است که عذاب پروردگار برای ابلیسیان، به شکل توده ابر و دسته های فرشتگان فرا می رسد، ^(۳) و کار تمام می شود، رسول الله

۱- اعراف: ۱۴، مرا تا روز قیامت مهلت ده.

۲- حجر: ۳۷-۳۸، به تو تا روز معین مهلت داده می شود.

۳- اشاره به آیه ۲۱۰ سوره بقره.

پیشاپیش آنها، در حالی که حربهای از نور در دست دارد در حرکت است. وقتی ابلیس به آن حضرت می‌نگرد به عقب برمی‌گردد و به پشت می‌افتد - و قصد فرار دارد - که یارانش به او می‌گویند: «کجا؟ تو که داشتی پیروز می‌شدی.» می‌گوید: «من چیزی می‌بینم که شما نمی‌بینید، من از پروردگار جهانیان می‌ترسم.»^(۱)، آن گاه پیامبر ﷺ به او می‌رسد و نیزه‌ای بین دو کتفش فرو می‌کند که سبب نابودی او و یارانش می‌شود، آن موقع خداوند - به دور از هر شرکی - پرستیده می‌شود.^(۲)

۲- عاصم بن حمید از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «..... خداوند از من و محمد صلی الله علیه و آله و سلم بر یاری یکدیگر، پیمان گرفته است، من محمد را یاری کردم، پیشاپیش آن حضرت جهاد کردم. دشمنش را کشتم و به عهد و پیمانی که خداوند بر یاری محمد صلی الله علیه و آله و سلم از من گرفته بود وفا کردم، و چون پیامبران را خداوند قبض روح فرموده بود، هیچکدام مرا یاری نکردند، اما به زودی یاریم خواهند کرد، و آن وقتی است که در شرق و غرب عالم، خداوند تمام پیامبران نسل آدم تا محمد صلی الله علیه و آله و سلم را زنده کند تا پیشاپیش من، سرهای زندگان و مردگان جن و انس را با شمشیر قطع کنند.... وقتی بارها و بارها رجعت خواهم کرد و صاحب رجعتها و حمله‌ها و مصیبتها بر کافران و دارای قدرتهای شگفت انگیز خواهم بود، من امیری آهنین، بنده خدا و برادر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم

۱- به سوره انفال آیه ۴۸ و سوره حشر آیه ۱۶ مراجعه شود.

۲- بحارالانوار، ج ۵۳ ص ۴۲، روایت ۱۲

هستم» (۱)

۳- جابر بن یزید از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود: علی علیه السلام با فرزندش حسین علیه السلام رجعتی خواهد داشت، با پرچمش پیش می رود تا از بنی امیه و معاویه و خاندان معاویه و همه کسانی که شاهد جنگ آن حضرت بودند انتقام بگیرد، سپس خداوند سی هزار از یاران آن حضرت از کوفه و هفتاد هزار از بقیه مردم را برمی انگیزد تا مثل اول، در صفین با آنها روبرو شوند و طوری آنها را بکشند که کسی باقی نماند تا خبری از آنها بیاورد، سپس خداوند آنها را برمی انگیزد و به دست آنان شدیدترین عذاب را بر فرعون و خاندانش نازل می کند. سپس امیرالمؤمنین علیه السلام یک بار با رسول الله رجعت می کند تا خلیفه روی زمین باشد و امامان علیهم السلام کارگزارانش باشند، تا اینکه خداوند، آشکارا او را برانگیزد و عبادتش در زمین، آشکار باشد، همانطور که قبلاً خدا را، در سر و نهان، عبادت کرده است... آری به خدا چندین بار و بیش از آن - و با دست چند بار اشاره فرمود - خداوند، ملک تمام دنیا و پادشاهی آن - از روزی که دنیا را آفرید و تا وقتی فانی شود - را به پیامبرش می دهد و تا وعده ای را که در کتاب داده است که **(لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ)** (۲) وفا نماید.

۱- بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۴۶، روایت ۲۰

۲- توبه ۳۳، صف ۹، تا دینش را علیرغم میل مشرکان بر تمام ادیان مسلط کند.

دَابَّةُ الْأَرْضِ وَ دَابَّةُ اللَّهِ، هَمَانُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ آست

۱- ابوبصیر از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل می‌کند که فرمود: «امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ، در مسجد مقداری ریگ جمع کرده، زیر سرش گذاشته و خوابیده بود که رسول الله به آنجا رسید. با پا او را تکان داد و فرمود: «برخیز ای دابَّةُ الله.» مردی از یاران حضرت عرض کرد: «یا رسول الله آیا ما می‌توانیم یکدیگر را به این اسم بنامیم؟» حضرت فرمود: «نه، به خدا قسم، این اسم مخصوص اوست و او همان دابَّةُ الله است که خدا در قرآن فرمود: (وَ إِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسِ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ)»^(۱) سپس حضرت فرمود: ای علی! وقتی آخرالزمان برسد، خداوند، تو را به بهترین صورت خارج می‌کند و آهن گداخته‌ای با توست که دشمنانت را با آن داغ می‌کنی....»^(۲)

۲- در حدیث بن قیس از علی عَلَيْهِ السَّلَامُ، که آن را بطور کامل بر امام سجاده عَلَيْهِ السَّلَامُ خواند، و آن حضرت، آن را تأیید فرموده‌اند، آمده است: «... عرض کردم: «یا امیرالمؤمنین در آیه (وَ إِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ...)»^(۳) مقصود از دابَّة چه کسی است؟» فرمود: «ای ابوالطفیل! از این مطلب بگذر.» عرض کردم: «ای امیرالمؤمنین! فدایت شوم! از این قضیه مطلعم کن.» فرمود: «آن، دابَّة‌ای (جنبنده‌ای) است که غذا می‌خورد، در بازار راه می‌رود، و با زنان ازدواج می‌کند.» عرض کردم: «یا امیرالمؤمنین! او کیست؟» فرمود: «او قوام زمین

۱- نمل: ۸۲، هنگامی که وعده عذاب کافران به وقوع پیوندد جنبنده‌ای از زمین برانگیزیم که با آنان سخن گوید که مردم به آیات ما یقین نداشته‌اند.

۲- بحارالانوار، ج ۳، ص ۵۲، روایت ۲۰ ۳- نمل: آیه ۸۲

است که زمین به واسطه او آرام می‌گیرد.» عرض کردم: «یا امیرالمؤمنین! او کیست؟» فرمود: «صدیق این امت، فاروق، ربّی^(۱) و ذوالقرنین این امت است.» عرض کردم: «یا امیرالمؤمنین! او کیست؟» فرمود: «همان کسی که خداوند درباره او فرموده است: (وَ يَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ)^(۲) و آن کسی که علم الکتاب^(۳) پیش اوست و آن کسی که صدق و راستی پیش آورد و پیامبر را قبول و تصدیق کرد^(۴) در حالی که همه مردم کافر بودند.»

عرض کردم: «یا امیرالمؤمنین! او را نام ببر.» فرمود: «ای ابوالطفیل! برایت نام بردم، به خدا قسم اگر در بین آن عده از شیعیانم که به کمک آنها با دشمن می‌جنگم و از من اطاعت می‌کنند و مرا امیرالمؤمنین می‌نامند و جهاد با دشمنان را جایز می‌دانند، وارد شوم و بعضی از آنچه را از کتاب خدا می‌دانم بیان کنم، از گردم پراکنده می‌شوند تا اینکه در میان عده اندکی از شیعیان نظیر تو، باقی می‌مانم.» ترسیدم و گفتم: «یا امیرالمؤمنین! من و امثال من از دور تو پراکنده می‌شویم؟ یا در کنار تو ثابت می‌مانیم؟» فرمود: «ثابت می‌مانید.» سپس به من رو کرد و فرمود: «امر ما سخت است و مردان سخت کوش سختی را می‌طلبند، جز سه گروه کسی آن را نمی‌شناسد و قبول نمی‌کند: یکی فرشته مقرب درگاه الهی، دیگری پیامبر مُرسل و سومی بنده مؤمن برگزیده‌ای که خداوند، دلش را با ایمان آزموده است. ای ابوالطفیل پیامبر ﷺ از دنیا رفت و مردم پس از او با نادانی و گمراهی، از

۱- هزاران نفر از مردم، جماعت، مجمع البحرین، ماده رجب

۲- هود: ۱۷، گواهی صادق، آن را تلاوت می‌کند.

۳- اشاره به آیه ۴۳ سوره رعد

۴- اشاره به آیه ۳۳ سوره زمر

دین برگشتند بجز آنکه خداوند به واسطه ما اهل بیت آنها را از انحراف حفظ کرد. (۱)

۳- ابوالصامت حلوانی از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که امیرالمؤمنین صلوات الله علیه فرمود: «شش چیز به من داده شده است: «علم خوابها، وقایع، کلام حق و من صاحب رجعتها و بهترین دولت هستم، من صاحب عصا و آهن گداخته هستم و من دابهای هستم که با انسانها سخن می‌گوید.» (۲)

۴- ابو عبدالله جدلی می‌گوید: بر علی بن ابی طالب وارد شدم، آن حضرت به من فرمود: «آیا می‌خواهی قبل از اینکه کسی به جمع ما وارد شود سه مطلب را برایت بگویم؟» عرض کردم: آری، فرمود: «من بنده خدا، دابّه زمین، صدق و عدل آن و برادر پیامبر هستم و من بنده خدا هستم. آیا می‌خواهی از چشم و بینی مهدی خبرت کنم؟» عرض کردم: آری، پس با دست به سینه‌اش زد و فرمود: «من» (۳)

۵- نزال بن سبره از علی بن ابی طالب علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: «... بدانید که بعد از آن - یعنی دجال - واقعه بزرگ اتفاق می‌افتد.» گفتم: «یا امیرالمؤمنین! واقعه بزرگ چیست؟» فرمود: «خروج دابهای از زمین نزدیک صفا، که انگشتر سلیمان، عصای موسی را همراه دارد، انگشتر را به چهره هر مؤمنی بگذارد روی آن حک می‌شود: «این واقعاً مؤمن است.» و

۱- بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۶۶۸، روایت ۶۶

۲- بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۰۱، روایت ۱۲۳

۳- بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۱۰، روایت ۴

روی چهره هر کافری بگذارد روی آن حک می‌شود: «این واقعاً کافر است.»
 و مؤمن صدا می‌زند که: «وای بر تو ای کافر» و کافر فریاد می‌کشد که: «خوش
 به حال تو ای مؤمن»، دوست داشتم که امروز مثل تو می‌بودم و رستگار
 می‌شدم، آن گاه دابّه سر بلند می‌کند و به اذن پروردگار، بین شرق و غرب
 عالم، همه چیز را می‌بیند آن روز، توبه از میان مردم برداشته می‌شود و
 قبول نمی‌شود و هیچ عملی - از غیر مؤمن - پذیرفته نمی‌شود و (لَا يَنْفَعُ
 نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ أُمَّتًا مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا) (۱) (۲)

۱- انعام ۱۵۸، ایمان کسی که قبلاً ایمان نیاورده برایش فایده‌ای ندارد و اگر بعد از ایمان، کار
 خیری هم انجام دهد پذیرفته نیست. ۲- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۴، از روایت ۲۶

مدت عمر پیامبر و ائمه علیهم السلام بعد از رجعتشان

۱- در حدیث عبدالکریم بن عمرو خثعمی از امام صادق علیه السلام آمده است: «امیرالمؤمنین علیه السلام چهل و چهار هزار سال حکومت می کند تا اینکه یک نفر شیعه علی علیه السلام، هزار فرزند پسر از صلبش به دنیا بیاید، در آن وقت است که (جَنَّانٍ مُدْهَامَتَانِ) ^(۱) به اراده خدا، در اطراف مسجد کوفه پیدا می شود.» ^(۲)

۲- از حمران از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود: «اولین کسی که رجعت می کند همسایه شما حسین است، آن قدر حکومت می کند که ابروانش از پیری روی چشمانش بیفتد.» ^(۳)

۳- در حدیث جابر از امام باقر علیه السلام آمده که امام حسین علیه السلام قبل از کشته شدن به اصحابش فرمود: «... جای مژده و شادی است به خدا قسم اگر آنها ما را بکشند، ما بر پیامبران وارد می شویم» آن گاه فرمود: «پس هر قدر خدا بخواهد خواهیم ماند، آن گاه اول کسی خواهیم بود که زمین برایش شکافته شده و از آن خارج می شود، پس همزمان با امیرالمؤمنین و قیام قائمان خروج خواهیم کرد، آن گاه گروهی از نزد خداوند از آسمان بر من فرود آیند که تا آن روز هرگز بر زمین فرود نیامده اند، جبرئیل، میکائیل، اسرافیل و لشگریانی از فرشتگان بر من فرود آیند، محمد، علی، من و برادرم و همه آنها که خدا بر ایشان منت نهاده است بر محملهای پروردگار، که مرکبهای

۱- رحمن: ۶۲ و ۶۴، دو باغ بهشت سبزینه.

۲- بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۴۳، روایت ۱۲

۳- بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۴۳، روایت ۱۴

أبلىق از نورند و هیچ مخلوقی تا آن روز بر آنها سوار نشده، فرود آئیم. سپس محمد پرچمش را به اهتزاز درآورد، و آن را با شمشیرش به قائم ما بدهد، آن گاه هر قدر خدا بخواهد در زمین می مانیم و بعد از آن خداوند از مسجد کوفه، چشمه‌ای از روغن، چشمه‌ای از آب و چشمه‌ای از شیر، جاری خواهد کرد...»^(۱)

۴- از اسد بن اسماعیل نقل شده است که وقتی از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ درباره روزی که در آیه (فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ)^(۲) مقدار آن ذکر شده سؤال شد. فرمود: آن مربوط به رجعت رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ است که حکومتش در آن رجعت، پنجاه هزار سال و حکومت امیرالمؤمنین چهل و چهار هزار سال است.»^(۳)

۱- بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۶۱، روایت ۵۲

۲- بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۰۳، روایت ۱۳۰

۳- سوره معراج، آیه ۴

مؤمنان و کافرانی که رجعت می‌کنند

۱- معاویه بن عمار می‌گوید: آیه (فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكاً) ^(۱) را خدمت امام صادق علیه السلام تلاوت کردم، امام علیه السلام فرمود: «به خدا قسم، آن برای دشمنان است». عرض کردم: «فدایت شوم، آنها را دیده‌ایم که در کمال رفاه عمر طولانی را گذرانده مرده‌اند». حضرت فرمود: «به خدا سوگند این مربوط به رجعت است، که در آن موقع سرگین می‌خورند.» ^(۲)

۲- جابر بن یزید می‌گوید: آیه (كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ) ^(۳) را بر امام صادق علیه السلام تلاوت کردم، حضرت فرمود: منشوره، عرض کردم: منشوره، دیگر چیست؟ فرمود: جبرئیل اینگونه آن را بر محمد صلی الله علیه و آله و سلم نازل کرد: «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَ مَنْشُورَةٌ»، سپس فرمود: «در این امت، هیچ نیکوکار و بدکاری نیست مگر اینکه پراکنده - منشوره - و برانگیخته می‌شود، مؤمنان به سوی چشم روشنی و بدکاران برای رسیدن به خواری و خفت الهی، آیا آیه قرآن را نشنیده‌ای که می‌فرماید: (وَ لِنُذِيقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَدْنَى دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ) ^(۴) و آیه: (يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ قُمْ فَأَنْذِرْ) ^(۵) که مقصود، قیام محمد صلی الله علیه و آله و سلم در رجعت و ترساندن آنان است و آیه (إِنَّمَا لِنَأْخُذِي الْكُبْرَ نَذِيرًا لِلْبَشَرِ) ^(۶) آن یکی از دو امر بزرگ و ترساننده بشر

۱- طه: ۱۲۴، برای او زندگی سختی در پیش است.

۲- بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۵۱، روایت ۲۸

۳- آل عمران: ۱۸۵، انبیاء: ۳۵ و عنکبوت: ۷۵، هر نفسی چشمنده مرگ است.

۴- سجده: ۲۱، عذاب کوچکتر را قبل از عذاب بزرگتر به آنها می‌چشانیم.

۵- مدثر: ۱ و ۲، ای جامه به خود پیچیده برخیز و بیم ده.

۶- مدثر: ۳۵ و ۳۶، آن یکی از دو نشانه بزرگ است که بیم دهنده بشر است.

است، یعنی محمد، ترساننده بشر در رجعت است،.... جابر در ادامه حدیث می‌گوید: امام باقر علیه السلام فرمود: امیرالمؤمنین علیه السلام درباره (رُبَمَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ كَانُوا مُسْلِمِينَ)^(۱) فرمود: آن مال وقتی است که من و شیعیانم خروج می‌کنیم و عثمان بن عفان و پیروانش هم خارج می‌شوند و ما بنی‌امیه را می‌کشیم، آن وقت کفار آرزو می‌کنند که کاش مسلمان بودند.»^(۲)

۳- یزید بن معاویه از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: «به خدا قسم، روزگار به پایان نخواهد رسید تا اینکه خداوند زنده‌ها را بمیراند و مرده‌ها را زنده کند و حق را به صاحبش برگرداند و دین خود را که نزدش پسندیده است برپا کند...»^(۳)

۴- ابوبصیر از قول امام صادق علیه السلام درباره آیه «إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا» نقل می‌کند که فرمود: «نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام مکر ورزیدند، آن گاه خداوند فرمود: «ای محمد (إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا وَ أَكِيدُ كَيْدًا فَمَهْلِ الْكَافِرِينَ) یا محمد (أَمْهَلُهُمْ رُوَيْدًا)^(۴) وقتی قائم علیه السلام برانگیخته شود، از ستمکاران و طاغوت‌های قریش و بنی‌امیه و دیگر مردم انتقام می‌گیرد.»^(۵)

۵- در تفسیر علی بن ابراهیم درباره آیه (وَ حَسْرَتَانَهُمْ فَلَمْ يُغَايِرْ مِنْهُم

۱- حجر: ۲، کفار دوست داشتند که کاش مسلمان می‌بودند.

۲- بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۶۴، روایت ۵۵

۳- بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۰۲، روایت ۱۲۵

۴- طارق: ۱۵-۱۷، آنان مکر ورزیدند و من هم با آنان مکر کنم، (تو ای پیامبر!) کافران را

مهلتی ده. ۵- بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۲۰، روایت ۱۵۴

أَحَدًا)، آمده است که از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ درباره آیه (وَ يَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا)^(۱) روزی که از هر امتی گروهی را برانگیزیم، سؤال شد، حضرت فرمود: «مردم درباره آن چه می‌گویند؟» راوی می‌گوید: گفتیم: مردم می‌گویند به قیامت مربوط است، امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: «آیا خداوند در قیامت از هر امتی گروهی را برمی‌انگیزد و بقیه را رها می‌کند؟ این به رجعت مربوط است اما آیه قیامت این است: (وَ حَشَرْنَاَهُمْ فَلَمْ نُغَايِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا... مَوْعِدًا)^(۲)»^(۳)

۶- در حدیث سلمان از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ آمده است که بعد از اینکه پیامبر جانشینانش را نام برد، من گریستم و گفتم: «یا رسول الله! سلمان چگونه می‌تواند آنها را درک کند؟» پیامبر فرمود: «ای سلمان! تو و امثال تو و هر که به حقیقت، آنها را شناخته و پیروی کند، آنها را درک می‌کنید...». سلمان می‌گوید: من خدا را بسیار سپاسگزاری کردم و گفتم: «یا رسول الله آیا عمر من تا زمان ایشان می‌رسد؟» حضرت فرمود: «ای سلمان، بخوان (فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَئِهِمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَى بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَ كَانَ وَعْدًا مَفْعُولًا، ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَ أَمَدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَ بَنِينَ وَ جَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا)^(۴)»

سلمان می‌گوید: گریه و شوق من زیادتر شد و گفتم: «یا رسول الله در زمان خودتان چنین خواهد شد؟» حضرت فرمود: «آری، به آن خدائی که

۱- نمل: ۸۳

۲- کهف: ۴۷-۴۸، آنها را جمع می‌کنیم و هیچیک را وانگذاریم...

۳- بحارالانوار: ج ۵۳، ص ۵۱، روایت ۲۷

۴- اسراء: ۵-۶

محمد را به پیامبری فرستاد سوگند که در زمان خودم و علی و فاطمه و حسن و حسین و نه نفر از امامان و هر کس از ماست و هر که از ما مظلوم واقع شده است، آری به خدا، سلمان! آن گاه ابلیس و لشگریانش و مؤمنان ناب و کافران محض حاضر خواهند شد تا قصاص شوند و خونهای به حق ریخته شده از آنان قصاص شود. (وَ لَا يُظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا)^(۱) و ما تأویل این آیه هستیم که فرمود: «وَ تُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ وَ نَمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ نُرِيَ قِرْعُونَ وَ هَامَانَ وَ جُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ»^(۲)

سلمان می‌گوید: از نزد رسول الله ﷺ برخاستم در حالی که برایم هیچ

مهم نبود که چه موقع با مرگ روبرو شوم یا مرگ به سراغم بیاید.^(۳)

۱- کهف: ۴۹، و پروردگاز تو به کسی ظلم نمی‌کند.

۲- قصص: آیه ۵ و ۶
۳- بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۴۲، روایت ۶۲

اسامی مقدس حضرت مهدی علیه السلام در کتب مذهبی ملل مختلف جهان ^(۱)

ردیف	نام کتاب	اسماء مقدس حضرت
۱-	صحف ابراهیم	صاحب
۲-	زبور داوود	قائم
۳-	تورات به لغت توکوم	قیدمو
۴-	تورات عبری	ماشع
۵-	انجیل	مهمید آخر
۶-	زمزم زردشت	سروش ایزد
۷-	السیاق زند و پازند	بهرام
۸-	درزند و پازند	بنده یزدان
۹-	هزارنامه هندیان	لندبطاوا
۱۰-	ارماطس	شمافیل
۱۱-	جاویدان	خوراند
۱۲-	کندرال فرنگیال	خجسته
۱۳-	کتاب شعیای نبی	فیروز
۱۴-	کتاب محسوس	خسرو
۱۵-	کتاراتزی پیغمبر	میزان الحق
۱۶-	برزین آذرفارسیان	پرویز
۱۷-	قبروس رومیان	فردوس الاکبر
۱۸-	صحیفه آسمانی	کلمة الحق

لسان صدق	صحیفه آسمانی	۱۹-
صمصام الاکبر	کندرال	۲۰-
بقیة الله	دوهر	۲۱-
قاطع	قنطره	۲۲-
منصور	دیدبراهم	۲۳-

مکانهائی که سفارش شده برای دعا به ولی عصر (ارواحنا فداه)

۱- مسجدالحرام

دلیل آن علاوه بر آنکه از مکانهای اجاب دعاست و سزاوار است اهتمام دعا در آنجا به خاطر اهمیت آن نزد خداوند دعائی است که وارد شده است. شیخ صدوق فرموده است محمد بن موسی بن متوکل برای ما حدیث نقل نموده و گفت: عبدالله بن جعفر حمیری (ره) برای ما نقل کرد و گفت: از محمد بن عثمان عمری (ره) پرسیدم، آیا حضرت صاحب را ندیدی؟ گفت: چرا، و آخرین پیمان من با او نزد خانه خدا بود که می فرمود: «اللهم انجزلی ما وعدتني»^(۱) یعنی خدایا همانطور که به من وعده داده‌ای پاداشم را بده.

و در همان کتاب ذیل حدیث دهم آمده که حضرت را دیدم در حالی که پرده کعبه را در مستجار گرفته بود و می فرمود: «اللَّهُمَّ انْتَقِمْ لِي مِنْ أَغْدَابِي»

۲- عرفات:

در محل وقوف، و دلیل آن روایت از حضرت صادق علیه السلام است که در اعمال روز عرفه آمده است.

۳- سرداب:

یعنی: سرداب غیبت در سامرا و دلیل آن اهتمام به دعا در آن مکان است به حسب آنچه در کتب روایات آمده است.

۴- مقامات منسوب به آن حضرت:

مشاهد و مواقف مبارکه‌ای که حضرت در آنجا ایستاده بوده‌اند؛ مثل مسجد کوفه، مسجد سهله، مسجد صعصعه و مسجد جمکران.

۵- حرم امام حسین علیه السلام:

دلیل آن علاوه بر عقل، روایتی است که در کتاب «کامل الزیارات» از امام صادق علیه السلام نقل شده است.

۶- حرم حضرت رضا علیه السلام:

چنانکه در کامل الزیارات آمده است بعد از نماز بر هر یک از ائمه علیهم السلام می‌گوئی: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى حُجَّتِكَ وَوَلِيِّكَ وَ الْقَائِمِ فِي خَلْقِكَ، صَلَوةً نَامِيَةً، بَاقِيَةً، تُعَجِّلُ بِهَا فَرَجَهُ وَ تَنْصُرُهُ بِهَا...»^(۱)

۷- حرم عسکریین علیهم السلام در سامرا:

چنانکه در زیارت این دو امام در کامل الزیارات آمده است «اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَ وَوَلِيِّكَ وَ ابْنِ وَوَلِيِّكَ وَ اجْعَلْ فَرَجَنَا مَعَ فَرَجِهِمْ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ»^(۲)

۸- حرم هر یک از ائمه علیهم السلام:

چون از اماکن با شرافت و با فضیلت هستند و دلیل آن در کامل

الزیارات آمده است^(۱) و باید گفت، این آیه از مهمترین آیاتی است که از اهم وظایف مردم است، در هر مکان بخوانند: «فَبِ بُيُوتِ اٰذِنِ اللّٰهِ اَنْ تُرْفَعَ وَ يُذَكَرَ فِيهَا اسْمُهُ»^(۲)

باید توجه داشت: نائل شدن به فوز زیارت حضرت و توجه و عنایت آن بزرگوار و دعا کردن شرائطی دارد؛ از جمله:

- ۱- مداومت بر دعای حضرت به تعجیل فرج و ظهورش.
- ۲- تهذیب نفس از آنچه مانع قبولی عبادات و دعاهاست: از صفات پست؛ مثل کبر، حسد، غیبت، نمامی و...
- ۳- داشتن تقوا که خداوند فرموده: «اِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللّٰهُ مِنَ الْمُتَّقِيْنَ»^(۳) و همانگونه که برای تقوا، درجاتی است، برای قبولی آن نیز درجاتی است.
- ۴- در دعا آنچه را که از ائمه رسیده و ماثورات مقدم بدارد و چیزی را بر آنها به قصد ورود زیاد نکند؛ و حتی زیادی را به قصد مطلق الذکر را هم بعضی جایز نداشته‌اند.

- ۵- مستحب است برای دعا دستها را بلند کند.
- ۶- مستحب است مسلمانان برای دعا اجتماع کنند. چنانکه امام صادق فرمود: «هیچ گروه چهل نفری نیست که خدای را در امری بخوانند مگر آنکه خدا برای آنها مستجاب کند. پس اگر چهل نفر نبودند چهار نفر خدا را ده مرتبه بخوانند تا خدا مستجاب فرماید. و الا یک نفر خدا را چهل مرتبه بخواند خدا دعایش را مستجاب می‌نماید.»^(۴)

۱- کامل الزیارات، باب ۱۰۴، ص ۳۱۵

۲- سوره نور: آیه ۳۶

۳- کافی، ج ۲، ص ۴۸۷

۴- مائده: آیه ۲۷

تعداد یاران حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه)

صاحب منتخب التواریخ می نویسد: فاضل کامل شیخ فضل الله بن شیخ محمد باقر قاینی بیرجندی در کتاب «مصابیح الأحزان فی اشراط قیام صاحب الزمان علیه السلام» از کتاب «حجّة» سید هاشم بحرانی نقل فرمود، و روایتش مفصل است و در آن روایت نام سیصد و سیزده نفر و قبیله و بلد ایشان را ذکر کرده که مختصراً عبارتند از:

۲۴ نفر از طالقان، ۱۸ نفر از قم، ۱۴ نفر از کوفه، ۱۲ نفر از هرات، ۱۲ نفر از مرو، ۱۲ نفر از جرجان، ۹ نفر از بیروت، ۸ نفر از مدائن، ۸ نفر از نیشابور، ۷ نفر از ری، ۷ نفر از طبرستان، ۶ نفر از یمن، ۵ نفر از طوس، ۵ نفر از تفلیس، ۴ نفر از همدان، ۴ نفر از دیلم، ۴ نفر از سنجار، ۴ نفر از فسطاط، ۳ نفر از دمشق، ۳ نفر از بصره، ۳ نفر از سجستان، ۳ نفر از رقه، ۳ نفر از خابور، ۲ نفر از مدینه، ۲ نفر از قوس که سبزوار باشد و بقیه از سایر مناطق هستند.^(۱)

کمک حضرت ولی عصر (عج) به محتشم کاشانی

محتشم پسری داشت که از دنیا رفت. او چند بیت در رثای وی گفت. شبی حضرت رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را در خواب دید که فرمود: «تو برای فرزند خود مرثیه می‌گوئی، اما برای فرزند من مرثیه نمی‌گوئی؟» می‌گوید: «بیدار شدم ولی چون در این رشته کار نکرده بودم سررشته پیدا نکردم چگونه وارد مرثیه فرزند گرامی آن حضرت شوم.»

شب دیگر در خواب مورد عتاب حضرتش گردیدم که فرمود: چرا در مصیبت فرزندم مرثیه نگفتی؟ عرض کردم: چون تاکنون در این وادی قدم نزده‌ام، لهذا راه ورود برای خود پیدا نکردم. فرمود بگو:

«باز این چه شورش است که در خلق عالم.»

بیدار شدم همان مصراع را مطلع قرار دادم و آنچه که می‌بایست سرودم، تا رسیدم به این مصراع که گفتم:

«هست از ملال گرچه بری ذات ذوالجلال.»

در اینجا ماندم که چگونه این مصراع را به آخر برسانم که به مقام الوهیت جسارتی نکرده باشم. شب حضرت ولی عصر - ارواحنا فداه - را در خواب دیدم فرمود: مرثیه خود را به اتمام نمی‌رسانی؟ عرض کردم: در این مصراع به بن‌بست رسیده‌ام نمی‌توانم رد شوم فرمود بگو: «او در دل است هیچ دلی نیست بی‌ملال.»

بیدار شدم. این مصراع را ضمیمه آن مصراع نموده و بیت را به آخر

رسانیدم.»^(۱)

صورت عریضه مشهوره به حضرت صاحب

در کتاب مستطاب نجم الثاقب مرحوم حاج میرزا حسین نوری و منتهی الأمال مرحوم حاج شیخ عباس قمی از تحفة الزائر مجلسی و مفاتیح النجاة سبزواری منقول است که: هر کس حاجتی داشته باشد رقعهای را که مذکور می شود بنویسد و در یکی از قبور ائمه علیهم السلام بیاندازد یا ببندد و مهر کند و خاکی پاک را گل سازد و آن رقع را در میان آن گذارد و در نهری یا چاهی عمیق یا غدیر آبی اندازد که به حضرت صاحب الزمان - صلوات الله و سلامه علیه - می رسد و او خودش متولی برآوردن حاجت می شود.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

كَتَبْتُ يَا مَوْلَايَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ مُسْتَفِيئًا (مُسْتَعِينًا) وَ شَكْوَتُ
مَنْزَلٍ بِي مُسْتَجِيرًا بِاللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، ثُمَّ بِكَ مِنْ أَمْرِ قَدْ دَهَمَنِي وَ أَشْغَلَ قَلْبِي
وَ أَطَالَ فِكْرِي وَ سَلَبَنِي (بِعَقْرِ) بَعْضَ لُبِّي وَ غَيَّرَ خَطِيرَ نِعْمَةِ اللَّهِ عِنْدِي،
أَسْلَمَنِي عِنْدَ تَخِيلِ وَرُودِهِ الْخَلِيلِ وَ تَبَرَّءَ مِنِّي عِنْدَ تَرَائِي إِقْبَالِهِ إِلَيَّ
الْحَمِيمِ وَ عَجَزَتْ عَن دِفَاعِهِ حِيلَتِي وَ خَانَتْنِي فِي تَحْمَلِهِ صَبْرِي وَ قُوَّتِي
فَلَجَأْتُ فِيهِ إِلَيْكَ وَ تَوَكَّلْتُ) فِي الْمَسْئَلَةِ لِلَّهِ جَلَّ ثَنَاؤُهُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْكَ فِي
دِفَاعِهِ عَنِّي عِلْمًا بِمَكَانِكَ مِنَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ لِي التَّدْبِيرُ وَ مَالِكِ الْأُمُورِ
وَإِثْقَا بِكَ فِي الْمُسَارَعَةِ فِي الشَّفَاعَةِ إِلَيْهِ جَلَّ ثَنَاؤُهُ فِي أَمْرِي مُتَيَقِّنًا
لِإِجَابَتِهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى إِيَّاكَ بِإِعْطَائِي سُؤْلِي وَ أَنْتَ يَا مَوْلَايَ جَدِيرٌ
بِتَحْقِيقِ ظَنِّي وَ تَصْدِيقِ أَمَلِي فِيكَ فِي أَمْرِ كَذَا وَ كَذَا...

و بجای کذا و کذا حاجت را بنویسد و تصریح به آن کند.

فِيْمَا لِنَاطَاقَةِ لِي بِحَمْلِهِ وَ لَا صَبْرَ لِي عَلَيْهِ وَ اِنْ كُنْتُ مُسْتَحَقًّا لَهُ وَ لِيَا
 ضِعَافِهِ بِقَبِيحِ اَفْعَالِي وَ تَفْرِيطِي فِي الْوَاجِبَاتِ الَّتِي لِلّٰهِ عَزَّوَجَلَّ فَاغْنِنِي
 يَا مَوْلَايَ صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَيْكَ عِنْدَ الْكَهْفِ (الْلَهْفِ) وَ قَدِّمِ الْمَسْئَلَةَ لِي
 عَزَّوَجَلَّ فِي اَمْرِي قَبْلَ حُلُوْلِ التَّلَفِ وَ شِمَاتَةِ الْاَعْدَاءِ فَبِكَ بُسِطَتِ النُّعْمَةُ
 (النُّعْمُ) عَلَيَّ وَ اسْتَلِ اللّٰهُ جَلَّ جَلَالُهُ لِي نَصْرًا عَزِيْزًا وَ فَتْحًا قَرِيْبًا (و در
 نسخه‌ای و رِزْقًا وَاسِعًا حَلَالًا طَيِّبًا)

فِيهِ بِبُلُوْغِ الْاَمَالِ وَ خَيْرِ الْمَبَادِي وَ خَوَاتِيْمِ الْاَعْمَالِ وَ الْاَمْنِ مِنْ
 الْمَخَافِ كُلِّهَا فِي كُلِّ حَالٍ اِنَّهُ جَلَّ ثَنَاؤُهُ لِمَا يَشَاءُ فَعَالٌ وَ هُوَ حَسْبِي وَ
 نِعْمَ الْوَكِيْلُ فِي الْمُبْدَءِ وَ الْمَالِ.

آنگاه بر بالای نهر یا چاه یا غدیر برآید و اعتماد بر یکی از وکلای
 حضرت نماید یا عثمان ابن سعید العمروی یا فرزند او محمد بن عثمان یا
 حسین بن روح یا علی بن محمد سمری و یکی از آنها را ندا نماید و بگوید:
 «یا فلان ابن فلان مثلاً (یا حسین بن روح) سَلَامٌ عَلَيْكَ اَشْهَدُ اَنَّ وَ فَاتَكَ
 فِي سَبِيْلِ اللّٰهِ وَ اَنَّكَ (اَنْتَ) حَتّٰى عِنْدَ اللّٰهِ مَرْزُوْقٌ وَ قَدْ خَاطَبْتُكَ فِي حَيَاتِكَ
 الَّتِي عِنْدَ اللّٰهِ عَزَّوَجَلَّ (جَلَّ وَ عَزَّ) وَ هَذِهِ رُقْعَتِي وَ حَاجَتِي اِلَى مَوْلَانَا عَلَيْهِ
 السَّلَامُ فَسَلِّمْهَا اِلَيْهِ وَ اَنْتَ الثَّقَةُ الْاَمِيْنُ. (۱)

پس نوشته را در نهر یا چاه یا غدیر بیاندازد که حاجت او برآورده

ان شاء الله

می‌شود.

۱- ای فلان پسر فلان سلام بر تو شهادت می‌دهم که همانا وفات تو در راه خدا بوده است و
 همانا تو زنده‌ای نزد خدا و روزی می‌خوری، و به تحقیق سخن می‌گویم با تو در حیانت که در
 نزد خداوند نیرومند و بزرگوار بلند مرتبه است، و این نامه من و حاجت من است به مولای ما
 که بر او سلام باد، پس آن را تسلیم او کن که تو مورد اعتماد و امینی.

چگونگی حکومت امام زمان علیه السلام

آنچه را ذیلاً می‌نگاریم از روایات معتبر استفاده می‌شود، که بطور فشرده ملاحظه می‌کنید:

- ۱- قانون اساسی در حکومت امام زمان علیه السلام «قرآن مجید» است.
- ۲- به تمام برنامه‌های قرآن عمل می‌شود و حکمی معطل نمی‌ماند.
- ۳- عدالت و امنیت را در سرتاسر جهان گسترش می‌دهد.
در این زمینه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:
«روز ظهور مهدی علیه السلام منادی ندا کند که: ای مردم! امروز روز آزادی و عدالت است.»^(۱)
- ۴- وحدت بشری را به معنای صحیح پیاد می‌کند.
- ۵- دنیا به منزله یک خانه درمی‌آید و حضرتش برای آن خانه چون پدری مهربان است.
- ۶- علم، تکمیل می‌گردد. چنانچه از حضرت صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «علم، ۲۷ حرف است، تا زمان مهدی علیه السلام بیش از ۲ حرف کشف نمی‌شود؛ ولیکن حضرتش از همه ۲۷ درجه علوم جهان، برای بشر پرده برمی‌دارد.»^(۲)
- ۷- علم و صنعت در خدمت رشد فضایل اخلاقی قرار می‌گیرد.
- ۸- استعمار و بردگی را از بین می‌برد، چنانچه از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده که فرمود: «در زمان مهدی، بردگی و استعمار از میان می‌رود و همه مردم آزاد زندگی می‌کنند. دل‌های مردم از حسد و دروغ و کینه پاک می‌شود.»^(۳)

۲- مهدی منتظر، ص ۲۶۸

۱- بحار الانوار، ج ۱۳

۳- غیبه شیخ طوسی

- ۹- بیماران شفا پیدا می‌کنند. حضرت باقر علیه السلام فرمود: «هر کس قائم ما را ببیند اگر بیمار باشد شفا یابد. و اگر ضعیف باشد نیرومند گردد.»^(۱)
- ۱۰- تمام انسانها توانگر و غنی می‌گردند. و از نظر اقتصادی، کامل، بطوریکه فقیر یافت نگرود.
- امام صادق علیه السلام فرمود: «تا فرصت دارید صدقه بدهید. و روزی بر شما خواهد آمد در حکومت مهدی که هر چه بگردید فقیری پیدا نکنید تا به او صدقه دهید.»^(۲)
- ۱۱- زبان واحد بین‌المللی همان زبان عربی است که همه به آن آشنا شوند.
- ۱۲- حق هر کس به او داده شود و به کسی ظلم نمی‌گردد.
- ۱۳- زمین تمام گنجهای خود را در دسترس حضرت قرار می‌دهد.
- ۱۴- یک دین در جهان باقی می‌ماند و همه به آن دین رو می‌آورند و آن اسلام است.
- ۱۵- هیچ کس باقی نماند مگر آنکه بر خاتمیت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم اعتراف کند.
- ۱۶- همه دانشمندان از نقاط دور به خدمتش می‌آیند، و او را در هر رشته حاکمتر از خود می‌بینند و علم و وجدان باعث اسلام آوردن آنها می‌شود.
- ۱۷- درندگان، رام می‌شوند؛ و به کسی آزار نمی‌رسانند.
- ۱۸- از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که «در زمان حکومت مهدی

چنان به امت خودش می‌گذرد که هیچ‌گاه سابقه نداشته است.»^(۱)

۱۹- اصول شرافت و مردانگی و انسانیت رشد پیدا می‌کند.

۲۰- عقلها تکامل پیدا می‌کند.

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «وقتی امام عصر قیام نماید، دست رحمت و

عنایت حق بر سر تمام بشر گذارده می‌شود؛ پس عقلها متمرکز و قوی

می‌شود و افکار و تدبیرات و تفکرات، کامل می‌شود.»^(۲)

گفتاری از امام مهدی علیه السلام درباره تأخیر وقت نماز

زهری نقل می‌کند که مدتهای مدیدی در طلب حضرت مهدی - عجل الله فرجه الشریف - بودم و در این راه اموال فراوانی خرج کردم اما به هدف نرسیدم تا اینکه خدمت محمد بن عثمان، دومین نایب امام زمان علیه السلام در غیبت صغری، رسیدم و مدتی در محضر او بودم، روزی از او به التماس خواستم مرا به خدمت امام زمان علیه السلام ببرد، وی پاسخ منفی داد ولی در مقابل تضرع و التماس زیاد من گفت: «فردا اول وقت بیا». فردای آن روز وقتی خدمت محمد بن عثمان رفته دیدم جوانی خوش سیما و خوش بو همراه اوست به من اشاره کرد: «این است آن کس که در طلبش هستی». آنچه سؤال در محضر حضرتش طرح کردم. ایشان جواب مرا فرمود، تا به خانه‌ای رسیدیم، هنگامی که خواست داخل شود محمد بن عثمان به من گفت: «اگر می‌خواهی چیزی بپرسی بپرس! که دیگر بعد از این، او را نمی‌بینی».

من هم به دنبال او رفتم که سئوالهایی کنم ولی او داخل شد و جز این دو جمله چیزی نفرمود^(۱):

«ملعون است ملعون، کسی که نماز مغرب را به قدری تأخیر اندازد که ستاره‌ها در هم فرو رود» از رحمت خدا دور است از رحمت خدا دور است کسی که نماز صبح را به قدری تأخیر اندازد که ستاره‌ها کاملاً ناپدید شود (و بعد از آن) چیزی نفرمود و داخل خانه شد.^(۲)

۱- داستانهای نماز، مرتضی عطائی، ص ۱۰۷! به نقل از یکی از علمای مشهد.

۲- غیبت شیخ طوسی، ص ۱۱۳ و بحارالانوار ج ۵۲، ص ۱۵

نماز امام زمان (ارواحنا فداه)

«حسن بن مثله»^(۱) از امام زمان علیه السلام درباره فضیلت و اعمال مسجد جمکران نقل کرده که فرمودند:

«... به مرم بگو به این مسجد توجه و رغبت زیادی داشته باشند و آن را عزیز بدانند، و بگو اینجا چهار رکعت نماز بخوانند که دو رکعت اول آن بعنوان تحیت مسجد است؛ به این ترتیب که:

در هر رکعت بعد از حمد هفت مرتبه سوره توحید و هفت مرتبه تسبیح «سبحان ربی العظیم و بحمده» در رکوع، و هفت مرتبه تسبیح «سبحان ربی الاعلی و بحمده» در هر کدام از سجده‌ها.

دو رکعت دوم را به نیت نماز صاحب الزمان علیه السلام بخوانند به این ترتیب: در هر رکعت در سوره حمد، جمله «ایاک نعبد و ایاک نستعین» را صد بار بگویند و تسبیح رکوعها و سجده‌ها را نیز هفت مرتبه تکرار کنند و نماز را سلام دهند و بعد از نماز یک «لا اله الا الله» بعد تسبیح حضرت زهرا علیها السلام را بگویند و سپس سر به سجده گذارد و صد مرتبه صلوات بر پیغمبر و آل آن حضرت بفرستند. سپس فرمود: «من صلیهما فکانما صلی فی البیت العتیق»

«کسی که این دو رکعت نماز را در اینجا بخواند، مثل کسی است که در کعبه نماز خوانده است.»^(۲)

۱- در کتاب نجم الثاقب و در کتاب «مونس الحزین» درباره تاریخچه و چگونگی بنای

۲- ملاقات با امام زمان، ج ۱، ص ۲۰

مسجد جمکران قم

خبرهای غیبی حضرت حجة القائم علیه السلام (ده خبر غیبی)

۱- هدایائی برای حضرت

سعد بن عبدالله نقل می‌کند که: برای حضرت صاحب علیه السلام هدیه‌هایی آوردند. قاصد کیسه‌ای بیرون آورد. حضرت نگاهی به آن کرد و فرمود: این کیسه را فلان بن فلان فرستاده، پس اوصاف کیسه و شرح آنچه که در آن بود بیان فرمود، و باز کیسه‌های دیگری درآورد که خصوصیات هر یک را فرمودند، و از چیزهای دیگری از این قبیل هم خبر دادند؛ و پیش از سؤال جواب مسائلی را که می‌خواست پرسد فرمودند.

۲- محمد بن مهزیار

محمد بن ابراهیم بن مهزیار گفت: پس از وفات حضرت عسکری علیه السلام درباره امام بعد از او شک کردم. مال زیادی نزد پدرم جمع شده بود، پدرم آن را برداشت و سوار کشتی شد من هم همراهش رفتم. در کشتی تب سختی کرد و گفت: پسر جان! مرا برگردان که این آثار مرگ است، و درباره این مال از خدا بترس و وصیت خویش به من کرد و مُرد.

من با خود گفتم: پدرم چنین نبود که وصیت بیجائی به من بکند، مال را می‌برم به بغداد، و خانه‌ای کنار شط کرایه می‌کنم و احدی را خبردار نمی‌کنم، اگر مثل زمان حضرت عسکری علیه السلام مطلب واضح شد و امام را شناختم، می‌فرستم، وگرنه خودم مصرف می‌کنم. رفتم بغداد و خانه‌ای کنار شط کرایه کردم و چند روزی ماندم، ناگاه پیکی آمد و نامه‌ای آورد که نوشته بود: محمد! فلان مقدار مال در فلان ظرف گذاشته‌ای و آورده‌ای و

هر چه را همراه داشتم - که خودم هم درست نمی دانستم - همه را نوشته بود، من نیز مال را تحویل پیک حضرت دادم و چند روز دیگر ماندم و همیشه از غصه سرافکننده بودم، که باز نامه‌ای رسید: ما تو را به جای پدرت نصب کردیم خدا را شکر کن. (۱)

۳- ابوسعید غانم هندی

عامری از غانم هندی در حدیثی طولانی نقل می‌کند: به جستجوی حضرت مهدی علیه السلام حرکت کرد؛ و گفت: وقتی که به عباسیه رسیدم و مهتای نماز شدم و در فکر مطلوب خود بودم که مردی آمد و گفت: تو فلانی هستی؟ و نام هندی مرا برد. گفتم: آری. گفت: مولایت را اجابت کن. همراهش رفتم، و مرتب مرا از این کوچه به آن کوچه می‌برد تا به خانه و باغی رسید. دیدم آن جناب نشسته و به زبان هندی فرمود: آفرین ای فلان، و احوال من و چهل نفر رفیقم را پرسید و یک یک را نام برد و جریان کار ما را تماماً ذکر کرد، و همه این مکالمات به زبان هندی بود. سپس فرمود: می‌خواستی با اهل قم به حج بروی؟ گفتم: آری سرور من! فرمود: با آنها مرو، امسال برگرد و سال دیگر برو؛ آنگاه کیسه پولی که جلوی روی حضرت بود جلوی من گذاشته و فرمود: اینها را هزینه خود کن، و در بغداد منزل فلانی نرو و او را بر این جریان آگاه مکن.

عامری گفت: غانم برگشت در شهر قم نزد ما، و باز پس از تشرّف ملاقاتش کردیم؛ مردم گفتند: رفقای ما از عقبه برگشتند و غانم به جانب

خراسان رفت و سال دیگر به حج مشرف شد، و از خراسان هدیه‌ای برای ما فرستاد و مدتی در آنجا بود تا وفات یافت. خدایش بیامرزد. (۱)

۴- حق پسرعموهایت را ادا کن!

علی بن محمد روایت نقل می‌کند که: مردی از اهل عراق مالی برای امام زمان (عج) فرستاد. حضرت مال را برگرداند و پیغام داد که حق پسرعموهایت را که چهارصد درهم است از آن خارج کن. و نیز مزرعه‌ای دست او بود که پسرعموهایش در آن شریک بودند ولی حق آنها را نمی‌پرداخت، چون حساب کرد، دید طلب آنها همان چهارصد درهم می‌شود، پس از پرداختن آن مابقی را فرستاد و قبول شد. (۲)

۵- خبر از توطئه

حسین بن حسن علوی روایت کرده که: یکی از ندیمان و همدمهای «رُوز حسنی» (که حاکم شهر سامره بود) با مرد دیگری که همراه او بود نزد حاکم سعایت کردند که: برای حضرت صاحب مالها جمع می‌کنند، و کلایه دارد و تمام وکلای اطراف را نام بردند و مطلب را به عبیدالله بن سلیمان وزیر اطلاع دادند. وزیر خواست آنها را دستگیر کند. پادشاه گفت: اول خود آن مرد (یعنی صاحب الزمان علیه السلام) را پیدا کنید که این مطلب مهمی است. عبیدالله گفت وکلای را بگیریم. گفت: نه عده ناشناسی را

۱- کافی، ج ۱، کتاب الحجة، ص ۵۱۷، ح ۳

۲- کافی، ج ۱، کتاب الحجة، ص ۵۱۹، ح ۸

بفرستید که اموالی نزد آنها ببرند، هر کدام پذیرفتند او را بگیرند. آنگاه نامه‌ای از طرف حضرت صاحب رسید که به وکلا دستور دهید چیزی از احدی نگیرند، و اصلاً در این موضوع اظهار بی‌اطلاعی کنند. مرد ناشناسی آمد خدمت محمد بن احمد (یکی از وکلای حضرت) و در خلوت به او گفت: من مالی دارم که می‌خواهم به حضرت صاحب برسانم. محمد گفت: من از این موضوع هیچ اطلاعی ندارم، و هر چه او ملاحظت و ملامت به خرج داد محمد تجاهل کرد، و جاسوسانِ دیگر هم که نزد سایر وکلا رفتند با همین جریان روبرو شدند، چون به همه وکلا دستور تجاهل داده شده بود.^(۱)

۶- خبر از مرگ محمد بن اسماعیل

حسن بن یحیی علوی گوید: علی بن احمد عقیقی راجع به امر مزرعه‌ای که داشت به بغداد آمد، و به علی بن جراح وزیر مراجعه کرد. وزیر گفت: فامیل تو در این شهر زیادند، اگر بنا باشد هر چه بخواهند ما بدهیم دنباله پیدا می‌کند تا آنجا که (عقیقی) گوید: برگشتم و قاصد حسین بن روح نزد من آمد، جریان را به او گفتم، رفت مطلب را به حسین بن روح بیان کرد، و یکصد درهم که به عدد دو وزن تمام بود و یک دستمال و مقداری کافور و چند قطعه کفن آورد و گفت: مولایت سلامت می‌رساند و می‌گوید: اگر از چیزی غمگین شدی این دستمال را به صورتت بکش که این دستمال مولای تو است، و این درهمها و کافور و کفن را بگیر، امشب

حاجتت روا می‌شود و چون به مصر رسیدی ده روز پیش از رسیدن تو محمد بن اسماعیل مرده است و تو بعد از او خواهی مُرد، و این کفن و کافور و تجهیزات تو است، آنها را گرفتم و نگهداشتم و قاصد برگشت. (۱)

۷- سهم امام

محمد بن علی بن شاذان روایت کرده که: چهار صد و هشتاد درهم سهم امام نزد من جمع شده بود، من نخواستم از پانصد درهم کمتر باشد، بیست درهم از مال خودم برداشته و به آن اضافه کردم و برای اسدی (وکیل حضرت) فرستادم، و ننوشتم که چیزی از اینها هم از من است، جواب آمد: پانصد درهم که بیست درهم آن از خودت بود رسید. (۲)

۸- خبر از مرگ عمرو بن عوف

فضل بن شاذان از ابراهیم بن محمد نیشابوری نقل می‌کند که گفت: وقتی عمرو بن عوف والی به قتل من همت گماشت ترس عظیمی بر من غالب شد؛ با کسانم وداع کردم و برای وداع به طرف خانه حضرت عسکری علیه السلام رفتم و ضمناً قصد فرار داشتم. وقتی که وارد شدم دیدم پسری چون ماه چهارده کنار وی نشسته است که از نور جمالش حیران شدم، بطوری که نزدیک بود جریان کارم را فراموش کنم. کودک گفت: ای ابراهیم فرار نکن! که خداوند شتر او را کفایت می‌کند. حیرت من زیادتر شد. به حضرت عسکری علیه السلام عرض کردم: یابن رسول الله! این کیست که از نیت

۱- اثبات الهداة، ج ۷، ص ۳۱۵

۲- کافی، ج ۱، کتاب الحجّة، ص ۵۲۳، ح ۲۳

من خبر داد؟ فرمود: این پسر، و جانشین من است. و در آخر حدیث است که چون از خانه بیرون آمد عمویش خبر داد که: معتمد برادرش را فرستاده که عمرو بن عوف را بکشد. (۱)

۹- مرگ بعد از شفا

مردی از اهل کاشان به نجف آمد، در آنجا سخت مریض شد، بطوری که پاهایش خشک شد و رفقا او را پیش یکی از صلحاء، در مدرسه محیط به آستانه مقدس گذاشتند و به مکه رفتند. روزی مرد کاشانی به صاحب حجره گفت: من اینجا دلتنگ شده‌ام، مرا ببر در جای دیگری بینداز. صاحب حجره وی را برده و در مقام حضرت قائم (عج) در خارج از نجف نهاده وقتی که آنجا تنها و غمناک ماند، ناگاه دید جوان خوشروئی وارد شد و سلام کرد. رفت در محراب چند رکعت نماز گذاشت. چون فارغ شد حال آن مرد را پرسید. گفت: دچار بلیه‌ای شدم که دلم تنگ شده است و نه خدا مرا شفا می‌دهد که آزاد گردم و نه جانم را می‌گیرد که راحت شوم. حضرت فرمود: غم مخور که خداوند هر دو مطلب تو را می‌دهد و رفت.

چون خارج شد از جا برخاست و دید اثری از او نیست لذا دانست که حضرت قائم علیه السلام بوده است. به سراغ او بیرون رفت و در صحرا نگاه کرد اما کسی را ندید و در سلامتی کامل بود تا حاجیان برگشتند و رفقاییش آمدند. اندکی هم با آنها بود، سپس مریش شد و از دنیا رفت و فرمایش آن حضرت به صحت پیوست که فرمود: هر دو امر واقع می‌شود. (۲)

۱- اثبات الهداة، ج ۷، ص ۳۵۶

۲- اثبات الهداة، ج ۷، ص ۳۷۴

۱۰- جانشین حضرت عسکری علیه السلام کیست؟

ابوالادیان در حدیثی نقل می‌کند: که چون حضرت عسکری علیه السلام وفات کرد، کودکی بیرون آمد و بر جنازه وی نماز گذاشت، و او را به خاک سپردند و ما نشسته بودیم که عده‌ای از قم آمدند احوال حضرت را پرسیدند، گفتند آن حضرت از دنیا رفت، گفتند: جانشین او کیست و چه کسی را باید تسلیت بدهیم؟ مردم به جعفر کذاب (برادر امام عسکری) اشاره کردند. اهالی قم آمدند و سلام کردند، و پس از تسلیت، مقام امامت او را تبریک گفتند و اظهار کردند که ما نامه‌ها و اموالی را همراه خود داریم. بگو که نامه‌ها از کیست؟ و اموال چقدر است؟ جعفر برخاست و دامن افشاند و گفت: توقع علم غیب از ما دارید؟! در این هنگام خادمی از خانه بیرون آمد و گفت: نامه‌هایی از فلان و فلان، و همیانی محتوی یک هزار دینار که ده دینارش قلب است همراه شما است. نامه‌ها و اموال را به وی دادند و گفتند آنکه این پیغام را به وسیله تو فرستاد امام است. (۱)

ملاقات با امام زمان علیه السلام (ده ملاقات)

یا بن العسکری!

«هر چند پیر و خسته دل و ناتوان شدم

هر گه که یاد روی تو کردم جوان شدم

آیا شود پیام رسد از سرای تو:

خوش باش من به عفو گناهت، ضمان شدم»



ای پادشه خوبان، داد از غم تنهائی

دل بی تو به جان آمد، وقتت که بازایی

مشتاقی و مهجوری، دور از تو چنانم کرد

کز دست، بخواهد شد، پایان شکیبایی

ای درد توام درمان در بستر ناکمی

وی یاد توام مونس در گوشه تنهائی

فکر خود و رای خود، در امر تو کی گنجد

کفر است در این وادی خودبینی و خودرایی

در دایره قسمت، ما نقطه تسلیمیم

لطف آنچه تو اندیشی حکم آنچه تو فرمایی

حافظ شب هجران شد بوی خوش وصل آمد

شایدیت مبارک باد ای عاشق ~~شیدایی~~

ملاقات اول

جناب شیخ اسدالله زنجانی می‌گوید: شنیدم این حکایت را از دوازده نفر از فحول علماء که یکی از آنان مثل شیخ‌الاکبر جناب آخوند ملا حسینقلی همدانی و عالم امجد جناب سید محمد آل بحرالعلوم، که: جناب شیخ حسین نجفی از زیارت بیت‌الله مراجعت به نجف اشرف کرده بود بدین جهت بزرگان علمای حوزه برای دیدار و تهنیت در منزل ایشان جمع گردیدند از جمله جناب سید بحرالعلوم نیز حضور داشت و سید با جناب شیخ حسین کمال اتحاد و یگانگی (از جهت دوستی و رفاقت) داشت، در اثناء صحبت روی مبارک خود را به جناب شیخ نمود و فرمود: شما آن قدر سربلند و بزرگ مرتبه گردیده‌اید که باید با حضرت صاحب‌الزمان (ارواحنا فداه) هم کاسه و هم غذا شوید؟!

مرحوم شیخ حسین نجفی از شنیدن این کلام متغیر شد و حضار مجلس نیز متعجب شده و از سید بحرالعلوم (رحمة‌الله علیه) تفصیل مطلب را پرسیدند.

سید (رحمة‌الله علیه) فرمود: آیا در خاطر نداری که بعد از مراجعت از حج در فلان منزل در خیمه خود نشسته بودی و کاسه آبگوشتی برای نهار خود مهیا کرده بودی که ناگاه از دامنه صحرا جوان خوش بوئی که زی عربها وارد گردید و از غذای شما میل فرمود؟!

همان آقا روح روان همه عوالم امکان حضرت صاحب الامر و الزمان (عج‌الله و تعالی فرجه الشریف) بودند.

ملاقات دوم

تشریف آقا شیخ حسین سامرائی

حضرت آیت‌الله حاج میرزا احمد سیبویه ساکن تهران از آقا شیخ حسین سامرائی که از اتقیاء اهل منبر در عراق بودند، نقل فرمودند:

«در ایامی که در سامراء مشرف بودم روز جمعهای طرف عصر در سرداب مقدس رفتم. دیدم غیر از من احدی نیست و من حالی پیدا کرده و متوجه مقام صاحب‌الامر - صلوات‌الله علیه - شدم. در آن حال صدائی از پشت سر شنیدم که به فارسی فرمود: به شیعیان و دوستان ما بگوئید که خدا را قسم دهند به حق عمّام حضرت زینب سلام‌الله علیه که فرج مرا نزدیک گرداند.»

ملاقات سوم

تشریف حضرت آیت‌الله سیبویه

حضرت آیت‌الله حاج میرزا احمد سیبویه از قول عمویشان حضرت آیت‌الله مرحوم شیخ محمد علی سیبویه که از علمای کربلا بودند و در صحن مقدّس حضرت عباس علیه السلام نماز و منبر داشتند نقل فرمود: «چون معروف است هر کس بخواهد خدمت حضرت ولی عصر - سلام‌الله علیه - برسد؛ یک راهش، رفتن چهل شب جمعه به حرم مطهر امام حسین علیه السلام

است؛ لذا تصمیم گرفتم چهل شب جمعه در حرم امام حسین علیه السلام بیتوته کنم. شب جمعه آخر بود، به نماز ایستادم، ناگهان متوجه شدم جلوی من شخص نورانی ایستاده است و چنان حمد و سوره می خواند که تا حال، چنین نشنیده بودم. و بنحوی مجذوب شدم که با خود گفتم: زودتر نماز را تمام و این آقا را زیارت کنم. سر از سجده آخر برداشتم کسی را ندیدم، یقین، کردم خدمت ولی عصر - ارواحنا فداه - رسیدم».

چه خوش است صوت قرآن ز تو دلربا شنیدن

به زخمت نظاره کردن سخن خدا شنیدن

ملاقات چهارم

حضرت حجة الاسلام و المسلمین آقای حاج شیخ «مهدی معزی» فرمودند: مرحوم حاج شیخ مرتضی زاهد که از پاکان علماء تهران بود فرمود:

مرحوم سید عبدالکریم محمودی شبهای جمعه به خدمت حضرت ولی عصر علیه السلام می رسید. او می گفت: شب جمعه ای در صحن مطهر حضرت عبدالعظیم (در شهر ری) خدمت حضرت بقیة الله ارواحنا فداه رسیدم، به من فرمودند: سید کریم بیا با هم به زیارت جدّم حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام برویم.

گفتم: در خدمتم، چند قدمی در خدمت آن حضرت برداشتم دیدم به

در صحن حضرت رضا علیه السلام رسیده‌ام من با آن حضرت زیارت کردم و باز به همان نحو برگشتیم و به تهران آمدیم. باز حضرت ولی عصر علیه السلام فرمودند بیا با هم به زیارت قبر حاج سید علی مفسر برویم، (این قبر در صحن امامزاده عبدالله است) وقتی در خدمتشان به آنجا رفتیم دیدم روح آن مرحوم کنار قبرش ایستاده و اظهار ارادت به آن حضرت می‌کند. سید علی به من گفت: سید کریم به حاج شیخ مرتضی زاهد سلام مرا برسان و بگو چرا حق رفاقت و دوستی را رعایت نمی‌کنی و به دیدن ما نمی‌آئی و ما را فراموش کرده‌ای؟

حضرت ولی عصر علیه السلام به سید علی فرمودند: حاج شیخ مرتضی گرفتار و معذور است من به جای او خواهم آمد.

ملاقات پنجم

در زمان «علامه حلی» رضوان الله تعالی علیه یکی از مخالفین و اهل سنت کتابی در ردّ مذهب شیعه نوشته بود و در مجالس عمومی و خصوصی خویش از آن بهره می‌گرفت، افراد زیادی را نسبت به طریقه امامیه بدبین و گمراه می‌نمود.

از طرفی کتاب را هم در اختیار کسی نمی‌گذاشته تا در دست دانشمندان شیعه قرار بگیرد و جوابی بر آن نویسند و ایرادی وارد نکنند علامه حلی با آن عظمت قدر و جلال علمی، به دنبال وسیله‌ای برای

بدست آوردن آن کتاب به مجلس درس آن مخالف می‌رود و برای حفظ ظاهر خود را شاگرد او می‌خواند و بعد از مدتی علاقه و رابطه استاد و شاگردی را بهانه می‌کند و تقاضای دریافت آن کتاب را می‌نماید.

آن شخص در یک حالت عاطفی قرار می‌گیرد و چون نمی‌تواند دست رد بر سینه او بزند لاجرم می‌گوید: «من نذر کرده‌ام که کتاب را جز یک شب به کسی ندهم.»

علامه به ناچار می‌پذیرد و همان یک شب را غنیمت می‌شمرد، آن شب با یک دنیا شعف و خرسندی به رونویسی آن کتاب قطور می‌پردازد!! نظر او این بود که هر چه مقدور شد از آن کتاب یادداشت نموده و سپس در فرصتی به پاسخش اقدام نماید.

اما همین که شب به نیمه می‌رسد. او را خواب فرا می‌گیرد در همین هنگام میهمان جلیل‌القدری داخل اطاق او می‌شود و با او هم صحبت می‌گردد و پس از صحبت‌هایی می‌فرماید:

«علامه تو بخواب و نوشتن را به من واگذار.»

علامه بی‌چون و چرا اطاعت می‌کند و به خواب عمیقی فرو می‌رود. وقتی از خواب برمی‌خیزد، از میهمان نورانیش اثری نمی‌بیند! چون به سراغ نوشته‌اش می‌رود، کتاب را می‌بیند که بصورت تمام و کمال نوشته شده است و در پایان آن، نقشی را به عنوان امضاء چنین مشاهده می‌کند: «کَتَبَهُ الْحُجَّةُ» (حجت خدا آن را نگاشت).

ملاقات ششم

اگر کسی به حضرت بقیةالله روحی له الفداء از روی اخلاص و یقین متوسل شود آن حضرت به فریاد او می‌رسد.

آقای «حاج عبدالرحیم سرافراز شیرازی» که یکی از متدینین و دانشمندان معاصرند و کتابهای علمی و تاریخی نوشته‌اند که منجمله کتاب «مسجد جمکران است» نقل می‌کردند که:

در روز عید قربان ۱۴۰۰ هجری قمری آقای «حاج علی اصغر سیف» نقل کردند که یکی از اطبای شیراز، زنی از خارج گرفته بود و او را مسلمان کرده بود و برای اولین بار به سفر حج برده بود.

ضمناً به او گفته بود که حضرت ولی عصر علیه السلام در برنامه اعمال حج شرکت می‌کنند و اگر ما تو را، یا تو کاروان را گم کردی متوسل به آن حضرت بشو تا تو را راهنمایی بفرمایند و به کاروان ملحقیت کنند.

اتفاقاً آن خانم در صحرای عرفات گم می‌شود، جمعیت کاروان و خود آقای دکتر شوهر آن خانم ساعتها به جستجوی او برخواستند ولی او را پیدا نکردند.

پس از دو ساعت که همه خسته در میان خیمه جمع شده بودند و نمی‌دانستند چه باید بکنند، ناگهان دیدند آن زن وارد خیمه شده از او پرسیدیم کجا بودی؟

گفت: گم شده بودم و همان گونه که دکتر گفته بود متوسل به حضرت بقیةالله (عج) شدم، این آقا آمدند با آنکه من نه زبان فارسی بلد بودم و نه زبان عربی در عین حال با من به زبان خودم حرف زدند و مرا به خیمه رساندند و لذا از این آقا تشکر کنید. اهل کاروان هر چه به آن طرفی که آن زن اشاره می کرد نگاه کردند کسی را ندیدند و بالأخره معلوم شد که حضرت ولی عصر علیه السلام را فقط آن زن می بیند ولی سایرین نمی بینند.

ملاقات هفتم

مرحوم حاجی نوری در کتاب نجم الثاقب از عالم جلیل، آخوند «ملا زین العابدین سلماسی» شاگرد اهل ستر «سید بحر العلوم» نقل می کند که فرمود:

در خدمت سید بحر العلوم به حرم مطهر عسکریین علیهم السلام در سامرا مشرف شدیم و ما چند نفر بودیم، که با او نماز می خواندیم، در رکعت دوم بعد از تشهد که می خواست برای رکعت سوم برخیزد حالتی به او دست داد که توقفی نمود و بعد از چند لحظه برخاست.

بعد از نماز در حالی که همه ما تعجب کرده بودیم و نمی دانستیم چرا آن عالم بزرگ در وسط نماز توقف کرده و کسی از ما جرأت نداشت که از او سؤال کند. وقتی به منزل آن بزرگوار برگشتیم و سر سفره نشستیم یکی از سادات به من اشاره کرد که علت آن توقف را سؤال کنم؟ گفتم: تو از من به

آن جناب نزدیکتری. سید بحرالعلوم رضوان الله تعالی علیه متوجه ما شد و فرمود: با هم چه می‌گوئید؟ من که از همه رویم به آن جناب بازتر بود. گفتم: این سید می‌خواهد بداند، سر آن توقف در حال نماز چه بوده است؟ فرمود: من وقتی در حال نماز بودم دیدم، حضرت بقیة الله ارواحنا فداه برای زیارت پدر بزرگوارش وارد حرم مطهر شد من از مشاهده جمال مقدسش مبهوت شدم و لذا آن حالت که مشاهده نمودید به من دست داد و من به ایشان نگاه می‌کردم تا اینکه آن حضرت علیه السلام از حرم بیرون رفتند.

ملاقات هشتم

عالم جلیل و فقیه عالی مقام سید حسن بن حمزه که از علماء بزرگ شیعه است و با شش پشت به حضرت سیدالشهداء علیه السلام می‌رسند نقل می‌کنند:

مرد صالحی از شیعیان گفت من در یکی از سالها به قصد زیارت بیت الله و اعمال حج از منزلم بیرون رفتم و اتفاقاً آن سال گرما و امراض مسری زیاد شده بود.

در راه از قافله با غفلتی که کرده بودم عقب افتادم، کم‌کم از کثرت تشنگی در آن بیابان گرم بی‌حال روی زمین افتادم و نزدیک به هلاکت بودم، که صدای شیهه اسبی به گوشم رسید. وقتی چشمم را باز کردم جوان خوشرو و خوشبوئی را سوار بر اسب دیدم که بالای سرم ایستاده

ظرف آبی در دست داشت، از اسب پیاده شد و آن آب را به من داد، آن آب به قدری سرد و شیرین بود که من تا به حال مثل آن آب را نخورده‌ام از آن آقا سؤال کردم: که تو که هستی که این لطف و مرحمت را به من نمودی؟! گفت: من حجت خدا بر بندگان خدایم، من بقیة الله در زمینم، من آن کسی هستم که زمین را از عدل و داد پر خواهم کرد بعد از آنکه پر از ظلم و جور شده باشد.

من فرزند حسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام هستم. وقتی او را شناختم به من فرمود، چشمهایت را روی هم بگذار، من دستور را عمل کردم و چشمهایم را روی هم گذاشتم پس از چند لحظه به من فرمود، چشمت را باز کن، باز کردم خود را در کنار قافله دیدم در این موقع آن حضرت از نظرم غائب شد.

ملاقات نهم

باقی بن عطوه علوی که از سادات حسینی بوده و مورد اعتماد علی بن عیسی اربلی می باشد نقل کرده که گفت:

پدرم زیدی مذهب بود و او به مرضی مبتلاء بود که به هیچ وجه اطباء نمی توانستند او را معالجه کنند و از من و چند پسر دیگرش که همه شیعه و دوازده امامی بودیم ناراحت بود و دوست نداشت که ما غیر مذهب او

باشیم و گاهی که ما برای او استدلال حقانیت مذهب تشیع را می نمودیم و به او می گفتیم که حضرت بقیة الله (عجل الله تعالی له الفرج) زنده است می گفت: اگر راست می گوئید او بیاید و مرا شفاء بدهد تا من باور کنم و معتقد به مذهب شما بشوم و مکرر می گفت: من شما را تصدیق نمی کنم و به مذهب شما قائل نمی شوم مگر آنکه صاحب شما، امام زمان شما، حضرت مهدی شما بیاید و مرا از این مرض نجات بدهد!!

تا آنکه یک شب بعد از نماز عشاء که ما همه یکجا جمع بودیم و پدرم در اطاق خودش بستری بود شنیدیم که صدا می زند می گوید بیائید بشتابید عجله کنید که آقای شما اینجاست!!

ما خود را با عجله نزد او رساندیم، کسی را ندیدیم ولی او به طرف در اطاق نگاه می کرد و می گفت پی او بدوید و به خدمت مولای خود برسید، زیرا همین لحظه او از نزد من از این اطاق بیرون رفت و با دستور او از اطاق بیرون رفتیم و هر چه این طرف و آن طرف دویدیم، کسی را ندیدیم به نزد پدر برگشتیم و از او سؤال کردیم که چه بود و چه شد او می گریست و می گفت شخصی نزد من آمد و گفت: یا عطوه! گفتم: شما که هستی؟ فرمود: من صاحب پسران تو و امام زمان پسران تو هستم آمده ام تو را شفا بدهم، بعد از آن دست دراز کرد و روی محلّ مرض گذاشت و به کلی مرا از آن کسالت نجات داد و من سلامتی کامل خود را دریافتم و آثاری از آن کسالت در من نیست و لذا متوجه شدم که او امام زمان حضرت حجة بن

الحسن عليه السلام است و به همین جهت شما را صدا زدم که او را زیارت کنید! که متأسفانه به مجردی که شما آمدید آن حضرت از در اطاق بیرون رفت. (۱)

ملاقات دهم

سید جواد عاملی صاحب کتاب مفتاح الکرامه که از شاگردان سید است می گوید:

شبی از شبها استادم علامه سید بحر العلوم (رحمة الله عليه) از دروازه شهر نجف بیرون رفتند و من نیز از پشت سر به دنبالشان رفتم تا اینکه داخل مسجد کوفه شدیم، دیدم آن جناب به مقام حضرت صاحب الامر (عج) رفته و با امام زمان (عج) گفتگوئی دارند و مسئله‌ای از آن حضرت پرسید. آن حضرت در جواب فرمودند: در احکام شرعی به ادله ظاهریه مأمور هستید و تکلیف شما همان چیزی است که از آن ادله استفاده نموده‌اید و مأمور به احکام واقعیّه نیستید.

از خوانندگان ارجمند، انتظار می‌رود که به دیده عفو و اغماض بنگرند. و از شما عزیزان التماس دعا دارم.

«و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

و صلی الله علی محمد و آله الطاهیرین»